

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال دوم، شماره پنج (پیاپی: ۸)، زمستان ۱۳۹۸

تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی زنان: بررسی مؤلفه‌ها،
الگوهای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
محمدعلی زکی

تحلیل مردم‌شناختی پوشاک عشایر استان فارس؛ مطالعه موردی:
قشقایی‌های فیروزآباد
وحید رشیدوش، جواد زحمتکش

بررسی عضویت در شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان؛
دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷
صفی‌الله صفایی، عاطفه ناصری سلطانی

بررسی نقش تبلیغات با رویکرد جامعه‌شناسانه شکل‌دهی در کنترل
جمعیت ایران بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵
شکیبا رحمانی

قشربندی و نابرابری اجتماعی: بررسی دیدگاه ماکس وبر در رابطه با
قشربندی اجتماعی
محمدعلی امیرپورسعید

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال دوم، شماره پنج (پیاپی: ۸)، زمستان (بهمن) ۱۳۹۸
ISSN: 2645-4475

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
منیژه ملائی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر داخلی: محدثه ملائی

اعضای علمی تحریریه:

دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

دکتر خدیجه اسدی روستانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر محمدرضا حسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر عبدالرسول حسنی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷

۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی

تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۱ ۳۳ ۸۴۰۷ ۹۲



فراخوان پذیرش مقاله

علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قلمرو بسیار گسترده‌ای از جامعه را در برمی‌گیرد که آگاهی یافتن نسبت به هریک از زیرشاخه‌های آن مستلزم مطالعات گسترده پژوهشگران و متخصصین است. نظر به پیچیدگی مسائل اجتماعی و انسانی، امروزه شاهد چرخش گفتمان‌ها و تغییر دیدگاه‌ها از نگاه تک‌بعدی به رویکردهای چندبعدی و بین‌رشته‌ای هستیم. رویکردها و گونه‌های میان‌رشته‌ای، مبین نسبت و نحوه پیوند و تعامل میان دانش، مفاهیم، روش‌ها، تجارب و ابزارهای مختلف از رشته‌های گوناگون در خصوص موضوع یا مسئله مورد نظر هستند که نوع همکاری، مشارکت و شیوه‌های مواجهه با موضوعات و مسائل پیچیده را به کنش‌گران فعالیت‌های میان‌رشته‌ای نشان می‌دهند.

فصلنامه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» باهدف ترویج دانش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی از طریق طرح مسائلی اساسی جامعه و کوشش در جهت توصیف، تبیین و حل آن، همچنین بحث و تبادل نظر میان پژوهشگران این حوزه، به انتشار مقالات تخصصی می‌پردازد. از اینرو تحریریه از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌نماید تا با ارسال مقالات علمی در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه کافی است تا در وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسنده مسئول تماس گرفته می‌شود.

موضوعات نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات فرهنگی
- مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی



فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال دوم، شماره ۵ (پیاپی: ۸)، زمستان (بهمن) ۱۳۹۸

فهرست مقالات

عنوان مقاله	صفحه
تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی زنان: بررسی مؤلفه‌ها، الگوهای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن محمدعلی زکی	۱
تحلیل مردم‌شناختی پوشاک عشایر استان فارس؛ مطالعه موردی: قشقایی‌های فیروزآباد وحید رشیدوش، جواد زحمتکش	۲۱
بررسی عضویت در شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان؛ دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ صفی‌الله صفایی، عاطفه ناصری سلطانی	۳۱
بررسی نقش تبلیغات با رویکرد جامعه‌شناسانه شکل‌دهی در کنترل جمعیت ایران بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ شکیبا رحمانی	۴۵
قشربندی و نابرابری اجتماعی: بررسی دیدگاه ماکس وبر در رابطه با قشربندی اجتماعی محمدعلی امیرپورسعید	۵۱

تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی زنان: بررسی مؤلفه‌ها، الگوهای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد: مقایسه زنان شاغل و خانه‌دار ۲۰-۴۹ ساله شهر اصفهان)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

کد مقاله: ۳۳۱۳۱

محمدعلی زکی^۱

چکیده

زندگی پژوهی، یکی از موضوعات کاربردی در تحقیقات جامعه‌شناسی ایران معاصر تلقی شده که شامل تحقیقاتی بوده که به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی افراد (برای نمونه معناداری زندگی، رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، سبک زندگی و مهارت‌های زندگی) می‌پردازد. رضایت زندگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی اجتماعی و سلامت روانی محسوب می‌شود. رضایت از زندگی ارزیابی شناختی و آگاهانه فرد از کیفیت زندگی خود می‌باشد. زنان نیمی از ساختار اجتماعی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. برخورداری زنان از رضایت زندگی بی‌شک در عرصه‌های مختلف نظام فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی زنان تأثیر چشمگیر و شگرفی از خود بجا می‌گذارد. هدف تحقیق تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی زنان در ایران (مورد: شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان، مؤلفه‌ها، الگوهای اجتماعی و همچنین بررسی نقش عوامل اجتماعی بر آن) خواهد بود. پژوهش حاضر تحقیقی پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه چندبعدی رضایت زندگی هیوبنر (۲۰۰۱) بوده که ابزار مذکور پنج حوزه رضایت زندگی را موردسنجش قرار داده است. جامعه آماری کلیه زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان و نمونه آماری شامل ۳۸۴ زن درنظرگرفته شد. پژوهش نشان داده که تمامی پنج مؤلفه و همچنین کل رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان در سطح زیاد ارزیابی شده است. اگرچه وضع اقتصادی زنان تأثیری در رضایت از زندگی آنان نداشته ولیکن رضایت زندگی از زنان متأثر از وضع زناشویی گزارش شده است. رضایت زندگی زنان شهر اصفهان به‌طور جداگانه روابط معناداری منفی با پنج متغیر تحصیلات، طبقه اجتماعی، سن، درآمد و تعداد فرزندان و همچنین روابط معناداری با چهار متغیر حمایت اجتماعی، دین‌داری، معناداری زندگی و بیگانگی اجتماعی داشته‌اند. نتایج تحلیل مسیر نشان داده که بیشترین عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان، به ترتیب اختصاص به هفت متغیر حمایت اجتماعی، دین‌داری، معناداری زندگی، وضع زناشویی، تعداد فرزندان، بیگانگی اجتماعی و سن زنان داشته‌اند و درمجموع ۹۱ درصد تغییرات رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان را تبیین می‌کنند. وضع اقتصادی تأثیری در رضایت زندگی زنان نداشته و نوعی همگونی (تجانس) اجتماعی در رضایت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان مشاهده شده است. از طریق چهار متغیر حمایت اجتماعی، دین‌داری، معناداری زندگی و بیگانگی اجتماعی می‌توان موجبات افزایش رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: زنان، رضایت از زندگی، شاغل، خانه‌دار، شهر اصفهان

زندگی پژوهی؛ یکی از موضوعات کاربردی در تحقیقات جامعه‌شناسی ایران معاصر تلقی شده که شامل تحقیقاتی بوده که به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی افراد (برای نمونه معناداری زندگی، رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، سبک زندگی و مهارت‌های زندگی) می‌پردازد. "مطالعه احساسات مثبت بخش قابل توجهی از نظریات و تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی را به خود اختصاص داده است (داینرولوکاچ، ۲۰۰۰: ۴۵). کیفیت زندگی^۱، یکی از مصادیق احساسات مثبت تلقی شده و شامل کاربردهای متعددی هم چون رضایت از زندگی^۲، (داینرولوکاچ، ۲۰۰۰)، احساس خوشبختی^۳ (شاین و جانسون، ۱۹۷۸)، شادکامی^۴ (آندریو و وایتی، ۱۹۷۶) می‌باشد (برامستون و همکاران، ۲۰۰۲: ۶۵). رضایت از زندگی، احساس خوشبختی، شادکامی و کیفیت زندگی وجوه متعددی از سلامتی آدمی محسوب می‌شوند (ونهاون، ۲۰۰۰ و بولینگ و ویندسور، ۲۰۰۰)" (به نقل از زکی و میر بهاء‌الدینی، ۱۳۹۱: ۸). اشکال، انواع و ابعاد گوناگونی از احساس خوشبختی (بهریستی) برای نمونه احساس خوشبختی انسانی^۵، احساس خوشبختی معنوی^۶، احساس خوشبختی اجتماعی^۷، احساس خوشبختی ذهنی^۸، احساس خوشبختی روانی^۹ و احساس خوشبختی اجتماع مدار^{۱۰} درمتان علمی موردبررسی قرار گرفته شده است.

از کمپ در تعریف رضایت از زندگی می‌گوید: رضایت بر تجربه شناختی و داورانه دلالت دارد که به‌عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت در زندگی (تحقق آرزو) تعریف می‌شود. این‌گلهارت رضایت از زندگی را بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فرد در زمینه‌های گوناگون همچون درآمد، مسکن، زندگی خانوادگی و فعالیت‌های فراغت و... می‌داند. رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او هست. به عبارتی هرچه شکاف بین سطح آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایتمندی کاهش می‌یابد، اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت وی تطبیق خواهد یافت (این‌گلهارت، ۱۳۷۳: ۵۰). منظور از رضایت از زندگی، ارزیابی شناختی فرد از کیفیت زندگی خود می‌باشد (لواهلین و هیوبنر، ۱۹۹۹: ۱۵۸).

در خصوص اهمیت موضوع موردبررسی باید خاطر نشان کرد که انسان موجودی هدفمند و همیشه در پی ارزیابی از وضعیت زندگی می‌باشد و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس رضایت نمی‌کند. شاید به جرات بتوان گفت نهایت آمال هر انسانی، تحقق اهداف و آرزوهایش است. البته سطح اهداف و آرزو ریشه در شرایطی دارد که فرد درکنش متقابل با دیگران و وضعیت موجود به دست می‌آورد. از این رو، امروزه هر جامعه توسعه‌یافته به فکر رضایت شهروندان خود می‌باشد، زیرا رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی و اقتصادی همخوانی و همبستگی بالایی دارد (این‌گلهارت، ۱۳۷۳: ۱۴۹). عنصر رضایت از زندگی یکی از عناصر اساسی نظم، وفاق و همبستگی اجتماعی است، توجه به آن از این جهت حائز اهمیت است که می‌توان ضمن شناخت شرائط روانی جامعه، عناصر اجتماعی بسیاری را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از سوئی دیگر باید توجه داشت که وجود و تداوم نارضایتی در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی مشکل آفرین است؛ زیرا تداوم و گسترش آن باعث کم‌رنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنان نسبت به سائر اعضای جامعه شده و چه بسا منشاء بسیاری از مشکلات اجتماعی شود. عواطف مثبت فرد از شرائط خود اگرچه عنصری ذهنی است اما ریشه در شرائط عینی دارد. نمی‌توان این حقیقت را نادیده انگاشت که مولفه اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی ذهنی است که نسبت به شرائط خود و جامعه در تطبیق با دیگران دارد.

زنان نیمی از ساختار اجتماعی ایران را به خود اختصاص داده‌اند بنابراین برخورداری زنان از رضایت زندگی می‌تواند اثرات خود را در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی زنان نمایان ساخته، بر میزان سلامت روانی- اجتماعی، کارآمدی و همچنین توانمندی زنان بیافزاید. اثرات رضایت از زندگی زنان محدود به حوزه زنان نشده، بلکه در سطوح مختلف ساختار اجتماعی ایران نمایان می‌شوند. برخورداری زنان از رضایت زندگی در صحنه‌های مختلف نظام اجتماعی بروز داده می‌شود. از سوئی دیگر تخریب و یا افول رضایت زندگی زنان موجبات بروز بسیاری از مسائل اجتماعی هم در سطح زنان و

1-Quality of Life

2-Life Satisfaction

3-Well-Being

4-Happiness

5-Human Well-Being

6-Spiritual Well-Being

7-Social Well-Being

8-Subjective Well-Being

9-Psychological Well-Being

10-Community Well-Being

خصوصاً در سطح جامعه خواهد شد. رضایتمندی زنان از زندگی زمینه‌ساز تسری رضایت آنان به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و بالعکس کاهش رضایت از زندگی زنان، آثار منفی در سطح خرد، میانه و کلان خواهد داشت. افزایش تنش‌ها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، افسردگی و... از جمله آثار منفی نارضایتی از زندگی در سطح خرد است که در سطح میانه و کلان نیز پیامدهائی هم‌چون کاهش روحیه مشارکت جوئی اجتماعی، تعاون، اعتماد اجتماعی و ... خواهدداشت.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق: رضایت از زندگی زنان به مثابه پدیده اجتماعی

گرایش‌های پژوهشی در تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی به طور عام و رضایت از زندگی زنان به طور خاص به مثابه «پدیده اجتماعی» در قالب پنج اصل قابلیت بررسی خواهد داشت (نمودار شماره ۱):

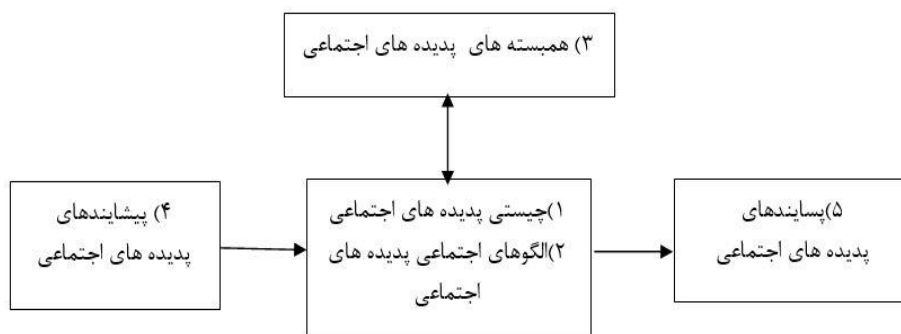
(۱) چیستی رضایت از زندگی: ماهیت رضایت از زندگی چیست و چگونه است؟ مبانی نظری و پژوهشی در تبیین رضایت از زندگی چیست؟ میزان، مقدار و وضعیت کنونی از رضایت از زندگی چقدر و چگونه می‌باشد؟ مفهوم‌سازی رضایت از زندگی چگونه امکان پذیر است؟ چگونه می‌توان آنرا سنجید و ارزیابی نمود؟ مدل‌های مفهوم‌سازی و سنجش رضایت از زندگی کدامند؟ پرسشنامه‌های معتبر و مطمئن در زمینه اندازه‌گیری آن کدامند؟ رضایت از زندگی دربردارنده کدام مولفه‌های قابل اندازه‌گیری می‌باشد؟

(۲) الگوهای اجتماعی رضایت از زندگی: مقایسه رضایت از زندگی برحسب جنس، سن، دین، نژاد، تحصیلات، وضع تاهل، اشتغال، قومیت، وضعیت طبقاتی، حوزه‌های اجتماعی شهری و روستائی و گروه‌های اجتماعی خاص (جوانان، دانش‌آموزان، معلمان و غیره) کدامند؟

(۳) همبسته‌های اجتماعی رضایت از زندگی: آیا رضایت از زندگی با سائر متغیرهای فردی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد؟ در صورت وجود ارتباط، میزان و مقدار آن چقدر است؟

(۴) رضایت از زندگی به مثابه متغیر وابسته: پیشایندهای رضایت از زندگی کدامند؟ چه عواملی موجب شکل‌گیری رضایت از زندگی می‌شوند؟ عوامل متعدد موثر کدامند و میزان تاثیر آنها در شکل‌گیری رضایت از زندگی چه مقدار است؟

(۵) رضایت از زندگی به مثابه متغیر مستقل: پسایندهای رضایت از زندگی کدامند؟ پیامدها، اثرات و کارکردهای مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، آموزشی رضایت از زندگی در سطوح متعدد زندگی اجتماعی چیست؟ راههای افزایش رضایت از زندگی چیست؟ چگونه می‌توان رضایت از زندگی را افزایش داد؟



نمودار ۱- اصول و ابعاد پنج گانه تبیین جامعه‌شناختی پدیده‌های اجتماعی

در راستای تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی زنان، هدف اصلی پژوهش عبارتند از: (۱) مطالعه و سنجش چیستی اجزاء تشکیل دهنده و همچنین کل رضایت از زندگی زنان، وضعیت و میزان آن، (۲) مطالعه الگوهای اجتماعی رضایت از زندگی زنان بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان، (۳) بررسی نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان.

۳- مبانی نظری تحقیق

سازه "احساس خوشبختی ذهنی" به صورت قابل توجهی در طی دو دهه قبل در تحقیقات در نظر گرفته شده است. تحقیقات شائع سعی در ترسیم مدل سه بعدی احساس خوشبختی ذهنی داشته‌اند که عبارتند از: احساس مثبت، احساس منفی و رضایت از زندگی. تصور ذهنی رضایت از زندگی از دو بعد دیگر متفاوت است. رضایت از زندگی بیشتر مقوله‌ای شناختی است درحالی که

احساس منفی و مثبت مقوله‌ای احساسی و عاطفی تلقی می‌شوند. در برخی از تحقیقات تمایز ابعاد فوق نشان داده شده است. برای مثال داینر (داینر، ۱۹۹۴: ۸۵) گزارش کرده است که ابعاد احساسی (منفی و مثبت) راحت تر بر شرایط فیزیکی (مانند: درد و بیماری) تاثیر می‌گذارد، درحالی که رضایت از زندگی این‌گونه نیست. منظور از رضایت زندگی، طرز تلقی فرد، ارزیابی عمومی افراد نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی، هم‌چون زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است. (داینر و همکاران، ۱۹۹۹: ۲۸۰). رضایت از زندگی به معنای ارزیابی شناختی و آگاهانه افراد از کیفیت زندگی خود به مثابه یک کل واحد است که اساس آن بر معیارهای شخصی آنها قرار دارد. رضایت از زندگی از مولفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. تجربه شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به شمار می‌رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظائف فرد شمرده می‌شوند (لواهلین و هیوینر، ۲۰۰۱: ۱۷۴). رضایتمندی از زندگی بیانگر میزان ارضای تمایلات و نیازهای اساسی انسان است. رضایتمندی را می‌توان به عنوان ارضای نیازهای اساسی و ارزیابی و تلقی مثبت افراد از قلمروهای مختلف زندگی در نظر گرفت. رضایت از زندگی به صورت سطحی از آگاهی فردی یا به عبارت بهتر به صورت ارزیابی شناختی از کیفیت زندگی تعریف شده است که ممکن است یک ارزیابی کلی و جامع را به همان خوبی ارزیابی در حوزه های اختصاصی زندگی (خانواده، خود و ...) منعکس کند.

رضایت از زندگی از سوئی باشبکه‌ای از متغیرهای روانشناختی از جمله عاطفه مثبت، عزت نفس و خوش بینی، عوامل شخصیتی و سلامت روانی و هم چنین ویژگی‌های اجتماعی افراد برای نمونه تعامل اجتماعی، سطح درآمد، طبقه اجتماعی، دینداری مرتبط می‌باشد. رضایت از زندگی اگرچه تاحد زیادی بستگی به شرایط فردی دارد، اما تاثیر عوامل اجتماعی در افزایش یا کاهش آن بسیار موثر است. جامعه از سوئی به وجود آورنده شرائطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضائی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. رضایت از زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی است و در واقع خودنشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که وی را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند، می‌باشد.

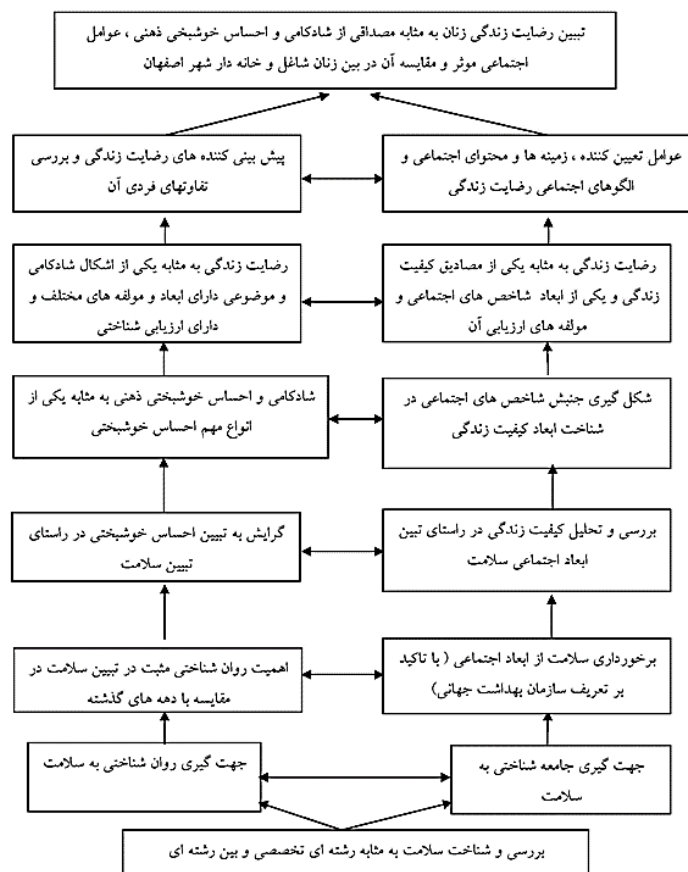
احساس خرسندی و رضایت از جنبه‌های زندگی، از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. رضایت از زندگی با ارزش‌ها ارتباط نزدیک اما پیچیده‌ای دارد و معیارهایی که افراد براساس آن درک ذهنی خود را از سعادت ارزیابی می‌کنند، متفاوت است. رضایت از زندگی در انسان نه تنها بازتاب کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرآیندهایی در سطح فردی است بلکه علاوه بر آن حاصل تعامل عوامل سطح فردی و فرهنگی است. تجربه شادکامی و رضایت از زندگی به عنوان هدف اعلای وجود انسانی تلقی می‌شود و بالعکس احساس غم و ناخرسندی اغلب به عنوان مانعی در راه انجام وظائف فرد که به ناتوانی وی در ایفاء وظائف منجر می‌شود تلقی می‌گردد (لواهلین و هیوینر، ۲۰۰۱: ۱۷۸).

برای بررسی رضایت از زندگی از سه رویکرد استفاده شده است (نمودار شماره ۲):

۱) رویکرد روانشناسی که رفتار فردی و عوامل تقویت کننده و برحذرکننده‌های که بر روی رفتار تاثیر می‌گذارند را بررسی می‌کند.

۲) رویکرد جامعه‌شناسی (کلاسیک) که به ساختارها و نهادهای اجتماعی پهن دامنه و تأثیر الزام‌آور آنها بر کنشگران و افکار و اعمالشان را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۳) رویکرد ترکیبی (ترکیبی از رویکرد روانشناسی و جامعه‌شناسی) است که کنشگران آزاد و خلاق می‌دانند ولی آنها را در چهارچوب ساختارها و نهادهای پهن دامنه در نظر می‌گیرد که واکنش آنان در همین نظام و ساختارهای پهن دامنه صورت می‌گیرد.



نمودار ۲- مدل نظری و رویکرد ترکیبی پژوهش

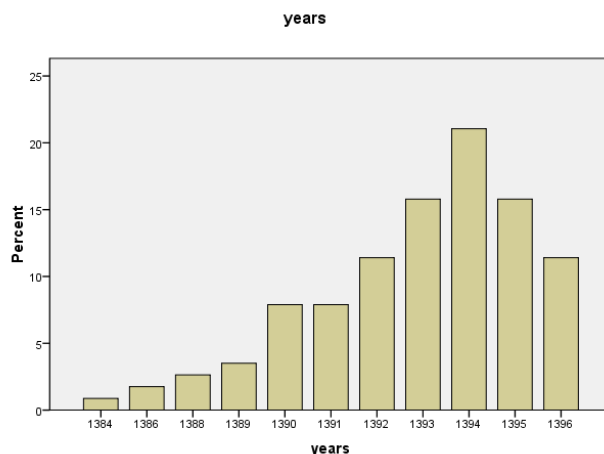
۴- سابقه و تاریخچه تحقیقات رضایت از زندگی

بررسی تحقیق حاضر براساس مقالات علمی پژوهشی ثبت شده در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مجلات علمی ایران، حاکی از آن داشته که طی سالهای ۱۳۸۴ تا خردادماه ۱۳۹۷ تعداد ۱۱۶ مقاله در موضوع رضایت از زندگی در ایران گزارش شده است. بررسی تحقیقات رضایت از زندگی در ایران برحسب گرایشهای پژوهشی بیانگر آن بوده که بیشترین مقالات به ترتیب اختصاص به سه گرایش پژوهشی پیشایندها (۷۹ درصد)، پسایندها (۱۲ درصد)، وضعیت (۹ درصد) و کلیات (۲ درصد) و همبسته‌ها (۲ درصد) داشته‌اند (جدول شماره ۱). یافته‌های دیگر پژوهش حاضر آن است که روند نشر و تولید دانش در حوزه تحقیقات رضایت از زندگی در ایران تا خردادماه ۱۳۹۷ دارای روندی صعودی و افزایشی گزارش می‌شود که البته از سال ۱۳۹۳ تاکنون روند مورد بررسی بسیار شتابان و فزاینده بوده است (نمودار شماره ۳). علاوه بر آن، مشخص گردید که ۲۱ درصد تحقیقات رضایت از زندگی در ایران اختصاص به حوزه زنان داشته است (تعداد ۲۵ مقاله علمی پژوهشی).

جدول ۱- انواع تحقیقات رضایت از زندگی در ایران طی سالهای ۱۳۸۴-۹۷

درصد	تعداد	گرایشهای پژوهشی
۹	۱۱	تحقیقات وضعیت رضایت از زندگی در ایران
۲	۲	تحقیقات کلیات رضایت از زندگی در ایران
۷۹	۹۲	تحقیقات پیشایندهای رضایت از زندگی در ایران
۱۲	۱۴	تحقیقات پسایندهای رضایت از زندگی در ایران
۲	۲	تحقیقات همبسته های رضایت از زندگی در ایران
۱۰۰	۱۱۶	جمع کل

توضیحات: پنج مقاله به طور همزمان به دو گرایش پیشایندها و پسایندها پرداخته اند.



نمودار ۳- روند تحقیقات رضایت از زندگی در ایران طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۷ به درصد

"موج اولیه تحقیقات رضایت از زندگی در ایران" اختصاص به سه پژوهش ذیل داشته است:

- (۱) بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان (عباس بخشی پور رودسری، حمید پیروی و احمد عابدیان، ۱۳۸۴)
- (۲) اعتباریابی مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی دانش آموزان (محمدعلی زکی، ۱۳۸۶)
- (۳) ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متاهل غیربومی دانشگاه‌های تهران (طیبه زندی پور، هاجر یادگاری، ۱۳۸۶)

۵- معرفی و مرور نتایج تحقیقات داخلی و خارجی

۵-۱- تحقیقات داخلی:

(۱) تحقیقاتی که به آزمون پایایی وروائی پرسشنامه "رضایت از زندگی چندبعدی هیونر" پرداخته اند: چهار پژوهش به آزمون پایایی و روانی ابزار مذکور پرداخته اند و متناسب فرهنگ ایران تأیید شده است: زکی (۱۳۸۶: ۴۱۶) دانش آموزان شهر اصفهان، خدابخش، مهاجر بادکوبه و نیک آذین (۱۳۹۲: ۱۲۵) دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر گرگان، حبیبی، پورآوری، صالحی، غمخوارفرد و پورآوری (۱۳۹۴: ۷۰) دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران و ساداتی فیروزآبادی (۱۳۹۴: ۷۲) دانش آموزان شهر شیراز.

(۲) تحقیقاتی که با استفاده از ابزار "رضایت از زندگی هیونر" انجام گرفته است:

نتایج تحقیق عظیمی هاشمی (۱۳۸۳: ۹۸) معرف آن بوده که روابط معناداری مثبت بین رضایت از زندگی (ابزار هیونر) و دینداری در بین دانش آموزان دوره متوسطه شهر مشهد وجود داشته است. میکائیلی (۱۳۸۹: ۶۵) به بررسی حس مسئولیت پذیری، رضایت از زندگی، روحیه همکاری، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس شبانه‌روزی در دو مقطع راهنمایی و متوسطه و مقایسه آن با دانش آموزان مدارس روزانه بوده است. نتایج پژوهش نشان داده که تفاوت معناداری در رضایت از زندگی (ابزار هیونر) بین دانش آموزان مدارس شبانه‌روزی و مدارس عادی وجود ندارد. جهانگیری (۱۳۹۱: ۱۵) سعی بر این دارد تا با بهره گیری از روش پیمایشی، عواملی را که با اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز، دریافته که رابطه معناداری بین رضایت از زندگی و اعتماد سیاسی مشاهده شده است. هدف اصلی تحقیق شفیع زاده و کامروا (۱۳۹۳: ۸۵) بررسی رابطه بین رضایت شغلی با رضایت از زندگی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان می‌باشد. در این تحقیق از ابزار هیونر استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد سطح رضایت زندگی و سطح رضایت شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مطلوب می‌باشد. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین رضایت شغلی با رضایت از زندگی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان وجود دارد. فرشیدشمسایی، فاطمه اشترانی، الهام اشترانی (۱۳۹۳: ۵۲) به مقایسه رضایت از زندگی دانش آموزان نابینا و ناشنوا با دانش آموزان مدارس عادی شهر همدان پرداخته است. هدف پژوهش خانجانی موصول و زارعیان (۱۳۹۴: ۳۵) مقایسه میزان رضایت از زندگی دانش آموزان با و بدون آسیب بینایی شهر شیراز بود. به منظور گردآوری داده‌ها از مقیاس چندگانه رضایت از زندگی هیونر استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که دو گروه دانش آموزان با و بدون آسیب بینایی در هیچ یک از مولفه‌های رضایت از زندگی (خانواده، دوستان، مدرسه، محل زندگی و خود) و کل رضایت از زندگی تفاوت معناداری ندارند. تحقیق آسیه اناری و همکاران (۱۳۹۴: ۷)

دریافته اند که عوامل خانوادگی نقش مهمی در رضایت از زندگی دختران شهر تهران داشته اند. پژوهش محمدحسینی و همکاران (۱۳۹۵: ۳۱) دریافته‌اند که حمایت اجتماعی از طریق شایستگی تحصیلی، خود کارآمدی و رضایت از مدرسه موجب افزایش رضایت از زندگی دانش آموزان شهر ارومیه شده است. سبک زندگی و هوش معنوی موجبات افزایش رضایت از زندگی دانشجویان را فراهم نموده است (عرب زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶)

۳) تحقیقاتی که به موضوع "رضایت از زندگی زنان در ایران" انجام گرفته است:

طیبه زندی پور و هاجر یادگاری (۱۳۸۶: ۱۱۰) دریافته اند که بخشش موجب افزایش رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متاهل غیربومی دانشگاه‌های تهران شده است. پژوهش نصیری وجوکار (۱۳۸۷: ۱۵۷) بیانگر آن بوده که بین معناداری زندگی با امید، شادی، رضایت از زندگی، همبستگی مثبت و معنادار و با افسردگی همبستگی منفی معنادار در بین زنان شاغل فرهنگی در آموزش و پرورش شهر شیراز وجود دارد. یافته‌های تحقیق احدی و همکاران (۱۳۸۸: ۱۱۷) نشان داد که بین هوش هیجانی و خودکارآمدی با رضایت از زندگی زنان شاغل شهرستان بجنورد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحقیق عسگری و همکاران (۱۳۹۰: ۵۵) نشان داد که رضایت از زندگی زنان شاغل از زنان خانه‌دار و رضایت جنسی زنان خانه‌دار از زنان شاغل بیشتر است درحالی که دو گروه، از نظر تعهد زناشویی تفاوتی با یکدیگر ندارند. نتایج پژوهش حاجی زاده میمند و همکاران (۱۳۹۱: ۲۰۰) نشان داده که دینداری به طور کلی با رضایت از زندگی در بین زنان سالمند شه‌ریزد رابطه مثبت معناداری رانشان داده است. نتایج تحقیق اله قلیلو و همکاران (۱۳۹۱: ۱۴۰) نشان داد که رابطه معناداری بین تصورآزبدن و رفتار دوستانه بارضایت از زندگی در زنان وجود داشته است. تحقیق حجازی و همکاران (۱۳۹۲: ۶۱) دریافته که دینداری پیش بینی کننده رضایت از زندگی دختران دانش آموزان شهر ساجسارود زنجان است. یافته‌های تحقیق نظری چگنی و همکاران (۱۳۹۲: ۴۵) نشان داد که بین متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، خوشبینی و حمایت اجتماعی بارضایت از زندگی دانشجویان دختر رابطه مثبت معناداری وجود دارد. تحقیق گل پروروهمکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰) نشان داده که امیدواری وجهت گیری به زندگی موجب افزایش رضایت از زندگی همسران اثارگران شهرکرده و رضایت از زندگی در رضایت از زناشویی تأثیر داشته است.

پژوهش مه‌ساجباری و همکاران (۱۳۹۳: ۲۸۷) مبین آن بوده که مداخله مثبت‌نگری موجب افزایش دختران نوجوان شده است. تحلیل داده‌های تحقیق حجت اله فانی و معصومه فانی (۱۳۹۴: ۵۹) نشان داد که ابعاد تعارضات زناشویی قادر به پیش‌بینی میزان رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان دختر است. تحقیق حمیرا الوندی و ابوالقاسم نوری (۱۳۹۴: ۴۵) مبین آن بوده که آموزش فردی و گروهی فرزند پروری بر مهارت‌های فرزندپروری و رضایت از زندگی مادران موثر بوده است. یافته‌های پژوهش آزاده قاهری و همکاران (۱۳۹۵: ۹۵۷) نشان داد که رضایت از زندگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق کاهش اضطراب) بر کیفیت زندگی زنان نابارور تأثیرگذار است. مطالعه امین براتیان و همکاران (۱۳۹۵: ۵۰) نشان داد که رویکرد راه حل محور بر افزایش خودکارآمدی و رضایت از زندگی دانش آموزان دختر موثر است. پژوهش مریم قادری نجف آبادی و همکاران (۱۳۹۵: ۴۲) دریافته که آموزش تکنیک های ذهن آگاهی در بهبود متغیرهای روان شناختی جهت گیری زندگی، رضایت از زندگی و پذیرش و عمل موثر می‌باشد و می‌تواند به عنوان روش درمانی مناسبی در درمان زنان معتاد تحت توان بخشی مورد استفاده قرار گیرد.

خوش‌بینی در افزایش رضایت از زندگی زنان شهرستان قم موثر بوده است (میرمجیدسعیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). با افزایش رضایت از زندگی، بر میزان سلامت اجتماعی زنان شهر یزد افزوده شده است (علیرضا افشانی و حمیده شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۵: ۳۴) آموزش تاب‌آوری اثر مطلوب و معناداری در رضایت از زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی شوشتر داشته است (حسینی بهشتیان، ۱۳۹۵: ۲۶). پژوهش جعفری فاضل و همکاران (۱۳۹۵: ۴۹۳) نشان داده که خود ارزشیابی هسته‌ای تأثیر مثبت و احساس تنهایی تأثیر منفی در رضایت از زندگی زنان متاهل شهر تهران داشته است. تحقیق هم چنین معرف آن بوده که همبستگی معناداری بین رضایت زناشویی و رضایت از زندگی زنان متاهل شهر تهران وجود داشته است. نتایج پژوهش آسنجرانی و همکاران (۱۳۹۶: ۶) بیانگر آن بوده که آموزش سمینار بازسازی زندگی پس از طلاق فیشر نقش اثربخشی بر سازگاری پس از طلاق و رضایت از زندگی در زنان مطلقه ساکن شهراراک داشته است؛ بنابراین می‌توان از این بسته آموزشی به منظور ارتقاء سازگاری پس از طلاق و رضایت از زندگی زنان مطلقه استفاده کرد. تحقیق رفیقی و همکاران (۱۳۹۶: ۵۰) نشان داده که ورزش‌های ایروبی و پیلاتس اثرات مثبتی روی خودکارآمدی و در نتیجه بهبود وضعیت سلامت روانی و جسمانی داشتند که در نهایت منجر به افزایش رضایت از زندگی در زنان شد. ترغیب زنان به منظور شرکت بیشتر در فعالیت‌های مذکور برای رضایت از زندگی آنان پیشنهاد میشود.

۵-۲- تحقیقات خارجی:

تحقیقات خارجی رضایت از زندگی در پنج قسمت ذیل قابل ارائه می‌باشند:

الف) تحقیقاتی که به آزمون وپایایی ابزار "رضایت از زندگی هیوینر" در فرهنگ کشورهای مختلف اقدام نموده اند شامل ده پژوهش ذیل می‌گردند: برادلی و همکاران (۲۰۱۴: ۱۳۳۳) تحقیقی باهدف آزمون و اعتباریابی ابزار هیوینر انجام داده اند که نتایج

پژوهش معرف پایایی و روائی آن ابزار بوده است. ابوبکرو ۲۳ همکار (۲۰۱۵: ۴) از نقاط مختلف جهان، پژوهشی گروهی با رویکرد میان فرهنگی در بین ۷۷۳۹ جوان ۲۳ کشور انجام داده اند. تحقیقات تیان و همکاران (تیان، ۲۰۱۴: ۹۱۰) و زا پولا و همکاران (۲۰۱۴: ۵۸) به آزمون و اعتباریابی ابزار هیومنر به ترتیب در بین دانش‌آموزان کشور چین و کشور ایتالیا مبادرت نموده اند و نتایج این تحقیقات بیانگر پایایی و روائی آن ابزار بوده است. پژوهش دباروس و همکاران (۲۰۱۴: ۱۱۰) با استفاده از اطلاعات دانشجویان پرتغال زبان برزیل انجام گرفته و نشان از پایایی ابزار هیومنر داشته است. گزارش بوسینگ و همکاران (۲۰۱۴: ۴۶۰) معرف پایایی ابزار هیومنر در بین بیماران قلبی آلمان بوده است. نتایج نهائی پژوهش فنویل و همکاران (۲۰۱۴: ۳) بازگوکننده پایایی ابزار هیومنر در بین دانش‌آموزان کانادا بوده است. آلفارو و همکاران (۲۰۱۵: ۳۰) به آزمون و اعتباریابی ابزار هیومنر در بین دانش‌آموزان اسپانیا پرداخته و نتایج نهائی پژوهش بیانگر پایایی ابزار رضایت از زندگی هیومنر در اسپانیا بوده است. پژوهش ریکارت (۲۰۱۵: ۲۳) با استفاده از اطلاعات دانش‌آموزان دبیرستانهای ایالات متحده آمریکا انجام گرفته و نشان از پایایی ابزار هیومنر داشته است. نتایج نهائی پژوهش اشتلر و همکاران (۲۰۱۵: ۲۷۵) نشان از پایایی ابزار با استفاده از تحلیل عاملی داشته و اطلاعات پژوهش از بین دانشجویان کشورشیلی جمع‌آوری شده است. تحقیقات جدیدتری به اعتباریابی هیومنر در کشورهای مختلف برای نمونه هند (هاشم، ۲۰۱۷: ۲۱۴)، شیلی (اشتلر، ۲۰۱۷: ۹۹)، برزیل (کاسونی، ۲۰۱۷: ۱۵) و بنگلادش (کومارچا، ۲۰۱۷: ۳۷) گزارش شده‌اند.

ب) تحقیقاتی که با استفاده از "ابزار رضایت از زندگی هیومنر" به موضوعات مختلف اجتماعی پرداخته‌اند. گزارش هیلوگو و همکار (۲۰۱۰: ۱۱۶۰) نشان داده که روابط معناداری بین رضایت از زندگی و مهارتهای اجتماعی وجود داشته و این دو متغیر موجب کاهش رفتار قلدری در بین دانش‌آموزان کشور ترکیه گردیده است. نتایج تحقیق بوسینگ و همکاران (۲۰۱۰: ۱۸) نشان داده که با افزایش رضایت از زندگی می‌توان بر میزان معنویت در بین ورزشکاران یوگو در کشور آلمان افزود. ابوبکرو همکاران (۲۰۱۴: ۶) معتقدند که تحقیق در کشورهای خاورمیانه کمتر انجام گرفته و بر این اساس پژوهشی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان در کشور عمان صورت گرفته که نتایج نهایی مبین آن بوده که رضایت از زندگی موجب افزایش سلامت روانی شده و هم چنین روابط معناداری با هویت قومیتی نشان داده است. رضایت از زندگی در افزایش موفقیت تحصیلی (کاگل، ۲۰۱۷: ۱۲)، افزایش سلامت روانی (راج، ۲۰۱۷: ۲۳۵۰)، کاهش اعتیاد به اینترنت (تلف، ۲۰۱۶: ۱۳۰) تاثیر داشته است

ج) تحقیقاتی که با استفاده از "سائز/ابزارهای موجود" به بررسی ابعاد گوناگون موضوع رضایت از زندگی توجه داشته‌اند. این دسته تحقیقات شامل پنج حوزه می باشند:

۱) تحقیقاتی که معرف رابطه معنادار بین دینداری و رضایت از زندگی بوده اند:

- عبدالخالل (۲۰۰۸: ۱۸۲) در بین کارکنان کویت
- عبدالخالل (۲۰۱۴: ۳۲) در بین دانشجویان لبنانی
- لیم (۲۰۱۰: ۹۱۵) در بین کاربران شبکه های اجتماعی
- جمال (۲۰۱۴: ۹۳۲۰) در بین معلمان پاکستان

تحقیقات در روسیه (بریاخونف، ۲۰۱۷: ۱۵)، ترکیه (ینیار، ۲۰۱۷: ۳۴) نشان داده که دینداری باعث ارتقاء رضایت از زندگی شده است.

۲) تحقیقاتی که بیانگر ارتباط بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی بوده اند:

- ماسودا و همکاران (۲۰۱۴: ۴۹۲) در بین دانشجویان کره‌ای، چینی و ژاپنی
- محمود و همکاران (۲۰۱۵: ۹۸) در بین دانشجویان
- آدامز و همکاران (۲۰۱۵: ۵۵) در بین کهنسالان
- آهامارخان (۲۰۱۵: ۹۸) در بین دانشجویان هند

تحقیقات در کشورهای مختلف برای نمونه نیجریه (اتودایکه، ۲۰۱۷: ۲۳۲۰)، کره (کانگ، ۲۰۱۷: ۸۸۷)، ترکیه (آلورانی، ۲۰۱۷: ۱۵) و یلدیز، ۲۰۱۷: ۱۳۰) معرف آن بوده اند که با افزایش حمایت اجتماعی، رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد.

۳) تحقیقاتی که معرف رابطه معناداری منفی بین بیگانگی اجتماعی و رضایت از زندگی بوده اند:

- ملور و همکاران (۲۰۰۸: ۲۱۳) در بین دانشجویان استرالیا
- سام و همکاران (۲۰۰۹: ۲۳۶) در بین کهنسالان استرالیا
- سیویتزی و سیویتزی (۲۰۰۹: ۹۹۵)
- تومی و همکاران (۲۰۱۵: ۲۴۸).
- تانوجا (۲۰۱۰: ۲۲۶) در بین مردان و زنان کهنسال در کشور هند
- ساریکام (۲۰۱۵: ۲۷۹) در بین دانشجویان ترکیه
- پرزگارین و همکاران (۲۰۱۵: ۳۲۵) در بین بیماران اسپانیایی

تحقیقات در کشورهای مختلف برای نمونه ترکیه (داغلی، ۲۰۱۷: ۲۲۹)، پرتغال (تومه و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۶)، استرالیا (دلفابرو، ۲۰۱۶: ۳)، کانادا (ادگرتون، ۲۰۱۶: ۲) بازگوکننده آن بوده که بیگانگی اجتماعی تاثیر منفی در رضایت از زندگی داشته است. (۴) تحقیقاتی که نشانگر وجود رابطه بین معناداری زندگی و رضایت از زندگی بوده اند:

- داگلاس و همکاران (۲۰۱۵: ۱۱۵) جوانان ایالات متحده آمریکا
- دی فابیو و بوتچی (۲۰۱۵: ۲۷۵) در بین دانش آموزان ایتالیایی
- کرس و همکاران (۲۰۱۵: ۱۶۲) در بین دانشجویان ایالات متحده آمریکایی

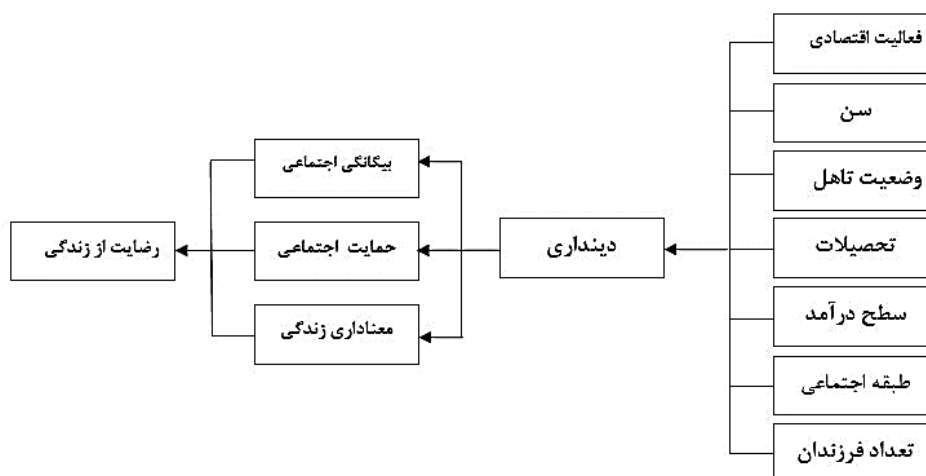
تحقیقات در فیلیپین (ناوارز، ۲۰۱۷: ۱۴) و ترکیه (سزروگولو، ۲۰۱۷: ۳۳۰) نشان داده که معناداری زندگی موجب افزایش رضایت از زندگی می شود.

۵) سایر تحقیقات مرتبط با رضایت از زندگی: پژوهش کربد و همکاران (۲۰۱۵: ۳) بازگوکننده آن بوده که رضایت از زندگی موجب افزایش موفقیت تحصیلی دانش آموزان در کشور آلمان شده است. سیو یتزی و سیو یتزی (۲۰۱۵: ۹۵۵) دریافته اند که روابط معناداری بین رضایت از زندگی و سرسختی دانشجویان ترکیه وجود دارد. آهن و همکاران (۲۰۱۵: ۹) معتقدند که نابرابری درآمد بیش از دو دهه به مثابه یکی از مراحل اساسی مناقشه بر انگیز در اقتصاد ایالات متحده آمریکا مورد بحث بوده. تصور کارگران نسبت به حقوق واقعی آنها، رضایت از زندگی کارگران راتحت تاثیر قرار داده است. تحقیق مذکور به بررسی تاثیر نابرابری درآمد بر رضایت از زندگی کارگران ایالات متحده طی سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸ پرداخته است.

۶) تحقیقاتی که به موضوع "رضایت از زندگی زنان" توجه داشته است. پژوهش گیوزا و همکاران (۲۰۱۵: ۶۱۴) بازگوکننده آن بود که حمایت اجتماعی تبیین کننده مهم و موثری برای رضایت از زندگی زنان لهستان می باشد. ابزار مورد استفاده تحقیق پرسشنامه هیوبرن گزارش شده است. ماری و همکاران (۲۰۱۵: ۴) به تبیین عوامل موثر در رضایت از زندگی زنان بازنشسته مالزی پرداخته اند. یافته های این پژوهش نشان داده که رضایت از زندگی بامتغیرهای حمایت اجتماعی، سلامت جسمی و منابع عاطفی روابط معناداری نشان داده اند. گزارش تحقیق مالاپیت و همکاران (۲۰۱۵: ۱۳) بیانگر آن است که رضایت از زندگی زنان رابطه معناداری با توانمندسازی آنها در بنگلادش داشته است. زهووی (۲۰۱۵: ۹۸) به تبیین اهمیت، چگونگی و مکانیسم های تثبیت رضایت از زندگی زنان در دوره بازنشستگی در استرالیا نموده اند. جانوتیک (۲۰۱۵: ۳۱۵) سعی در تبیین رضایت از زندگی زنان در آلمان داشته است. نتایج پژوهش بازگوکننده آن بوده که متغیرهای سن، سلامت، دینداری، انگیزش و نیازهای اساسی روانشناختی تاثیر مثبتی در رضایت از زندگی زنان داشته اند.

۶- مدل تحلیلی تحقیق

مدل تحلیلی تحقیق (نمودار شماره ۴) به آزمون بررسی تاثیر متغیرهای زمینه ای به مثابه الگوهای اجتماعی (فعالیت اقتصادی، سن، تاهل، تحصیلات، درآمد، طبقه اجتماعی و تعداد فرزندان) و متغیرهای واسطه ای به مثابه عوامل اجتماعی (دینداری، بیگانگی اجتماعی، حمایت اجتماعی و معناداری زندگی) بر میزان رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان خواهد پرداخت.



نمودار ۴- مدل تحلیلی تحقیق: تبیین جامعه شناختی رضایت از زندگی زنان اصفهان

۷- چارچوب روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و جامعه آماری کلیه زنان شاغل و خانه‌دار (سنین ۲۰ تا ۴۹ سال) شهر اصفهان می‌باشند که بالغ بر ۱،۲۲۰،۱۲۸ نفر است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه ۳۸۴ زن محاسبه گردید. پرسشنامه بین ۱۹۲ نفر از زنان خانه‌دار در سه منطقه شهر اصفهان که شامل: ۵۰ نفر در منطقه بالا (دروازه شیراز)، ۷۱ نفر در منطقه متوسط (خیابان مسجدسید) و ۷۱ نفر در منطقه پایین (زینبیه) صورت گرفت. تقسیم بندی این مناطق به ۳ بخش (بالا، متوسط و پایین)، براساس وضعیت اقتصادی (درآمد و مالکیت)، وضعیت اجتماعی (شغل) و وضعیت فرهنگی (تحصیلات) و همچنین تجربیات شخصی و تحقیقات پیشین انجام گرفته توسط سایر محققان انجام گرفته است. از کل ۱۹۲ نفر زنان شاغل، ۹۶ نفر آنان کارکنان شهرداری منطقه ۶ و منطقه ۱۴ اصفهان و ۹۶ نفر دیگر کارکنان آموزش و پرورش ناحیه ۳ و ۵ اصفهان بوده اند که مورد بررسی قرار گرفته شده اند.

پرسشنامه تحقیق شامل دو بخش اصلی بوده است: بخش اول شامل متغیرهای مستقل و بخش دوم شامل متغیرهای واسطه و وابسته: ۱) پرسشنامه چندبعدی رضایت از زندگی هیونر (۱۹۹۱ و ۲۰۰۱) (شامل ۲۵ گویه که ۵ حوزه مهم زندگی یعنی رضایت از خانواده، دوستان، محیط زندگی، خود و مدرسه را می‌سنجد و طیف لیکرت ۵ نمره‌ای)، ۲) پرسشنامه دینداری عظیمی هاشمی (۱۳۸۴) (شامل ۱۵ گویه‌ای و طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای که ۳ حوزه دینداری شامل بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است را سنجیده است)، ۳) پرسشنامه حمایت اجتماعی پروسیدانووهلر (۱۹۸۳) (شامل ۱۰ گویه که به سنجش دو بعد حمایت اجتماعی دوستان و حمایت اجتماعی خانواده می‌پردازد و طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای)، ۴) پرسشنامه معناداری از زندگی باتیستا و آلموند (۱۹۷۳) (شامل ۵ گویه و طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای)، ۵) پرسشنامه بیگانگی اجتماعی اسرل (۱۹۷۲) (شامل ۵ گویه و طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای). پایایی ابزار تحقیق در گزارش‌های متعدد با روش آلفا کرونباخ و میزان همبستگی درونی مقیاس با دامنه ۰/۹۰ - ۰/۷۰ گزارش گردیده است. پایایی ابزار با استفاده از روش مجدد آزمون دو و چهارهفته با دامنه ۰/۹۰ - ۰/۷۰ بیان شده است. روایی ابزار تحقیق در پژوهش‌های مورد نظر رابطه معناداری با "شاخص خود گزارشی احساس خوشبختی" و "مقیاس مطلوبیت اجتماعی" داشته اند. پایایی ابزار تحقیق با استفاده از آماره آلفا کرونباخ در بین ۳۸۴ آزمودنی ۰/۹۴۷ و در بین زنان خانه‌دار (۱۹۲ نفر) ۰/۹۳۲ و در بین زنان شاغل (۱۹۲ نفر) ۰/۹۵۸ محاسبه شده است. روشهای آماری توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، دامنه، حداقل و حداکثر و هم چنین روش‌های آماری برای آزمون فرضیات تحقیق شامل آماره آزمون t، ضریب همبستگی r پیرسون، تحلیل واریانس (یک راهه) و تحلیل مسیر خواهد بود.

۸- تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

۸-۱- تحلیل توصیفی

۸-۱-۱- تحلیل یک متغیره توصیفی

نتایج توصیفی تحقیق براساس شاخص‌های آمار توصیفی معرف آن است که میانگین متغیرهای دینداری ۵۳/۱ (زیاد)، حمایت اجتماعی ۳۲/۹ (متوسط)، بیگانگی اجتماعی ۱۴/۹ (متوسط)، معناداری زندگی ۱۷/۲ (زیاد) و رضایت از زندگی ۸۸/۵ (زیاد) ارزیابی شده‌اند. مولفه های پنج‌گانه رضایت از زندگی به ترتیب رضایت از خانواده ۱۸/۹ (زیاد)، رضایت از دوستان ۱۸/۵ (زیاد)، رضایت از خود ۱۷/۹ (زیاد)، رضایت از محیط ۱۶/۵ (متوسط) و رضایت از مدرسه ۱۶/۴ (متوسط) ابراز شده است (جدول ۲).

جدول ۲- شاخص های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق (N=۳۸۴)

موضوع	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
دیندای زنان	۵۳/۱	۸/۳	۷۱	۲۹
حمایت اجتماعی زنان	۳۲/۹	۹/۰۹	۵۰	۱۷
بیگانگی اجتماعی زنان	۱۴/۹	۴/۶	۲۵	۵
معناداری زندگی زنان	۱۷/۲	۳/۳	۲۴	۸
رضایت از خودزنان	۱۷/۹	۴/۰۵	۲۵	۹
رضایت از دوستان زنان	۱۸/۵	۳/۸	۲۵	۱۰
رضایت از خانواده زنان	۱۸/۹	۵/۰۱	۲۵	۹
رضایت از مدرسه زنان	۱۶/۴	۴/۸	۲۵	۶
رضایت از محیط زنان	۱۶/۵	۴/۳	۲۵	۶
کل رضایت از زندگی زنان	۸۸/۵	۱۸/۹	۱۱۷	۵۱

سطح بندی متغیرهای تحقیق بازگوکننده آن است که حمایت اجتماعی زنان شهر اصفهان در سطح زیاد (۴۰ درصد)، بیگانگی اجتماعی در سطح متوسط (۳۳ درصد)، دینداری در سطح زیاد (۵۳ درصد)، معناداری زندگی در سطح زیاد (۴۲ درصد) و رضایت از زندگی در سطح زیاد (۴۹ درصد) ابراز شده است (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی سطوح متغیرهای تحقیق به تعداد درصد

سطوح	حمایت اجتماعی		بیگانگی اجتماعی		دینداری		معناداری زندگی		رضایت از زندگی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی کم	۶	۲	۳۴	۹	۰	۰	۲	۱	۰	۰
کم	۹۵	۲۵	۸۶	۲۵	۲	۱۰	۴۱	۱۱	۷۹	۲۱
متوسط	۶۷	۱۸	۱۲۵	۳۳	۳۱	۱۲۱	۱۰۶	۲۸	۴۶	۱۲
زیاد	۱۵۶	۴۰	۸۵	۲۲	۵۳	۲۰۲	۱۶۱	۴۲	۱۸۹	۴۹
خیلی زیاد	۶۰	۱۶	۵۴	۱۴	۱۳	۵۱	۷۴	۲۰	۷۰	۱۸
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰

۸-۱-۲- تحلیل دو متغیره توصیفی

نتایج توصیفی دو متغیره نشان داده که بیشترین زنان خانه دار و شاغل شهر اصفهان در مرتبه اول اهمیت، از میزان زیاد رضایت از زندگی برخوردار بوده اند (به ترتیب ۵۱ درصد و ۴۷ درصد) (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع دو متغیره رضایت از زندگی زنان بر حسب وضع اقتصادی به تعداد درصد

زنان				رضایت از زندگی زنان
خانه‌دار		شاغل		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰	۰	۰	۰	خیلی کم
۳۱	۱۶	۲۵	۴۸	کم
۲۸	۱۵	۹	۱۸	متوسط
۹۸	۵۱	۴۷	۹۱	زیاد
۳۵	۱۸	۳۵	۳۵	خیلی زیاد
۱۹۲	۱۰۰	۱۹۲	۱۰۰	جمع کل

۸-۲- تحلیل استنباطی (آزمون فرضیات) تحقیق

۸-۲-۱- آزمون تفاوت

داده های جدول ۵ نشان می دهد که تفاوت معناداری در میان زنان شاغل و خانه دار از لحاظ میزان رضایت از زندگی وجود ندارد. چون آمار آزمون دارای سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۴۲۲)؛ بنابراین میزان رضایت از زندگی در بین زنان شاغل و خانه دار شهر اصفهان متفاوت نیست. زنان خانه دار و شاغل به ترتیب دارای میانگین ۸۹/۳ و ۷۸/۸ رضایت از زندگی گزارش شده

اند. اگرچه از نظر توصیفی رضایت از زندگی زنان خانه‌دار بیشتر از رضایت زندگی زنان شاغل بوده ولیکن از نظر استنباطی این تفاوت معنادار نبوده است. به تفکیک مولفه‌ها، تحقیق دریافته که تفاوت معناداری بین زنان شاغل و خانه‌دار در خصوص پنج مولفه فرعی رضایت از زندگی مشاهده نشده است.

جدول ۵-آزمون تفاوت معنی داری رضایت از زندگی برحسب وضع اقتصادی زنان

متغیرهای تحقیق	زنان خانه‌دار		زنان شاغل		مقدار آماره t	سطح معنی داری آماره t
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
رضایت از خود	۱۸/۳	۴/۰۲	۱۷/۶	۴/۰۶	۱/۶	۰/۱۰۷
رضایت از خانواده	۱۸/۹	۴/۷	۱۹/۰۵	۵/۲	۰/۲۴۴	۰/۸۰۱
رضایت از دوستان	۱۹/۱	۳/۴	۱۸/۱	۴/۱	۲/۱	۰/۰۲
رضایت از مدرسه	۱۶/۴	۴/۶	۱۶/۵	۵/۰۳	۰/۳۱۵	۰/۷۵۱
رضایت از محیط	۱۶/۶	۴/۴	۱۶/۴	۴/۱	۰/۵۵۳	۰/۵۸۰
رضایت از زندگی	۸۹/۳	۱۷/۷	۷۸/۸	۲۰/۰۹	۰/۷۶۹	۰/۴۲۲

یافته‌های پژوهش معرف آن بوده که تفاوت معناداری بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان در خصوص سه متغیر حمایت اجتماعی، دینداری و معناداری زندگی وجود نداشته و سطح معناداری آماره آزمون از ۰/۰۵ بیشتر گزارش شده است (به ترتیب ۰/۰۹، ۰/۸۱۶ و ۰/۹۰۳). تفاوت معناداری بین زنان شاغل و خانه‌دار در زمینه بیگانگی اجتماعی مشاهده می شود و سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است (۰/۰۱۳). بیگانگی اجتماعی زنان شاغل بیشتر از بیگانگی اجتماعی زنان خانه‌دار شهر اصفهان ابراز شده است (جدول ۶).

جدول ۶-آزمون تفاوت معنی داری موضوعات تحقیق برحسب وضع اقتصادی زنان

متغیرهای تحقیق	زنان خانه‌دار		زنان شاغل		مقدار آماره t	سطح معنی داری آماره t
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
حمایت اجتماعی	۳۳/۷	۸/۶	۳۲/۱	۹/۵	۱/۶۵	۰/۰۹
بیگانگی اجتماعی	۱۴/۳	۴/۵۹	۱۵/۵	۴/۵۴	۲/۴۹	۰/۰۱۳
دینداری	۵۳/۹	۸/۵	۵۳/۷	۸/۱	۰/۲۳۳	۰/۸۱۶
معناداری زندگی	۱۷/۲۱	۳/۴	۱۷/۲۶	۳/۲	۰/۱۲۲	۰/۹۰۳

۸-۲-۲-تحلیل همبستگی

نتایج تحلیل همبستگی بیانگر آن بوده که رابطه معناداری رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان با چهار متغیر تحقیق به طور جداگانه داشته و سطح معناداری آماره آزمون کمتر از ۰/۰۰۰۰ محاسبه شده است. میزان ضریب همبستگی رضایت از زندگی به ترتیب اختصاص به متغیرهای حمایت اجتماعی (۰/۸۵۴)، دینداری (۰/۸۱۹)، معناداری زندگی (۰/۸۰) و بیگانگی اجتماعی (۰/۶۷) داشته اند. رابطه رضایت از زندگی با سه متغیر حمایت اجتماعی، دینداری و معناداری زندگی به طور مستقیم و مثبت گزارش شده ولیکن ارتباط رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی به طور معکوس و منفی محاسبه شده است (جدول ۷).

جدول ۷- ماتریس همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

معناداری زندگی	دینداری	حمایت اجتماعی	بیگانگی اجتماعی	معناداری زندگی
رضایت از زندگی زنان	$r=0/819$ $p=0/0000$	$r=0/854$ $p=0/0000$	$r=-0/67$ $p=0/0000$	$r=0/80$ $p=0/0000$

یافته‌های پژوهش بیانگر آن بوده که رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان روابط معناداری با پنج متغیر مستقل تحقیق (میزان درآمد، سن، تحصیلات، تعداد فرزندان و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت روابط مورد نظر در جهت معکوس و منفی گزارش شده و فقط جهت رابطه با متغیر سن در جهت مستقیم و مثبت بوده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۲۷)، طبقه اجتماعی (۰/۲۲)، سن (۰/۱۷)، درآمد (۰/۱۴) و تعداد فرزندان (۰/۱۳) به دست آمده است (جدول ۷). داده‌های تحقیق بازگوکننده آن بوده که دینداری زنان شهر اصفهان روابط معناداری با سه متغیر مستقل تحقیق (سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت روابط مورد نظر با دو متغیر تحصیلات و طبقه اجتماعی در جهت معکوس و منفی و رابطه با متغیر سن در جهت مستقیم و مثبت گزارش شده و روابط معناداری بین دینداری با دو متغیر درآمد و تعداد فرزندان مشاهده

نشده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۳۷-)، طبقه اجتماعی (۰/۳۰-) و سن (۰/۲۶) به دست آمده است (جدول ۷).

داده‌های تحقیق بازگوکننده آن بوده که حمایت اجتماعی زنان شهر اصفهان روابط معناداری با سه متغیر مستقل تحقیق (سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت روابط موردنظر با دو متغیر تحصیلات و طبقه اجتماعی در جهت معکوس و منفی و ارتباط با متغیر سن در جهت مستقیم و مثبت ارزیابی شده و روابط معناداری بین حمایت اجتماعی با دو متغیر درآمد و تعداد فرزندان مشاهده نشده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۳۸-)، طبقه اجتماعی (۰/۲۸-) و سن (۰/۱۷) به دست آمده است (جدول ۷). یافته‌های پژوهش معرف آن بوده که بیگانگی اجتماعی زنان شهر اصفهان روابط معناداری با سه متغیر مستقل تحقیق (سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت روابط مورد نظر با دو متغیر تحصیلات و طبقه اجتماعی در جهت مستقیم و مثبت و ارتباط با متغیر سن در جهت معکوس و منفی ارزیابی شده و روابط معناداری بین بیگانگی اجتماعی با دو متغیر درآمد و تعداد فرزندان مشاهده نشده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۲۰-)، طبقه اجتماعی (۰/۱۳) و سن (۰/۰۹۸-) به دست آمده است (جدول ۷).

یافته‌های پژوهش معرف آن بوده که معناداری زندگی زنان شهر اصفهان روابط معناداری با چهار متغیر مستقل تحقیق (درآمد، سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت روابط مورد نظر با متغیر سن در جهت مستقیم و مثبت و ارتباط با سه متغیر درآمد، تحصیلات و طبقه اجتماعی در جهت معکوس و منفی ارزیابی شده و روابط معناداری بین معناداری زندگی با متغیر تعداد فرزندان مشاهده نشده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۳۸-)، طبقه اجتماعی (۰/۳۲-)، سن (۰/۲۷) و درآمد (۰/۱۶-) به دست آمده است (جدول ۸).

جدول ۸- ماتریس همبستگی الگوهای اجتماعی، عوامل اجتماعی و رضایت از زندگی زنان

موضوع	میزان درآمد زنان	سن زنان	تحصیلات زنان	تعداد فرزندان زنان	طبقه اجتماعی
دینداری زنان	$r = -0.07$ $p = 0.126$	$r = 0.264$ $p = 0.000$	$r = -0.37$ $p = 0.000$	$r = 0.16$ $p = 0.756$	$r = -0.30$ $p = 0.000$
حمایت اجتماعی زنان	$r = -0.09$ $p = 0.074$	$r = 0.17$ $p = 0.000$	$r = -0.38$ $p = 0.000$	$r = -0.04$ $p = 0.44$	$r = -0.28$ $p = 0.000$
بیگانگی اجتماعی زنان	$r = -0.001$ $p = 0.97$	$r = -0.098$ $p = 0.054$	$r = 0.20$ $p = 0.000$	$r = 0.39$ $p = 0.044$	$r = 0.13$ $p = 0.11$
معناداری زندگی زنان	$r = -0.16$ $p = 0.002$	$r = 0.27$ $p = 0.000$	$r = -0.38$ $p = 0.000$	$r = 0.07$ $p = 0.178$	$r = -0.32$ $p = 0.000$
رضایت زندگی زنان	$r = -0.14$ $p = 0.006$	$r = 0.17$ $p = 0.001$	$r = -0.27$ $p = 0.000$	$r = -0.13$ $p = 0.009$	$r = -0.22$ $p = 0.000$

۸-۲-۳- تحلیل واریانس

نتایج تحلیل واریانس نشان داده که تفاوت معناداری در رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان بین وضعیت‌های مختلف تاهل وجود دارد. مقدار آزمون $50/741$ گزارش شده که از سطح معناداری $0/000$ برخوردار بوده که چون از $0/05$ کوچکتر است فرض بوج رد شده و فرض تحقیق تأیید می‌شود. رضایت از زندگی زنان مجرد بیشتر از دیگر گروهها بوده (۹۸/۱) و در مرتبه دوم اهمیت زنان متأهل دارای همسر با $90/7$ قرار داشته اند. رضایت از زندگی زنان بدون همسر بر اثر طلاق $65/5$ و زنان بدون همسر بر اثر فوت همسر $55/6$ ارزیابی شده است. نتایج حاکی از این است که رضایت زنان مجرد از همه بیشتر است و بعد از آن زنان متأهل بوده و کمترین میزان رضایتمندی مربوط می شود به زنانی که همسر خود را بر اثر فوت ازدست داده اند و زنانی که از همسر خود جدا شده اند که نشاندهنده این است که زنان مجرد و متأهل بیشتر از زندگیشان رضایت دارند و زنانی که همسرشان را بر اثر فوت یا جدا شدن ازدست می دهند از زندگی خود ناراضی اند (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج تحلیل واریانس رضایت از زندگی زنان بر حسب وضع زناشوئی

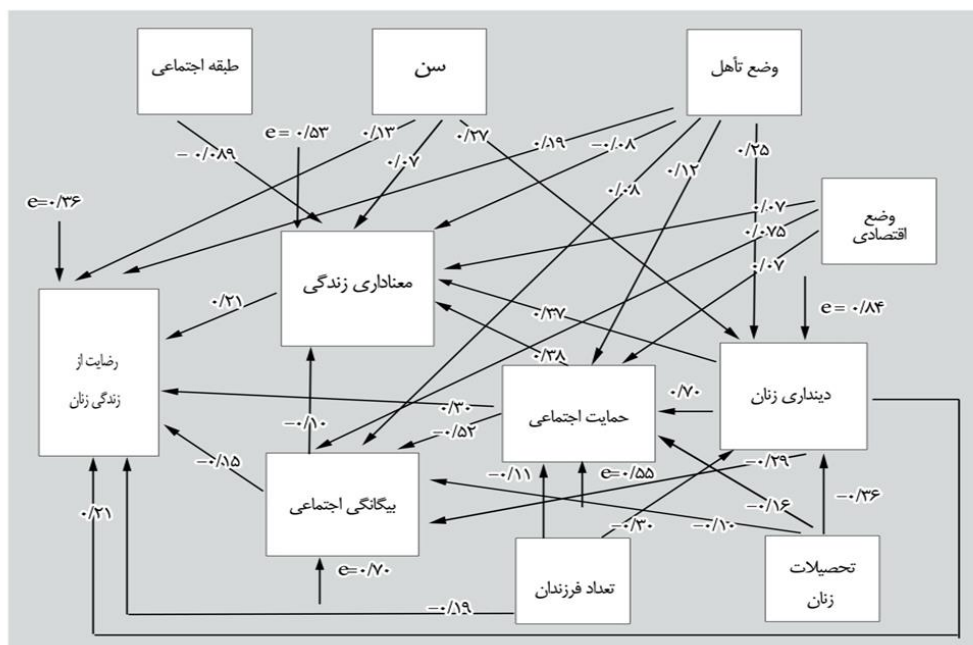
میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری F
مجرد	۹۸/۱	۵۰/۷۴۱	۰/۰۰۰
متاهل دارای همسر	۹۰/۷		
متاهل بدون همسر بر اثر فوت	۵۵/۶		
متاهل بدون همسر بر اثر طلاق	۶۵/۵		
کل	۸۸/۵		

۸-۲-۴- تحلیل مسیر

نتایج تحلیل مسیر بیانگر آن بوده است که ضریب تاثیر مسیر (اثر مستقیم) متغیرهای تحقیق بر رضایت زندگی زنان شهر اصفهان به ترتیب اختصاص به حمایت اجتماعی (۰/۳۰)، دینداری (۰/۲۱)، معناداری زندگی (۰/۲۱)، وضع زناشویی (۰/۱۹)، تعداد فرزندان (۰/۱۹)، بیگانگی اجتماعی (۰/۱۵-) و سن زنان (۰/۱۳) داشته است. تاثیر مستقیم دو متغیر بیگانگی اجتماعی و تعداد فرزندان بر رضایت زندگی، به صورت منفی (معکوس) بوده، با این توضیح که با افزایش تعداد فرزندان و هم چنین افزایش بیگانگی اجتماعی زنان، از میزان رضایت زندگی زنان کاسته شده است. تاثیر غیرمستقیم پنج متغیر حمایت اجتماعی، دینداری، وضع زناشویی، بیگانگی اجتماعی و معنادار زندگی بر رضایت زندگی زنان، بسیار بیشتر از تاثیر مستقیم آنها بر رضایت زندگی است. تاثیر غیرمستقیم و مستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۵۵ و ۰/۳۰ گزارش شده است. تاثیر غیرمستقیم و مستقیم وضع زناشویی بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۲۱ محاسبه شده است. تاثیر غیرمستقیم و مستقیم بیگانگی اجتماعی بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۱۵- محاسبه شده است. تاثیر غیرمستقیم و مستقیم معناداری زندگی بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۵۹ و ۰/۲۱ گزارش شده است. تاثیر مستقیم و دو متغیر تعداد فرزندان و سن بر رضایت زندگی زنان، بیشتر از تاثیر غیرمستقیم آنها بر رضایت زندگی است. تاثیر مستقیم و غیرمستقیم تعداد فرزندان بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۱۹- و ۰/۰۶- محاسبه شده است. تاثیر مستقیم و غیر مستقیم سن بر رضایت زندگی به ترتیب ۰/۱۳ و ۰/۰۴ گزارش شده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- تأثیرات متغیرهای مدل تحلیل مسیر بر رضایت زندگی زنان شهر اصفهان

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
حمایت اجتماعی	۰/۳۰	۰/۵۵	۰/۸۵
دینداری	۰/۲۱	۰/۶۰	۰/۸۱
وضع زناشویی	۰/۱۹	۰/۲۷	۰/۴۶
بیگانگی اجتماعی	-۰/۱۵	-۰/۵۲	-۰/۶۷
معناداری زندگی	۰/۲۱	۰/۵۹	۰/۸۰
تعداد فرزندان	-۰/۱۹	-۰/۰۶	-۰/۱۳
سن	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۱۷



شکل ۱- مدل نهایی تحقیق (آزمون مدل تحلیلی تحقیق)

تحلیل مسیر بررسی عوامل زمینه ای و اجتماعی موثر بر رضایت زندگی زنان شاغل و خانه دار شهر اصفهان

بحث و نتیجه‌گیری

«زندگی پژوهی» یکی از موضوعات کاربردی در تحقیقات جامعه‌شناسی ایران معاصر تلقی شده که شامل تحقیقاتی بوده که به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی افراد (برای نمونه معناداری زندگی، رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، سبک زندگی و مهارت‌های زندگی) می‌پردازد. رضایت از زندگی، یکی از موضوعات اساسی پژوهشی در بین زنان است. نخستین یافته‌های نظری و پژوهشی در دهه ۱۹۷۰ میلادی از سوی داینر مطرح گردید. احساس خوشبختی زنان ناشی از احساسات منفی، مثبت و رضایت از زندگی می‌باشد که احساسات منفی و مثبت بیشتر موضوعاتی عاطفی تلقی می‌شوند درحالی که رضایت از زندگی موضوعی شناختی می‌باشد و بازگوکننده ارزیابی شناختی فرد از میزان خرسندی و رضامندی کلی نسبت به ابعاد مختلف زندگی می‌باشد. رضایت از زندگی درحوزه خاص متأثر از رضایت کلی فرد از زندگی خویش تلقی می‌شود و رضایت از زندگی در حوزه‌های خاص (مانند خانواده، مدرسه، دوستان، خود و محیط زندگی) نه فقط متأثر از محقق شدن انتظارات در آن حوزه‌ها، که متأثر از رضایت کلی فرد از زندگی و میزان مثبت نگری نیز می‌باشد. هم‌چنین رضایت از زندگی به صورت غیرمستقیم با میزان موفقیت و سلامتی فرد رابطه مثبت دارد. رضامندی از زندگی بیانگر میزان ارضاء تمایلات و نیازهای اساسی انسان است. رضامندی را می‌توان به عنوان ارضای نیازهای اساسی و تلقی مثبت و احساس خوشایند افراد به قلمروهای مختلف زندگی هم چون خود، خانواده، دوستان، مدرسه و محیط پیرامونی محل زندگی در نظر گرفت. مولفه‌های پنجگانه مذکور، مهم‌ترین اجزای رضایت از زندگی افراد است. تحقیق حاضر بر اساس مقالات علمی پژوهشی ثبت شده در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مجلات علمی ایران، حاکی از آن بوده که طی سالهای ۱۳۸۴ تا خرداد ماه ۱۳۹۷ تعداد ۱۱۶ مقاله در موضوع "رضایت از زندگی در ایران" گزارش شده که ۲۱ درصد آنها اختصاص به حوزه زنان داشته است (تعداد ۲۵ مقاله علمی پژوهشی). رضایت از زندگی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی محصول عوامل و شرایط اجتماعی بوده و هدف پژوهش حاضر آزمون و بررسی تأثیر الگوهای اجتماعی و هم‌چنین عوامل اجتماعی بر رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان بوده و تحقیقی از نوع پیمایشی و با استفاده از مقیاس چندگانه رضایت از زندگی (هیونبروه‌مکاران) انجام گرفته است.

۱) نتایج توصیفی پژوهش نشان داده که تمامی پنج مولفه و هم‌چنین کل رضایت از زندگی زنان (رضایت از خود، دوستان، خانواده، مدرسه و محیط) در "سطح زیاد" قابل ارزیابی بوده و این نتایج به تفکیک زنان شاغل و هم‌چنین زنان خانه‌دار مشاهده شده است.

۲) نتایج تحلیل دومتغیره تحقیق: آزمون فرضیات تحقیق معرف آن بوده که تفاوت معناداری در ابعاد پنج گانه و هم‌چنین کل رضایت از زندگی بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان مشاهده نشده، بنابراین وضع اقتصادی زنان تأثیری در رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان نداشته است. درخصوص مقایسه متغیرهای اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی زنان به تفکیک وضع فعالیت اقتصادی نشان‌دهنده آن بوده که تفاوت معناداری درخصوص سه متغیر دینداری، حمایت اجتماعی و معناداری زندگی بین زنان شاغل و خانه‌دار وجود نداشته ولیکن در زمینه متغیر بیگانگی اجتماعی تفاوت معناداری بین زنان شاغل و خانه‌دار مشاهده شده به گونه‌ای که بیگانگی اجتماعی زنان شاغل بیشتر از بیگانگی زنان خانه‌دار گزارش شده، بنابراین وضع اقتصادی زنان تأثیری در متغیر دینداری، حمایت اجتماعی و معناداری زندگی نداشته و لیکن وضع اقتصادی زنان در بیگانگی اجتماعی تأثیر داشته به گونه‌ای که بیگانگی اجتماعی زنان شاغل بیشتر از بیگانگی زنان خانه‌دار بوده است. نتایج تحلیل همبستگی پژوهش نشان داده که رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان روابط معناداری با پنج متغیر مستقل تحقیق (میزان درآمد، سن، تحصیلات، تعداد فرزندان و طبقه اجتماعی) داشته است. جهت ارتباط مذکور منفی گزارش شده فقط جهت رابطه با متغیر سن درجهت مستقیم و مثبت بوده است. میزان روابط همبستگی به ترتیب اختصاص به تحصیلات (۰/۲۷-)، طبقه اجتماعی (۰/۲۲-)، سن (۰/۱۷)، درآمد (۰/۱۴-) و تعداد فرزندان (۰/۱۳-) به دست آمده است. علاوه بر آن یافته‌های پژوهش بیانگر آن بوده که روابط معناداری بین رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان با چهار متغیر تحقیق به طور جداگانه داشته و میزان ارتباط رضایت از زندگی به ترتیب اختصاص به متغیرهای حمایت اجتماعی (۰/۸۵۴)، دینداری (۰/۸۱۹)، معناداری زندگی (۰/۸۰) و بیگانگی اجتماعی (۰/۶۷-) داشته‌اند. ارتباط رضایت از زندگی زنان با سه متغیر حمایت اجتماعی، دینداری و معناداری زندگی زنان به طور مستقیم و مثبت گزارش شده ولیکن ارتباط رضایت از زندگی زنان با بیگانگی اجتماعی زنان به طور معکوس و منفی محاسبه شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان از تأثیر وضع زناشویی در رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان داشته است به گونه‌ای که از نظر استنباطی زنان مجرد و متأهل بیشتر از زندگیشان رضایت دارند و زنانی که همسرشان را بر اثر فوت یا جدا شدن از دست می‌دهند از رضایت زندگی کمتری برخوردارند (جدول ۱۱).

جدول شماره ۱۱) نتایج نهائی تحلیل دومتغیره الگوهای اجتماعی و عوامل اجتماعی
یازده گانه با رضایت از زندگی زنان شهر اصفهان

متغیر	نتایج دومتغیره	نتیجه گیری
الگوهای هفتگانه اجتماعی	*وجود تفاوت معنادار در رضایت از زندگی زنان برحسب وضع زناشویی *وجود رابطه معناداری منفی چهار متغیر میزان درآمد، طبقه اجتماعی، تعداد فرزندان و تحصیلات و هم چنین ارتباط مثبت سن با رضایت از زندگی زنان	وجود تمایزات (ناهمگونی)، عدم تجانس) اجتماعی در رضایت از زندگی زنان به تفکیک شش الگوی اجتماعی
	*عدم تفاوت معناداری در رضایت از زندگی زنان برحسب وضع فعالیت اقتصادی زنان	وجود همگونی (تجانس) اجتماعی در رضایت از زندگی زنان براساس الگوی اجتماعی وضع اقتصادی
عوامل چهارگانه اجتماعی	*وجود روابط معناداری بیگانگی اجتماعی (منفی)، دینداری، حمایت اجتماعی و معناداری زندگی (مثبت) با رضایت از زندگی زنان	نقش عوامل چهارگانه اجتماعی در رضایت از زندگی زنان

۳) نتایج تحلیل چندمتغیره تحقیق با تکیه بر تحلیل مسیر بیانگر آن بوده که ضریب تاثیر (اثر مستقیم) متغیرهای تحقیق بر رضایت زندگی زنان شهر اصفهان به ترتیب اختصاص به حمایت اجتماعی (۰/۳۰)، دینداری (۰/۲۱)، معناداری زندگی (۰/۲۱)، وضع زناشویی (۰/۱۹)، تعداد فرزندان (۰/۱۹-)، بیگانگی اجتماعی (۰/۱۵-) و سن زنان (۰/۱۳) داشته است. دینداری هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم به واسطه متغیرهای سه گانه حمایت اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و معناداری زندگی بر رضایت زندگی زنان شهر اصفهان تاثیر داشته است. اگرچه حمایت اجتماعی متاثر از دینداری زنان بوده ولیکن هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم از طریق دو متغیر معناداری زندگی و بیگانگی اجتماعی موجب افزایش رضایت زندگی زنان شهر اصفهان شده است. دینداری و حمایت اجتماعی موجب کاهش بیگانگی اجتماعی زنان شده و از سوئی بیگانگی اجتماعی به طور مستقیم و هم از طریق تاثیر بر معناداری زندگی موجب کاهش رضایت زندگی زنان شهر اصفهان گردیده است. معناداری زندگی از چهار متغیر تحقیق تاثیر پذیرفته و هم چنین موجبات افزایش رضایت زندگی زنان شهر اصفهان را فراهم نموده است.

- ۱- اینگهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- ۲- آسایش، حمید، مسلم حسام، مصطفی قربانی، علیرضا شریعتی، حسین نصیری. (۱۳۹۰). ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده، سلامت روان و رضایت از زندگی در دانشجویان شاهد و اینارگر دانشگاه های دولتی شهر گرگان، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دوره ۸، شماره ۱، صفحات ۳۴-۴۱.
- ۳- آسنجرانی، فرامرز رضوان السادات جزایری، مریم فاتحی زاده، عذرا اعتمادی ویان دومول. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سمینار بازسازی زندگی پس از طلاق فیشر بر سازگاری پس از طلاق و رضایت از زندگی در زنان مطلقه، مجله مددکاری اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، تابستان، صفحات ۵-۱۳.
- ۴- پرپوچی بهجت، احمدی مجید، سهرابی فرامرز. (۱۳۹۲). رابطه دینداری و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، دوره ۱۴، شماره ۳، پائیز، صفحات ۶۰-۶۸.
- ۵- اله قلی لو کثوم، عباس ابوالقاسمی، حسین دهقان و حسن ایمانی. (۱۳۹۱). ارتباط رفتار دوستانه و تصور از بدن با رضایت از زندگی در زنان، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۲، شماره ۹۷، بهمن، صفحات ۱۳۹-۱۴۶.
- ۶- توفیقیان فر، علی حسن و سید احمد حسینی. (۱۳۹۱). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)، جامعه شناسی جوانان، دوره ۳، شماره ۸، زمستان، صفحات ۴۵-۵۸.
- ۷- حاجی زاده میمنده و همکاران (۱۳۹۱). به بررسی بررسی رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی در بین زنان سالمند شهر یزد، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۵ شماره ۵۸ زمستان ۹۱ ص ۱۹۱-۲۳۵.
- ۸- حبیبی، مجتبی، مینو پورآوری، سمیه صالحی، زهرا غمخوارفرد، مرجان پورآوری. (۱۳۹۴). بررسی اعتبار و پایایی مقیاس چند بعدی رضایت از زندگی دانش آموزان در نوجوانان دختر دبیرستانی شهر تهران (انگلیسی)، مجله پژوهش و سلامت، سال پنجم، شماره ۱، بهار، صفحات ۶۵-۷۳.
- ۹- حسینی بهشتیان، سیدمحمد. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش تاب آوری بر راهبردهای تنظیم هیجان و رضایت از زندگی زنان سرپرست خانوار، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره سوم، پائیز، صفحات ۵-۲۵.
- ۱۰- حجازی، مسعود، افسانه صبحی و مرتضی حسینی. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش آموز، مجله زن و مطالعات خانواده، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان، صفحات ۶۱-۷۷.
- ۱۱- جعفری فاضل، راضیه، غلامرضا دهشیری و سیده فاطمه موسوی. (۱۳۹۵). نقش خودارزشابی هسته ای و احساس تنهایی در پیش بینی رضایت زناشویی و رضایت از زندگی زنان متأهل شهر تهران، مجله علوم روانشناختی، دوره پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان، صفحات ۴۹۲-۵۰۳.
- ۱۲- جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی زارچی. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز، دانش سیاسی، سال هشتم، پائیز و زمستان، شماره ۲، پیاپی ۱۶، صفحات ۵-۲۶.
- ۱۳- خدابخش، روشنک، مرضیه مهاجر بادکوبه، امیرنیک آذین. (۱۳۹۲). ویژگی های روان سنجی مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی در دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر گرگان: بررسی تفاوت های جنسیتی و سنی. فصلنامه مطالعات روانشناختی. دوره ۹، شماره ۱ (۳۴)، بهار، صفحات ۱۲۱-۱۴۴.
- ۱۴- رفیقی، لیلا، حجت زمانی ثانی، مهدی بشیری و زهرا فتحی رضایی. (۱۳۹۶). بررسی روابط بین فعالیت بدنی و رضایت از زندگی در زنان: مدل تحلیل مسیر، نشریه مدیریت ارتقاء سلامت، دوره ششم، شماره ۴، فروردین و اردیبهشت، صفحات ۵۰-۵۷.
- ۱۵- زکی، محمدعلی. (۱۳۸۶). اعتباریابی مقیاس چند بعدی رضایت از زندگی دانش آموزان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شمار ۱ (شمار پیاپی ۴۸)، بهار، صفحات ۴۹-۵۷.
- ۱۶- زکی محمدعلی و رضا میربهاءالدینی. (۱۳۹۱). کیفیت زندگی خانواده و نقش آن در جامعه پذیری فرزندان، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۰، پائیز، صفحات ۷-۴۴.
- ۱۷- زندی پور، طویه، هاجریادگاری. (۱۳۸۶). ارتباط بخشش بارضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه های تهران. فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، سال پنجم، شماره ۴، زمستان صفحات ۱۰۹-۱۲۲.
- ۱۸- ساداتی فیروزآبادی. سمیه. (۱۳۹۴). بررسی تحلیل عاملی، اعتبار و روایی مقیاس چند بعدی رضایت از زندگی دانش آموزی، نشریه علوم رفتاری، شماره ۳۱، بهار، صفحات ۷۱-۷۵.

- ۱۹- شاهینی، نجمه، حمید آسایش، مهرداد قبادی، جواد صادقی اله‌آبادی. (۱۳۹۱). بررسی همبستگی حمایت اجتماعی، احساس تنهایی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۹، فصلنامه پژوهنده، شماره ۶، جلد ۱۷، بهمن و اسفند، صفحات ۳۰۲-۳۰۶.
- ۲۰- شفیع زاده، حمید و هدی کامروا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضایت شغلی با رضایت از زندگی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان، دوره ۸، (پیاپی ۲۴)، تابستان، صفحات ۷۹-۸۹.
- ۲۱- کیخسروی بیگ زاده، زهره، آذرمیدخت رضایی و یعقوب خالویی. (۱۳۹۴). رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی بشادکامی در سالمندان ساکن منازل شخصی شهر شیراز، مجله سالمند، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱-۱۰.
- ۲۲- کمری سنقرآبادی و فتح آبادی (۱۳۹۱). بررسی نقش جهت گیری مذهبی و امید به زندگی در میزان رضایت از زندگی مجله پژوهش های روانشناختی، دوره ۷، شماره ۲۸، صفحات ۱۵۹-۱۷۸.
- ۲۳- عسگری پرویز، پاشا غلامرضا، آذرخیش مریم. (۱۳۹۰). مقایسه تعهدناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار، مجله اندیشه و رفتار، دوره ۶، شماره ۲۶، پائیز، صفحات ۵۳-۶۰.
- ۲۴- عبدالله پور نازی، سیدمهدوی اقدم میرروح اله، قلی زاده حسین، علی اشرفی زکی زینب. (۱۳۹۰). رابطه بین دینداری بارضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، مجله تربیت اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۲، بهار و تابستان، صفحات ۱۴۱-۱۵۳.
- ۲۵- فرهادی، علی، ضیاء عبیدادی، یزدان موحدی، مهدی رحیمی و عاطفه مبشر (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط حمایت اجتماعی واسترس بارضایت از زندگی در سالمندان شهر خرم آباد در سال ۱۳۹۲، مجله یافته، دوره ۱۷، شماره ۲، صفحات ۱۴-۲۲.
- ۲۶- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۳)، رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش آموزان دوره متوسطه شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱۲۷، ۳-۱۲۵.
- ۲۷- محمود خانی موصلو، ساناز زارعیان. (۱۳۹۴). مقایسه میزان رضایت از زندگی دانش آموزان باو بدون آسیب بینایی، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنائی، شماره ۱۳۲، ۳۳-۳۸.
- ۲۸- میکائیلی منیع. فرزانه. (۱۳۸۹). بررسی حس مسئولیت پذیری، رضایت از زندگی، روحیه همکاری، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال نهم، شماره ۳۴، صفحات ۶۱-۸۸.
- ۲۹- نصیری حبیب اله و بهرام جوکار (۱۳۸۷) معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان (گروهی از زنان شاغل فرهنگی)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۶، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱۵۷-۱۷۶.
- ۳۰- نظری چگنی اکرم، بهروزی ناصر، مهرابی زاده هنرمند مهنار، هاشمی شیخ شبانی سیداسماعیل. (۱۳۹۲). رابطه سبک دلبستگی ایمن، خوشبینی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در دانشجویان دختر، مجله زن و فرهنگ، دوره ۴، شماره ۱۵، بهار، صفحات ۴۵-۵۷.
- 31- Abdel-Khaled.A.M.(2014).Happiness, health, and religiosity: significant associations among Lebanese adolescents.Mental Health, Religion & Culture.V. 17,N.1: 30-38.
- 32- Abubakar.A,S. Al-dhafri,F. van de Vijver, (2014). Ethnic identity and its relationship to life satisfaction and mental health among Omani youth. In F. Sarracino, & M. Mikucka (Eds.), Beyond money: The social roots of health and well-being: 1-16.
- 33- Abubakar.A.F. van de Vijver.Itziar Alonso-Arbiol.J. He.B. Adams.S. Aldhafri.A. Aydinli-Karakulak.J. Arasa.D. Boer.O. Celenk,R. Dimitrova.M. C. Ferreira.R. Fischer.F. E. Mbebeb.M. T. Frías.A. Fresno.O. Gillath.C. Harb.P. Handani.G. Hapunda .S.Kamble .M. Kasic .J. L. Looh.L. Mazrui.R. E. Mendia.M. Murugami.M. Mason-Li.W. S. Pandia.C. Perdomo.M. Schachner.S. Sim.R. Spencer.A. Suryani1.E. Tair.(2015). Measurement Invariance of the Brief Multidimensional Student's Life Satisfaction Scale Among Adolescents and Emerging Adults Across 23 Cultural Contexts. Journal of Psychoeducational Assessment
- 34- Adams.T.R., L. A. Rabin, Valdiva. D. Silva, M. J. Katz, Joshua Fogel & R. B. Lipton.(2015). Social Support Buffers the Impact of Depressive Symptoms on Life Satisfaction in Old Age.Clinical Gerontologist: 11-17.
- 35- Achour, M,and M. R. Mohd Nor. (2014). The Effects of Social Support and Resilience on Life Satisfaction of Secondary School Students. Journal of Academic and Applied Studies (Special Issue on Applied Sciences)Vol. 4,N,1:12-20.
- 36- Alfaro, J., Guzmán, J.,García, C., Sirpolú, D., Gaudlitz, L., & Oyanedel,J. C.(۲۰۱۵) .

- 37- Psychometric Properties of the Brief Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale (BMSLSS) in Chilean Students (10 – 12 years old). *Universitas Psychologica*, 14(1), 29-42.
- 38- Alvarez.B, D.Miles-Touya.(2015).Time Allocation and Women's Life Satisfaction: Evidence from Spain. *Social Indicators Research*: 1-24
- 39- Anand, V, Jones, J & Gill, P (2015). 'The Relationship Between Spirituality, Health and Life Satisfaction of Undergraduate Students in the UK: An Online Questionnaire Study' *Journal of Religion and Health*, V 54, N. 1: 160-172,.
- 40- Ahamar Khan.M.(201). Impact of Social Support on Life Satisfaction among Adolescents..*The International Journal of Indian Psychology*.V. 2, Issue 2: 97-104.
- 41- Ah.H, S.Roll,W. Zeng, J.J.Frey, S.Reiman, and J.Ko. (2015).Impact of Income Inequality on Workers' Life Satisfaction in the U.S.: A Multilevel Analysis.First online: 30: 1-17.
- 42- Aghababaei.N.A. Błachnio.(2014). Purpose in life mediates the relationship between religiosity and happiness: evidence from Poland. *Mental Health, Religion & Culture*.V,17.N,8: 827-831.
- 43- Bradley.K., J. Cunningham and R. Gilman.(2014). Measuring Adolescent Life Satisfaction: A Psychometric Investigation of the Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale (MSLSS).*Journal of Happiness Studies*,V. 15, N. 6: 1333-1345.
- 44- Bussing,A. Anemone Hedtst"uck,1 Sat Bir S. Khalsa,Thomas Ostermann, and Peter.
- 45- Büssing,A. K. Franczak and J. Surzykiewicz.(2014). Frequency of Spiritual/Religious Practices in Polish Patients with Chronic Diseases: Validation of the Polish Version of the SpREUK-P Questionnaire.*Religions*V, 5.N,1 : 459–476;
- 46- Civitcia.,N.A. Civitcia.(2015).Social Comparison Orientation, Hardiness and Life Satisfaction in Undergraduate Students.*Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 205: 516 – 523
- 47- Crede,J. L.Wirthwein, N.McElvany and R.Steinmay.(2015) . Adolescents' academic achievement and life satisfaction: the role of parents'education .*Frontiersin.Psychology*. V6 .N. 52 :1-8.
- 48- de Barros,L.P, K.´tia Petribu´, E. Sougey,and E.S. Huebner.(2014). Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale: translation into Brazilian Portuguese and crosscultural Adaptation.*Revista Brasileira de Psiquiatria*.;36;36: 102-103.
- 49- DiFabio. A. and O.Bucci.(2015) AffectiveprofilesinItalianhighschool students: lifesatisfaction, psychologicalwell-being,self-esteem, andoptimism.*Front. Psychology* .V. 6 : 1310: 1-6.
- 50- Fenouillet, F., Heutte, J., Martin-Krumm, C., & I.Boniwell. (2014). Validation française Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale.*Canadian Journal of Behavioural Science*/1-8
- 51- Gebuza,G, M. Kaźmierczak,, E. Mieczkowska, M. Gierszewska, and R. Kotzbach.(2014). Life satisfaction and social support received by women in the perinatal period. *Advance Clinical Experience Medicine* .V.23,N.4:611-9.
- 52- Gebuza G, Kaźmierczak M, Mieczkowska E, Gierszewska M, Kotzbach R. Para citar este artículo: Sarriera, J. C., Bedin, L., Abs, D., Calza, T., & Casas, F. (2015). Relationship between social support, life satisfaction and subjective well-being in Brazilian adolescents.*Universitas Psychologica*, 14(2),15-29..
- 53- Gina Tomé, Margarida Gaspar de Matos, Inês Camacho, Celeste Simões,Paulo Gomes and José Caldas de Almeida.(2015). Strangers, Powerless and Hopeless in their Own Town: Alienation among Adolescents in Times of Recession. *British Journal of Education, Society &Behavioural Science*.8(4): 247-255.
- 54- Hakan SARIÇAM.(2015). Life Satisfaction: Testing a Structural Equation Model Based on Authenticity and Subjective Happiness.*Polish Psychological Bulletin*.2015, vol 46(2), 278-284.
- 55- Jamal.Y. (2014).Religiosity as Predictor of Life Satisfaction among School Teachers.*European Academic Research*.V.2,N.7: 9319-9331.

- 56- Kress,V.K. R. A. Newgent, J. Whitlock, and L. Mease.(2015). Spirituality/Religiosity, Life Satisfaction,and Life Meaning as Protective Factors for Nonsuicidal Self-Injury in College Students.Journal of College Counseling.V.18,N.1: 160-174.
- 57- Mary .P., L. M. Ming, C. L. Lee.(2015).The Resources and Satisfaction of Retired Women in Malaysia.First Asia Pacific Conference on Contemporary Research: 213-222.
- 58- Malapit,H.J.L, E. Sraboni, A. R. Quisumbing, A. Ahmed.(2015). Is women's empowerment in agriculture associated with better nutrition and education outcomes for children? Evidence from Bangladesh.International Food Policy Research Institute;Brown University
- 59- Mahmoud JS, Staten RT, Lennie TA, Hall LA.(2015). The relationships of coping, negative thinking, life satisfaction, social support, and selected demographics with anxiety of young adult college students. Journal of Children Adolescence Psychiatry Nurses.V.;28,N.2:97-108.
- 60- Pérez-Garín D, Molero F, Bos AE.(2015). Internalized mental illness stigma and subjective well-being: The mediating role of psychological well-being. Psychiatry Research. V.30;N.3:325-31.
- 61- Sahin-Baltaci, H., & Karatas, Z. (2015). Perceived social support, depression and life satisfaction as the predictor of the resilience of secondary school students: The case of Burdur. Eurasian Journal of Educational Research, 60, 111-130.
- 62- Schnettler,B, L. Orellana, G. Lobos, H. Miranda, J. Sepulveda, S. Etchebarne, M. Mora, C. Adasme-Berrios and K. G. Grunert.(2015). Relationship between the domains of the Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale, satisfaction with food-related life and happiness in university students.Nutricion Hospitalaria.V.31,N.6:2752-2763.
- 63- Zappulla.C, U.Pace.V.Lo Cascio,E.S.Huebner.(2014).Factor Structure and Convergent Validity of the Long and Abbreviated Versions of the Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale in an Italian Sample. Social Indicators Research, V. 118,N.1: 57-69.
- 64- Taweepong Inwongsakul.P, Sampathkumar.(2015). Impact of Vipassana Meditation on Life Satisfaction.The International Journal of Indian Psychology.V. 2, Issue 3 : 149-158.
- 65- Tian.L, J.Zhang, and E.S.Huebner.(2015). Preliminary Validation of the Brief Multidimensional Students' Life Satisfaction Scale (BMSLSS) Among Chinese Elementary School Students.Child Indicators Research. V.8,N.4: 907-923.
- 66- YoungblomR., D. Houlihan & J. Nolan.(2015). An Assessment of Resiliency and Life Satisfaction in High School-Aged Students in Belize.International Journal of Psychological Studies; Vol. 6, No. 4; 115-122.
- 67- Zhu.R, and X.He. (2015).How does women's life satisfaction respond to retirement? A two-stage analysis.Economics Letters.V,137.N,1: 118-122.

تحلیل مردم‌شناختی پوشاک عشایر استان فارس (مطالعه موردی: قشقای‌های فیروزآباد)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۹۷۱۳۴

وحید رشیدوش^۱، جواد زحمتکش^{۲*}

چکیده

پوشاک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی نشان‌دهنده هویت هر جامعه‌ای است. مطالعه مؤلفه‌های پوشاک عشایر قشقای به‌عنوان نمادی از ساختار و پایدار اجتماعی موردپژوهش حاضر است. این مقاله در چارچوب نظریه ساختار کارکردی رادکلیف براون باهدف تحلیل مردم‌شناختی اعتقادات و مؤلفه‌های فرهنگی پوشاک عشایر قشقای فیروزآباد استان فارس پرداخته است. روش کار در این پژوهش مطالعه عمیق و ژرفانگر بوده که از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، حضور در میدان تحقیق و مشاهده مستقیم همراه با مشارکت و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به تحلیل کیفی داده‌ها، پوشاک عشایر قشقای دارای کارکردی نمادین، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی می‌باشد آن‌چنان‌که عشایر را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است که در طی سالیان، فرم و کارکرد اجتماعی قوم حتی باوجود معدود شدن تعداد عشایر کویچنده در میان آن‌ها هنوز هم باقی‌مانده و از اصالتی خاص همواره برخوردار است.

واژگان کلیدی: مردم‌شناسی، مؤلفه‌های فرهنگی، پوشاک، عشایر قشقای

۱- عضو هیات علمی دپارتمان مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ Vah.rashidvash@iauctb.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی دانشگاه یزد؛ (مسئول مکاتبات) Javadzahmatkesh@stu.yazd.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

ایران، سرزمین ایل‌ها و عشایر است. ایلات و عشایر ساکن در ایران با برخورداری از شیوه‌ی کوچ‌نشینی و اقتصاد شبانی، ساختار اجتماعی- فرهنگی منحصر به فرد و جالب‌توجهی را دارا می‌باشند، اما با توجه به تغییراتی که در مهر و موم‌های اخیر در زندگی اجتماعی فرهنگی مردمان این مرزوبوم پدید آمده است، ایلات و عشایر نیز با سرعتی که در طول تاریخ کمتر با آن روبرو بوده‌اند در تغییر و تحول‌اند. (شریتیان، ۱۳۹۵: ۹) اگر گذشته‌ی عشایر ایران مورد مطالعه قرار گیرید بدون شک این مطالعه را باید از منطقه‌ی فارس آغاز کرد؛ زیرا قلمرو فارس از همان اوان دوران اسلامی و حتی قبل از آن عشایر نشین بوده است. جغرافی‌دانان دوران اسلامی از قرن سوم تا ششم هجری قمری در کتب خود اطلاعات بارز و روشنی از شناخت عشایر فارس به دست می‌دهند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۱) ایل قشقایی گروه‌هایی از جوامع عشایر و مرزنشینان کشورند که در گذشته تقریباً دور، به علت عوامل گوناگون از گوشه و کنار ایران نظیر آذربایجان، لرستان، کردستان و ... به منطقه‌ی فارس کوچیده و جامعه‌ی واحدی را تشکیل داده‌اند. (کیانی، ۱۳۸۸: ۲۲) شرایط زندگی این قبیله همیشه در کوچ راه، محیط طبیعی تعیین می‌کند. مردم ایل مقاوم و پرتحرک قشقایی، به اقتضای اوضاع جوی و جغرافیایی پیرامون خود زندگی می‌کنند. درست به سان جوامع اولیه بشری، در اعصار گذشته که گاه در سرزمین‌های مختلف به دامداری مشغول بوده‌اند و زندگی شبانی را با حیاتی ساده، اما خشن که زمامش به دست مردان جنگی بود، می‌گذرانده‌اند. گاه در سرزمینی دیگر در میان جلگه‌ها به کشاورزی اشتغال ورزیده و جوامع روستایی را به وجود آورده‌اند. قشقایی‌ها نیز چنین زندگی می‌کنند، خانه‌هایشان را خود می‌سازند، این خانه‌ها بسیار ساده و ابتدایی، جالب و کم‌خرج، متناسب با زندگی شبانی و کوچ دائم است. (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۹) با وجود آنکه زندگی کوچ‌نشینی در این سرزمین سابقه‌ای بسیار کهن دارد و کوچ‌نشینی، همواره نقش مهم و ارزنده‌ای در تاریخ سیاسی- اجتماعی ایفا نموده‌اند آنگونه که باید و شاید مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. (شریتیان، ۱۳۹۵: ۹) زیبا شدن به وسیله رنگ یکی از هنرهای است که بشر اولیه تجربه کرده است و هم اکنون نیز در میان قبایل وحشی آفریقای و یا بومیان استرالیایی رواج دارد. یک مرد بومی استرالیایی همیشه در جشنها سرتا پای خود را رنگ می‌کند و برای او رنگین کردن بدن نوعی پوشش یا لباس است (غیبی، ۱۳۹۶: ۲۳) پوشش یک نظام نشانه‌ای است که از خلال نسبتی که با مقوله‌هایی نظیر مردانگی و زنانگی، طبقه، منزلت، نقش اجتماعی، ارزشها یا ضد ارزشها و به طور کلی با ساختارهای اجتماعی که دارد، درک می‌شود. (مریدی و رهگذر، ۱۳۹۵: ۹۵) بنابراین انسان اولیه اول بار بدن خود را به لحاظ زیبایی شناختی و نمود هنر از طریق رنگ پوشاند و پس از آن بود که لباس به وجود آمد و جزئی از فرهنگ و هویت بشر گشت. به طور کلی بررسی تاریخچه پوشاک، جدا از بررسی تمدن و تاریخ اجتماعی و اعتقادی بشر، امکان پذیر نیست. (غیبی، ۱۳۹۶: ۱۷)

به عبارت دیگر مطالعه تاریخچه پوشاک صرف نظر از ابعاد زیبایی شناختی و مد، خارج از روش‌های علوم اجتماعی به ویژه مردم شناسی قابل بررسی نمی‌باشد. با مطالعه سیر تحول انسان از غارنشینی تا تمدن می‌توان این سیر تغییر و تحول را در پوشاک نیز تعمیم داد. پوشش را که رابطه‌ای مستقیم با رشد شناخت بشری دارد، می‌توان یکی از نقاط عطف تمایز انسان از حیوان در ادوار بسیار دور برشمرد که به تدریج وارد فرهنگ و تمدن انسان گشت و امروزه می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم مطالعات فرهنگی و مردم شناسی باشد. (غیبی، ۱۳۹۶: ۱۹) بشر از همان آغاز تشکیل اجتماع به واسطه‌ی قدرت تفکر و تعقل موفق شد از پوست حیوانات برای خود تن پوش بسازد و احتمالاً هنگام پرداختن به کشاورزی و گله داری بود که توانست از الیاف گیاهی برای بافتن پارچه و یا بافته‌های حاصل از پشم گوسفند برای تن پوش خود استفاده کرده و توانایی تهیه‌ی پوشاک از پوست حیوانات و کم کم زمینه پوشیدن لباس پوستی را فراهم سازد. (وان لون، ۱۳۳۴: ۱۴) اما با پدید آمدن اجتماعات بشری، پوشاک نقش حفاظتی داشته و برای مصون نگه داشتن بدن انسان در برابر عوامل محیطی و اقلیمی به کار رفته است. (متین، ۱۳۸۳: ۲۹) مردم شناسی به عنوان یک علم به جستجوی روابط متقابلی می‌پردازد که بین انسان و محیط، انسان و فرهنگ و سرانجام فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد. (روح الله امینی، ۱۳۸۳: ۳۸) مطالعه و تحقیق درباره‌ی پوشش از آغاز تا امروز مستلزم بررسی چگونگی متحول شدن بشر و محیط زندگی می‌باشد. پوشاک و زیورآلات از جمله عناصر فرهنگی هستند که معرف ذوق، سلیقه و غنای فرهنگی هر قوم می‌باشند. پوشاک هر قوم و ملتی، در اصل نشان دهنده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه‌ای از پای بندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم می‌باشد. شرایط جغرافیایی و اقلیمی هر منطقه بر بلندی یا کوتاهی، تیرگی یا روشنی، ضخامت و نازکی پوشاک را سبب می‌شود. (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷-۹۰) بنابراین تنوع پوشاک در اقوام و طوایف مختلف ایران، نشانی از فرهنگی غنی و بینشی متفاوت دارد که بررسی هر کدام دریچه‌ای نوین به فرهنگ و تمدنی اصیل است. قرن هاست با تغییر تمدن و پیشرفت زندگی شهری و پیدایش انواع لباس با مد‌های مختلف، زنان و مردان عشایر به ویژه عشایر قشقایی استان فارس همچنان به لباس اصیل خود پایبند هستند و جز در حالات استثنایی و شهرنشینی، حاضر نیستند این پوشش خود را از دست بدهند. تغییراتی که در طی سالها در نوع لباس زنان و مردان عشایر پدیدار گشته بسیار مختصر بوده و در جهت تکامل و زیباتر شدن آن می‌باشد. (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) لباس عشایر با فرهنگ و هویت او عجین است. از این رو پایداری لباس عشایر به ویژه عشایر قشقایی و نفوذ آن به دیگر ایل‌ها مانند بختیاری و افشاری ریشه‌ای عمیق دارد که به لحاظ مردم شناسی

قابل مطالعه و بررسی می باشد. تغییرات مداوم پوشاک سنتی هر منطقه طی ادوار مختلف تاریخی، می تواند دلایل عمده ای اعم از سیاست های فرهنگی و اجتماعی حکومت ها، مبادلات اجتماعی و تجاری با مناطق دیگر، تغییر در آداب و رسوم و شیوه های زندگی آن منطقه داشته باشد. (چایلد، ۱۳۵۲: ۲۹)

روش لازمه دانش است و هیچ دانشی بدون روش قابل تصور نیست، اعتبار دستاوردهای هر دانش نیز به روش یا روشهایی وابسته است که در آن مورد استفاده قرار گرفته است. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه ها و تدابیری دانستند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می شود. (ساروخانی ۱۳۹۳: ۲۴) روش شناسی علوم مختلف متفاوت است. در مردم شناسی نظریه ها در واقع عرضه کردن و استفاده از روش و روش هایی است که به آسانی و با دقت و بطور همه جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان و سیر تطوری و تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد. (روح الامینی ۱۳۹۴: ۸۳) بنا بر این نظریه و انتخاب چارچوب، مناسبترین روش تحقیق در علم مردم شناسی محسوب می شود. پژوهش حاضر در چارچوب نظریه ساختارکارکردگرایی راد کلیف براون با رویکرد مردم شناختی به بررسی الگوهای پوشاک در عشایر قشقایی فیروز آباد استان فارس می پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

ظریفان صالح مکرّم (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی سیر تحول پوشاک از دوره قاجار تا دوره پهلوی پرداخته است. خوش خلق (۱۳۷۴) در طرحی پژوهشی به بررسی پوشاک مردم استان یزد پرداخته اند. تاریخ تحول لباس در ایران از آغاز تا اسلام (۱۳۴۶) توسط میرمحمد مشیرپور به بررسی تغییرات کیفی لباس ایرانیان در دوره های تاریخی پیش از اسلام تا ورود اسلام به سرزمین ایران می پردازد. تاریخچه پوشش سر در ایران از کتاب های جامع و ارزنده ای است که توسط سهیلا شهشهانی (۱۳۷۲) به رشته تحریر در آمده است. به طور کلی پژوهش های انجام شده در زمینه پوشاک ایرانی را به دو دسته می توان تقسیم کرد. گروه اول شامل فرهنگ نامه ها و لغت نامه های تخصصی می باشد، مانند فرهنگ البسه مسلمانان اثر پیر اندزی و واژه نامه پارچه و لباس اثر فریده طالب پور و گروه دوم به مطالعات تاریخ نگاری اختصاص یافته است، مانند پوشاک ایرانیان از سری مطالعات از ایران چه می دانیم اثر پیمان متین، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی اثر مهرآسا غیبی. (نقوی و مرائی، ۱۳۹۳: ۳)

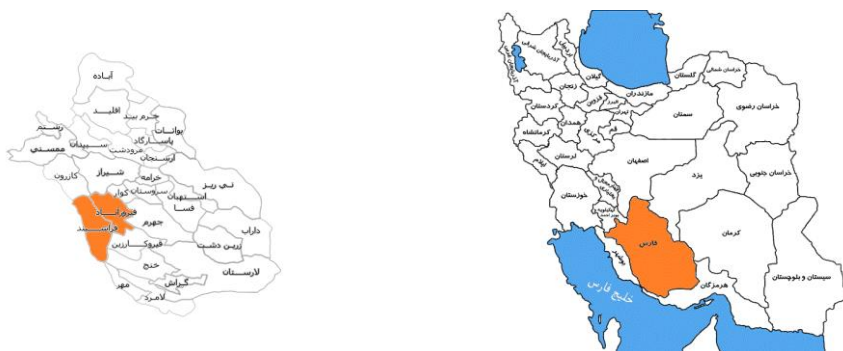
۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه ساختار کارکردی راد کلیف براون به روش توصیفی به تحلیل مردم شناختی پوشاک در عشایر قشقایی فیروز آباد استان فارس پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات ازطریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با ۱۸ نفر از عشایر کوچنده ساکن در مجاورت روستای خوراب در ده کیلومتری بخش دهرم از توابع فیروز آباد استان فارس با میانگین سنی ۲۵ تا ۹۵ سال می باشد. سپس از طریق مطالعات نظری و کتابخانه ای با انتخاب نظریه ساختار- کارکردی راد کلیف براون به توصیف و تحلیل داده ها پرداخته شده است.

۴- موقعیت جغرافیایی جامعه مورد مطالعه

عمده عشایر استان فارس را قشقایهای ترک زبان تشکیل می دهند که بیلاقشان در خسرو شیرین صغاد از توابع اقلید و آباده است؛ اما تمرکز این پژوهش با توجه به محدوده ی زمانی پژوهش بر مقر قشلاقی ایشان که در دامنه های کوه های اطراف خوراب دهرم از توابع شهرستان فراسیند استان فارس است و نیمی دیگر از عشایر قشقایی در قشلاقات فیروزآباد سکنی می گزینند. شهرستان فیروز آباد در جنوب غربی استان فارس و ۹۵ کیلومتری جنوب شیراز قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان کوار و شهرستان شیراز، از جنوب به شهرستان قیرو کارزین، از شرق به شهرستان جهرم و از غرب به شهرستانهای فراسیند و کازرون منتهی می شود. ارتفاع فیروز آباد از سطح دریا ۱۶۰۰ متر و ارتفاعات عمده ی آن کوه پادنا (مقر قشلاقات عشایر قشقایی) بوده که از جهت شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است. وجود این ارتفاعات باعث شده این منطقه از آب و هوای معتدل برخوردار باشد. مرتع بر خلاف چراگاه های دنیای امروز به زمین هایی در دشت ها یا کوهپایه ها و کوهستان ها گفته می شود که گیاهان علفی، بوته ای یا درختی به طور طبیعی و خودرو در آن رشد می کنند و مردم آنجا سابقه چرای قبیلی دارند. (کیانی ۱۳۸۸: ۱۳) از آنجا که مرتع وطن دوم عشایر چادرنشین و مرکز امرار معاش و منبع درآمد آنهاست، باید شرایط آب و هوایی مخصوص بیلاق یا قشلاق را از نظر رطوبت، دما، خاک و پوشش گیاهی داشته باشد (کیانی ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰). عشایر قشقایی فیروزآباد نیز مانند دیگر کوچنده ها با در اولویت قرار دادن دام و خوراک دام، تغذیه و سلامت، مراتعی را انتخاب می کنند که از آن بهره کافی ببرند. پوشش گیاهی که به مصرف دام می رسند عبارتند از علوفه (جاشیر تلخ، چویل، چیچک) و پوشش گیاهی که به مصرف خوراکی و دارویی

عشایر قشقایی می‌رسند شامل پنیرک (توله)، ترشک، بابونه، رشک، چویل، پونه و غیره می‌باشد. گونه‌های جانوری در میان عشایر قشقایی به دو دسته وحشی و اهلی تقسیم می‌شود. حیوانات وحشی حیواناتی هستند که عموماً مورد شکار قرار می‌گیرند و بخشی از پوشاک عشایر را تأمین می‌کنند که شامل بز و میش کوهی و آهو می‌باشد. حیوانات اهلی عموماً احشام (الاغ، شتر و گاو) هستند که به کوچ، تهیه لبنیات و پوشاک کمک می‌کنند. سیاه‌چادرها، گلیم و جاجیم نیز از موی بز و پشم گوسفند بافته می‌شوند و سگ که امنیت ایل را تأمین می‌کند.



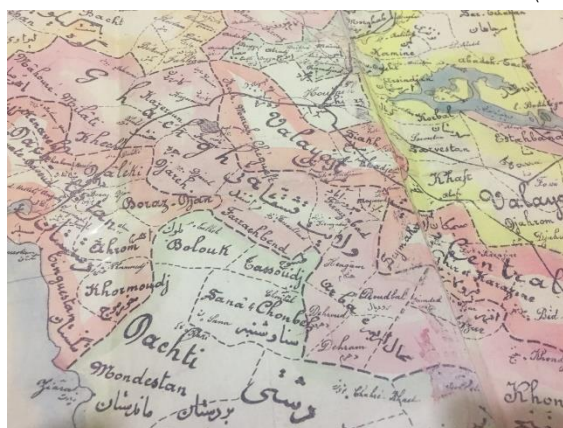
تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی قشقایی‌های فیروزآباد

۵- موقعیت تاریخی جامعه مورد مطالعه

درباره منشأ ایل قشقایی نظرات متفاوت است. این ایل که از مهمترین گروه‌های کوچنده منطقه فارس محسوب می‌شود، مشتمل بر ۱۲ طایفه کَشکولی، دره شولی (دره شوری)، شش بلوکی، خلج، فارسی‌مدان، صفی‌خانی، رحیمی، گله زن، ایگدر، گهوا، گرائی و بیات می‌باشد. بعضی از صاحب‌نظران، قشقایی‌ها را از مغول‌هایی می‌دانند که در زمان سلطنت چنگیز خان از ترکستان مهاجرت کرده‌اند و در زمان نادر شاه در فارس سکنی گزیده‌اند. به احتمال قوی قشقایی‌ها دنباله قبیله‌ای قدیمی در ترکیه آسیایی (شرق ترکیه) به نام قبیله خلج هستند که در عراق عجم در جنوب ساوه، سکونت داشته‌اند می‌باشند که بخشی از این ایل بزرگ به قسمتهای مختلف تقسیم و در منطقه فارس پخش شده‌اند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۲۶) تاریخچه طوایف جامعه مورد مطالعه این پژوهش از دو طایفه کَشکولی و شش بلوکی می‌باشد.

طایفه کَشکولی: افراد این طایفه از ثروتمندترین و قویترین افراد ایل می‌باشند. زنان جنگجو در میان آنان زیاد است و اغلب در کنار مردان خود به جنگ آوری می‌پردازند. بیشتر خان‌های ایل متعلق به طایفه کَشکولی هستند. صولت‌الدوله قشقایی (ایلخان ایل) متعلق به این طایفه می‌باشد. طایفه کَشکولی تابستان را در اردکان و ممسنی و زمستان را در مناطق دشتی، ماهور میلانی، جاوه و فیروزآباد استان فارس سپری می‌کنند.

طایفه شش بلوکی: شش بلوکی‌ها به کَشکولی‌ها بسیار شبیه هستند. آیین‌ها و آداب و رسوم آنها به هم شباهت دارند، لیکن اصل برابری اجتماعی در این طایفه بسیار مورد توجه است و به همین دلیل چادرهای خوانین و رؤسا تفاوتی با چادرهای ساده رعایا ندارد. شش بلوکی‌ها تابستان را در مناطق چهار دانگه و کوشکه زار و زمستان را در فراشبند، خنجی و افروز استان فارس می‌گذرانند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۱)



تصویر ۲- قلمرو مکانی عشایر قشقایی فیروزآباد از کتاب عشایر فارس تألیف ژ-دومورینی

۶- مؤلفه های پوشاک زنان عشایر قشقایی

زن آفریده پروردگار بلند مرتبه و یکی از مظاهر زیبایی خلقت است. میل زنان به تنوع و زیبایی باعث شده که پوشاک زنان از تنوع بیشتری نسبت به مردان برخوردار باشد. رنگ ها، نقش ها و طرح های متنوع گواه این مسئله است. لباس زن علاوه بر اینکه برای پوشش بدن از دید نامحرمان و محفوظ ماندن از سرما و گرما است. یکی از عناصر مکمل زیبایی زن بوده و به مراتب از نظر پیچیدگی بر پوشاک مردان برتری دارد و از جنبه های زیبایی شناسانه و آراستگی برخوردار است. تنوع رنگ ها، کیفیت جنس ها، زیورآلات و آویزها، منجوق کاری ها، مهره ها و سایر تزئینات لباس زنان که آذین بند پوشاک زنان ایلامی است. در واقع معرف شخصیت، منزلت و جایگاه زن و حتی نشانگر سن و تا حدودی هویت قومی او می باشد. پوشاک زنان عشایر قشقایی شامل مؤلفه هایی چون چارقد، کلاهچه، دستمال، پیراهن، دامن، آرخالق، سرانداز و پا افزار است و پوشاک مردان عشایر قشقایی را کلاه، آرخالق، چقه، شلوار، شال، زیرپوش و پا افزار تشکیل می دهد. پوشش کامل لباس در میان زنان و مردان عشایر نشان از ساختار فرهنگی محدود و هویتی منحصر به فرد دارد. زندگی پر جنب و جوش ناشی از تحرک روزانه فیزیکی و کوچ دائم، خاص مردان و زنان عشایر قشقایی است از این رو انتخاب نوع پارچه و چگونگی دوخت آن به منظور ایجاد عدم محدودیت در این سبک از زندگی در کارکرد پوشاک آنها تعیین کننده است. (فکوهی، ۱۳۹۵: ۱۷۲) پوشاک عشایر و کارکرد آن نشان دهنده ساختار اجتماعی و فرهنگی این قوم است؛ بنابراین ساختار و کارکرد در تحلیل های مردم شناختی نمی تواند جدا از یکدیگر باشند. رابطه کارکرد پوشاک عشایر قشقایی، سبک و ساختار اجتماعی آنها مصداق بارزی از جدا ناپذیری ساختار و کارکرد است.

چارقد یا روسری: از پارچه ای سبک و نازک تهیه میشود و برای پوشش و محافظت موها، گوشها و سر و گردن استفاده می شود. چارقد به صورت سه گوش با سنجاقی به زیر گلو وصل می شود.

کلاهچه: که در زیر چارقد قرار می گیرد و معمولاً دیده نمی شود و با نخ ابریشمی در زیر گلو بسته می شود. معمولاً دختران جوان و مجرد از کلاهچه استفاده نمی کنند.

دستمال یا اشارپ: برای جلوگیری از جابجا شدن چارقد از طریق سنجاقی روی آن بسته می شود و از پشت گره می خورد. مرغوبترین آن از جنس ابریشم است و در اسکوی تبریز تولید می شود که با آن قلاغه یا قلاغی نیز می گویند.



تصویر شماره ۳. چارقد و دستمال قلاغی و کلاهچه زن قشقایی، عکاس: پژوهشگر، بهار ۹۸

پیراهن: پیراهن زنان دارای آستین های بلند و یقه های کاملاً بسته هستند تا ساق پا را می پوشانند و برای راحتی و تحرک آسان دارای دو چاک باز می باشند.

شلیته یا دامن یا زیر جامه: شلیته، متنوع، پر چین و بعضاً لایه لایه می باشد. تا قوزک پا می رسد و از پارچه هایی با ضخامت و قیمت های متنوع تهیه می شود. شلیته در زیر پیراهن قرار می گیرد و جهت راحتی بیشتر با بندی به کمر بسته می شود.

آرخالق: در دوره زندیه به آن قبا می گفتند پوششی است که برای حفاظت از سرما از نوعی پارچه ضخیم و گرانبها مثل مخمل با آستری ساده دوخته می شود. آرخالق کوتاه است و تا کمر میرسد.

سر انداز (چادر): پوششی است که نو عروسان و همچنین زنان مسن هنگام ادای نماز از آن استفاده می کنند.

پا افزار: زنان عشایر در گذشته با مردان تفاوتی نداشته است و هر دو از ملکی (گیوه) استفاده می کردند که به دلیل طبیعی بودن و استفاده از پارچه در کف آن، مردان و زنان عشایر از جوراب استفاده نمی کردند؛ اما امروزه کفشهای صنعتی جایگزین گیوه

شده است. پوشش زنان قشقایی از زمان زندیه تا به امروز تغییراتی را به خود دیده است. به طور مثال برقع یا قبا از لباس زنان عشایر امروزی حذف شده است و همچنین لباس های دست دوز به لباس هایی با دوخت ماشینی تبدیل شده است.



تصویر شماره ۵- پیراهن زن قشقایی،
عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸



تصویر شماره ۴-دامن زن قشقایی، عکاس پژوهشگر،
بهار ۹۸

۷- زیور آلات

زنان قشقایی به دلیل ساده زیستی عموماً از زیور آلات مصنوعی استفاده نمی کنند؛ اما بعضی اوقات جهت مصارف دارویی در کنار کاربرد های زینتی از مواد طبیعی بهره می برند که برخی از آنها شامل موارد زیر می باشد:

گردنبند: میخک و ملهوک از گیاهان دارویی می باشند به عنوان گردنبند مورد استفاده قرار می گیرند. زنان میانسال عشایر آن را خشک می کنند و به صورت گردنبندی همچون سرخپوستان به گردن می آویزند که تا جنانگ سینه می رسد. این گردنبند در عین اینکه ابزاری زینتی است، در رفع تنگی نفس مفید و مؤثر است. علفه نیز از دیگر گیاهان خوش بوست که عطری ماندگار دارد، زنان ایل مقداری از آن را در قوطی های چهار گوش کوچکی به نام عنبر دان می ریزند و به گردن می آویزند. یکی دیگر از گردنبند های زنانه ایل، قاب قرآن است که در آن آیه ای از کلام الله نگهداری می شود.

گوشواره: گوشواره یکی از دیگر پوششهای زینتی است که شکل مثلثی آن نماد الهه نگهبان مادر و کودک است و شکل پیچ در پیچ و حلزونی آن نمادی از رمز کائنات است و عموماً جنس آنها طلا، نقره و برنز است.

سنجاق: سنجاق یکی از ابزارهای زینتی زنان عشایر است که به وسیله آن چارقد را در زیر گلو محکم می کنند و در آن سنگهایی به رنگ فیروزه ای به منظور چشم زخم استفاده می شود.

النگو و دستبند: زنان ایل به ویژه نوعروسان از النگوهای نقره یا طلا استفاده می کنند که بعضاً با سنگهای عقیق و کهربا تزئین شده اند و به هنگام رقص صدای گوش نوازی از آن به گوش می رسد. همچنین در میان زنان عشایر حنا جایگاه خاصی دارد چرا که هم جنبه دارویی و هم زینتی دارد و از آن برای رنگ آمیزی موها، ناخن ها و دستها و پاها استفاده می شود. سرمه نیز از لوازم آرایشی کاربردی زنان عشایر است که به سو و دید چشم بسیار کمک می کند. خالکوبی که امروزه تئو خوانده می شود در میان زنان عشایر رایج بوده و از نقش های قالی، گلیم و جاجیم استفاده می کردند و این نقش ها را بر روی دستها و بدن خود طراحی می کردند و معتقد بودند که جنبه نمادین و درمانی دارد. در میان عشایر به دلیل استفاده بسیار از دستها برای انجام کارها از انگشتر عموماً استفاده نمی شود.

۸- مؤلفه های پوشاک مردان عشایر قشقایی

کلاه: کلاه قشقایی ها که با آن دو گوشی نیز می گویند بلند بوده، به شکل تاج است و تا بالای گوش را می پوشاند، معمولاً به رنگ نخودی و یا خاکستری است، از جنس نمد و از پشم شتر درست می شود. لبه و تای کلاه مردان قشقایی در رزم و بزم با هم متفاوت می باشد.



تصویر شماره ۶- کلاه قشقایی، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.

آرخالق: از بالاپوشهای مردان عشایر است که در زمان قاجاریه به آن قبا می گفتند. آرخالق روپوشی است که در رنگهای مختلف توسط مردان عشایر در زمان بزم استفاده می شود.
چقه: از بالاپوشهای مردان عشایر می باشد که در زمان قاجاریه به آن عبا می گفتند. چقه معمولاً به رنگ خاکی بوده و در زمان رزم و به منظور استتار استفاده می شده است. چقه را با نخ از جنس پشم که گمپل هایی با رنگهای مختلف به آن آویخته شده است از پشت می بندند؛ و در عروسی ها به هنگام چوب بازی برای نشان دادن هیبت مردانه از آن استفاده می شود.
شلوار: جنس شلوار در گذشته دبیت بوده است. شلوار مردان قشقایی گشاد نیست و برای آزادی عمل و تحرک بیشتر دم پای آن با شالی به نام دولاق یا پایپ که معمولاً از پشم شتر درست می شود و نخودی رنگ است از قوزک پا تا بالای ساق پیچیده می شود.

شال: برای محکم کردن آرخالق به دور کمر بسته می شود.
زیر پوش: برای پوشاندن ناحیه گردن تا جناغ در زیر آرخالق از آن استفاده می شود.
پا افزار: در گذشته ملکی (گیوه) بوده و بیشتر در منطقه آباد و قلات دوخته می شد. به دلیل پارچه ای بودن کف آن عشایر قشقایی از جوراب استفاده نمی کردند. امروزه کفش های صنعتی جایگزین ملکی شده است.



تصویر شماره ۸. کلاه، شال و آرخالق، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸



تصویر شماره ۷. چقه و کلاه رزم، آرخالق و کلاه بزم، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.



تصویر شماره ۹. چقه و گمپل کلاه، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸

۹-رنگها، اعتقادات و باورها در پوشاک عشایر قشقایی

رنگ در پوشاک قشقایی‌های فیروزآباد علاوه بر اینکه پارامترهای سن و شرایط عمومی مثل مجالس عزا، عروسی، جشنها و مهمانیهای خاص در آن مؤثر است در بر گیرنده برخی از اعتقادات و باورها که شاخص های مهم فرهنگی هستند نیز می باشد. در مردان قشقایی رنگ لباس اهمیت چندانی برایشان ندارد و مردانه و سنگین بودن لباس برایشان مهم تر است. در میان زنان قشقایی بسته به سن، رنگها تغییر می کند. در بین دختران ۱۵-۳۰ سال از لباسهای شاد و رنگی استفاده می شود؛ و به مرور رنگ لباس تیره تر می گردد به طوریکه در زمان سالمندی حتی گل سفید هم در لباسها دیده نمی شود و اگر به عنوان هدیه هم لباسی را برای یک سالمند می برند گل سفید ندارد؛ و اگر این هدیه گل سفید داشته باشد هدیه را می پذیرند ولی آن را نمی پوشند. لباس عروس همان طرح لباس زنان قشقایی است ولی رنگ آن سفید است. لباس داماد نیز همان لباس مردان و به رنگ روشن است. در مردان قشقایی رنگ لباس معمولاً ثابت است مثلاً کلاه مردان غیر از نخودی و خاکستری نیست و یا پارچه چهار گوش (بیرق) که روی سر عروس می اندازند تا رویش را بپوشانند همیشه به رنگ قرمز با گوشه های فیروزه ای است. رنگ سرخ در قشقاییها نماد الهه آسمان (خورشید) است که گویا به اعتقادات شمنیسم بر می گردد و قشقاییها رسومات آن را تا امروز نگه داشته اند. رنگ سبز امروزه و در واقع پس از ورود اسلام و به دلایل مذهبی مورد استفاده قرار می گیرد معمولاً بچه هایی را که نذر می کردند از بلایا به دور باشند را با شال سبز به کمرش می بستند یا مهره سبزی به گردنبندش آویزان می کردند. رنگ سفید نشانه ی خدای زندگانی و خدای روی زمین است. در اعتقادات قشقایی لباسهای رنگین مخصوص نوعروسان است حتی دختران جوان حق انتخاب رنگ را ندارند. اگر دختری بیوه شود تا آخر عمر لباس سیاه می پوشد. تقدس لباس زنان در ایل به اندازه ای است که گاهی به عنوان پرچم صلح از آن استفاده می گردد. اگر جنگی عشیره ای راه بیفتد و شیر زنی عشایر به میانجیگری بپردازد و چارقد از سر برداشته و بالا گیرد، مردان به احترام عصمت آن زن و تقدس لباس او جنگ را خاتمه می دهند. رنگ در پوشاک مردان و زنان قشقایی تنها مؤلفه متفاوت است چرا که پوشش، عدم برجستگی، راحتی و نوع دوخت در هر دو مشابه است. رنگ در پوشاک مردان به دلیل فعالیتهای روزمره و رزم های احتمالی می بایست هماهنگ با رنگ خاک باشد؛ بنابراین تنوع رنگ در پوشاک مردان جایگاهی ندارد. چرا که از طیف معدودی که تنها به رنگ نخودی و خاکستری محدود می شود، تشکیل شده است. رنگ در پوشاک زنان با توجه به مؤلفه های اجتماعی همچون سن و جنس از تنوع بیشتری برخوردار است. کودکان و دختران نوجوان قشقایی از رنگهای شاد استفاده می کنند. نوعروسان از رنگهای متنوع تری در پوشش استفاده می کنند. هر چقدر از میانسالی به سمت سالمندی پیش می رویم لباس ها تیره تر می شود به طوری که در سالمندان رنگ مشکی و سورمه ای غالب است به طوریکه اثری از رنگ سفید در آن دیده نمی شود. لباس عروس با حفظ طراحی لباس عشایر به رنگ سفید است. اگر زنی بیوه شود تا آخر عمر لباس سیاه بر تن دارد. با توجه به بحث فوق، مؤلفه های اجتماعی همچون سن و جنس و همچنین مؤلفه های فرهنگی مانند مناسبت های متفاوت در کارکرد رنگ در پوشاک قشقایی ها مؤثر هستند و این نوع کارکرد به یک ساختار منظم اجتماعی تبدیل شده است.



تصویر شماره ۱۰-۱۱. رنگ لباس کودک قشقایی، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.

نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می توان به این نتیجه رسید که پوشاک عشایر قشقایی کارکردی نمادین، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی دارد آنچنان که قوم را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است که در طی سالیان، فرم و کارکرد اجتماعی حتی با وجود محدود شدن تعداد عشایر کوچنده در میان آنها باقی مانده است و از اصالتی خاص همواره برخوردار است. یکی از مؤلفه های اساسی در فرهنگ هر قوم اعتقادات و باورهای آن قوم می باشد. پوشاک زنان و مردان عشایر قشقایی تبدیل به نمادهای فرهنگی شده است آنچنانکه آنها را از دیگر اقوام متمایز کرده است. قشقاییها به رنگ سرخ که نماد الهه آسمان یعنی خورشید است معتقد هستند آنچنانکه رنگ سرخ در پوشاک و دست بافت هایشان نمادی ثابت است. رنگ سفید در باور قشقاییها نشانه خدای زندگانی و خدای روی زمین است به همین دلیل در پوشاک سالمندان از رنگ سفید استفاده نمی شود و با افزایش سن، لباسها تیره و تیره تر می شوند. امروزه رنگ سبز در اصل در عشایر نماد مذهبی دارد که پس از ورود اسلام به ایران به ایل قشقایی اشاعه یافته است. بنابر این در لباسهای روزمره یافت نمی شود و صرفاً در مراسم مذهبی و نذورات تنها به صورت شال و یا گردنبند استفاده می شود. رنگ در باور و اعتقاد ایل قشقایی کارکردی نمادین دارد و نشان از ساختاری متفاوت از دیگر اجتماعات ایرانی است. پوشاک و دست بافت ها در عشایر از تقدس خاصی برخوردارند چرا که معتقدند تار و پود و اجزاء تشکیل دهنده پوشاک و دست بافت ها بر گرفته از مادر طبیعت است بنابراین اگر شیر زنی قشقایی به میانجیگری در درگیری های عشیره ای چارقد از سر بردارد و بالا بگیرد بسان آن است که قرآن بر دست گرفته است و به احترام عصمت زنان عشایر، مردان از جنگ باز می ایستند؛ به عبارت دیگر چارقد زنان پرچم صلح است. پوشش، عصمت و تعصب کارکردی فرهنگی در ایل قشقایی دارد آنچنانکه آنها را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است و سالیان سال است که نوع پوشش، سبک زندگی، زبان و فرهنگ آنها نسبتاً دست نخورده باقی مانده است.

منابع

- ۱- چایلد، گوردن (۱۳۵۲) انسان خود را می سازد، مترجمین: احمد کریمی حکاک- محمد هل اتائی، تهران.
- ۲- دومورینی، ژ (۱۳۷۵) عشایر فارس، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳- روح الامینی، محمود (۱۳۹۴) زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- ۴- روح الامینی، محمود (۱۳۸۳) گرد شهر با چراغ، تهران، انتشارات عطار.
- ۵- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- شریعتیان، یعقوب (۱۳۹۵) مردم شناسی ایلات و عشایر ایران، تهران، نشر ندای آریا.
- ۷- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۶) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، نشر هیرمند.
- ۸- فکوهی، ناصر (۱۳۹۵) تاریخ اندیشه ها و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی.
- ۹- کیانی، منوچهر (۱۳۸۸) سیه چادرها، ۱۳۸۸، شیراز، کیان نشر.
- ۱۰- کاظمی، هلن- رشیدوش، وحید (۱۳۹۸) تحلیل مردم شناختی پوشاک در استان ایلام- مطالعه موردی تیره مرشدوند از ایل خزل، فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۱۷-۹۱.
- ۱۱- مریدی، محمد رضا- رهگذر، فائزه (۱۳۹۵) تحولات زیبا شناختی مد لباس در ایران پس از انقلاب اسلامی، مجله مبانی نظری هنر های تجسمی، شماره ۲، ۹۵-۱۰۷.
- ۱۲- متین، پیمان (۱۳۸۳)، پوشاک و هویت قومی و ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹، سال پنجم، شماره سوم، ۳۷-۴۸.

۱۳- نقوی، منیره سادات - مرائی، محسن (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوران صفوی با تاکید بر دیوار نگارهای کاخ چهلستون اصفهان، نشریه مطالعات تطبیقی هنر دو فصلنامه علمی - پژوهشی، سال دوم، شماره سوم، ۱۷-۱.

۱۴- وان لون، هاندریک (۱۳۳۴) تاریخ بشر، مترجم: علی اکبر بامداد، تهران، انتشارات امیرکبیر.

پرسشنامه

فهرست مصاحبه شوندگان				
ردیف	نام و نام خانوادگی	جنسیت	سن	توضیحات
۱.	عوض الله صفری کشکولی	مرد	۵۰ ساله	
۲.	اسدالله مردانی رحیمی	مرد	۷۶ ساله	
۳.	اسماعیل موسی لو	مرد	۴۰ ساله	
۴.	ابراهیم فاضلی فرد	مرد	۵۰ ساله	
۵.	اکبر فاضلی	مرد	۴۲ ساله	
۶.	علمدار فاضلی	مرد	۴۱ ساله	
۷.	سپهدار فاضلی	مرد	۲۸ ساله	
۸.	قمرتاج فاضلی فرد	زن	۸۷ ساله	
۹.	افسانه فاضلی	زن	۲۵ ساله	
۱۰.	سمیه حقیقت	زن	۳۵ ساله	
۱۱.	ندا حقیقت	زن	۳۰ ساله	
۱۲.	راضیه حقیقت	زن	۳۱ ساله	
۱۳.	زرافشان فاضلی فرد	زن	۳۴ ساله	
۱۴.	گل افشان فاضلی فرد	زن	۳۷ ساله	
۱۵.	لشکر فاضلی	مرد	۸۸ ساله	
۱۶.	حسین فاضلی فرد	مرد	۵۲ ساله	
۱۷.	محمد کریمی قشقایی	مرد	۲۶ ساله	
۱۸.	زهرا فاضلی فرد	زن	۸۰ ساله	

بررسی عضویت در شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان؛ دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۳۰

کد مقاله: ۳۸۶۸۵

صفی الله صفایی^{۱*}، عاطفه ناصری سلطانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی عضویت در شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان (دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان بود که تعداد آن‌ها ۶۰۰۰ نفر بود. حجم نمونه به طور کاملاً تصادفی ۳۶۰ نفر از دانشجویان انتخاب گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که: بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و دین‌داری، میزان دین‌داری، دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد و بین استفاده از فضای مجازی و دین‌گزینی دانشجویان رابطه منفی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد میزان دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان در حد متوسط و متوسط پایین است.

واژگان کلیدی: دین، دین‌داری، دین‌گزینی، فضای مجازی

۱- استادیار عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ (مسئول مکاتبات) rmsafaei@gmail.com

۲- دانشجو کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور واحد همدان و دبیر آموزش و پرورش

در جامعه‌ای نظیر ایران که در آن نهاد دین به عنوان یک مؤلفه‌ی مهم زندگی جمعی ایفای نقش می‌کند، می‌توان اهمیت نقش دین و مذهب را در شکل‌گیری، تداوم و تکوین سرمایه‌ی اجتماعی کاملاً منحصر به فرد و متمایز دانست؛ زیرا نهاد دین در محتوای جامعه ایران علاوه بر استحکام و تثبیت در ذهنیت و گرایش‌های عمومی جامعه، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی است. شواهد متعدد در سطح دنیا و در بین ادیان مختلف، بیانگر آن است که مذهب موتور مولد سرمایه‌ی اجتماعی است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۲). تأثیر دین در حفظ و بقا نظام اجتماعی و نقش آن در تقویت همبستگی بین اعضای جامعه باعث شده است تا بسیاری از عالمان اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسان آن را به عنوان هسته محوری مطالعه‌های خود قرار دهند (آخوندی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). جامعه‌شناسان در بررسی جامعه‌شناسانه دین، یکی از کارکردهای دین یا فواید آن را همبستگی اجتماعی می‌دانند، رابرتسون اسمیت ادعا می‌کند دین دو کارکرد دارد: یکی تنظیم رفتار فردی برای خیر همگان و دیگری برانگیختن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی، از این رو مناسک دینی بیان تکراری وحدت و کارکردهایی است که اشتراک اجتماعی را تحکیم می‌بخشد (پیشگر، ۱۳۸۷: ۹۹).

در عصر جهانی‌شدن به دلیل پیچیدگی‌های زیادی که جامعه با آن روبه‌رو است، برخی از اشکال مشارکت دینی در معرض تقویت و برخی دیگر در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نیست. نتایج به دست آمده توسط پژوهشگران در حوزه جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی در ابعاد دین‌داری قابل مشاهده است. به این ترتیب که هرچند باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و بادوام است، اما از سویی دیگر، پذیرش تمام ابعاد دین‌داری نیز از جانب جوانان مورد تردید می‌باشد (بهار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد. جوانان تلاش می‌کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند، اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند؛ در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی‌رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می‌شود (عباسی، ۱۳۸۶).

امروزه با همه شعارهای زیبا و دلربایی که در جهان به گوش می‌رسد، سلطه گری همچنان در زندگی بشر باقی است. مهم‌ترین جریانی که در برابر سرمایه‌داری لیبرالیستی غرب جلوه کرده جریان معنویت‌گرایی و بازگشت به دین است که در مقابل آن نیز جریانی نوظهور در غرب پدید آمده است که اصلی‌ترین کارکرد آن تداوم وضعیت سلطه گرایانه و سلطه پذیرانه در جهان و اصالت دادن به انسان است. از طرفی می‌توان در برخی افراد تغییر در روش‌ها و منش‌ها را دید. اولویت این افراد در سبک زندگی از نگرش به اصول اعتقادی و ملی عبور کرده و منش‌ها و روش‌های آنان با اتکا بر تبلیغات فرقه‌ها و عرفان‌های نوظهور به انحراف کشیده شده است و رفتارها و نشانه‌های حاکم بر این فرقه‌ها و عرفان‌ها اساس رفتار این افراد را تشکیل می‌دهد (پسند، ۱۳۹۴: ۸۶).

شبکه‌های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی، برقراری روابط نمادین، کشف مجدد خود و باز تعریف هویت‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و... فارغ از محدودیت‌ها و عوامل سرکوب‌کننده از طریق تعاملات مجازی و نمادین فراهم می‌کند (امیرپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون^۱، ۲۰۰۷: ۲۱۲).

در پژوهشی جلیلی فیروزی (۱۳۸۵)، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ضعف یا قوت عملکرد نهادهای دینی در فضای واقعی، در میزان گرایش جوانان به استفاده از فضای مجازی اثرگذار است. از آنجا که در فضای مجازی، ساخت ارتباطات دینی، بیشتر اقناعی و الگوی ارتباطی گزینشی است، حذف حضور فیزیکی سبب می‌شود که ارتباط دینی، از یک ارتباط عمودی به یک ارتباط افقی تبدیل شود. به این ترتیب، ساخت ارتباطات سنتی ما، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و متناسب با ارزش‌های دینی، فهم ما از دین را هم تغییر می‌دهد و این مسئله می‌تواند در کوتاه مدت بحران‌زا باشد. در واقع، بر اساس یافته‌های وی، علت عمده گرایش جوانان به گروه‌های دینی مجازی، عدم توانایی گروه‌ها یا نهادهای دینی واقعی به پاسخگویی مناسب به سؤال‌های مذهبی آنان است. بنابر آنچه در بالا گفته شد دین و تبلیغات دینی در فضای مجازی به سه صورت هویت‌سازی کاذب، ایجاد سطحی‌نگری در مخاطب و

وارونه سازی حقایق با بهره گیری از قدرت نرم است و مهم ترین عامل مؤثر در تبلیغات ضد دینی؛ تنوع و جاذبه آن است. آنچه در بین جوانان، نوجوانان و در برخی موارد افراد بزرگسال دیده می شود این است که عقاید آن ها نسبت به دین اسلام سست شده و یا در عین دین داری ارزش ها و عقایدی در ذهن و عملشان به وجود آمده است که از ظهور و به کارگیری فضای مجازی در بین جوامع شدت یافته است. آنچه بیش از پیش محقق در صدد است؛ پاسخگویی به این سؤال اساسی است آیا بین میزان عضویت در شبکه های مجازی و گرایش به ادیان (دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان سالتحصیلی ۹۸-۱۳۹۷) رابطه ای وجود دارد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- دین

برای دین دو محور می توان در نظر گرفت: اول محور طولی که از آغاز اندیشه دینی بشر تا روزگار ما کشیده شده و در همه زمانها و مکانها مقصود مشترکی را دنبال می کرده است، مقصودی که به یک قوم ویژه یا تاریخ خاصی منحصر نمی شود دوم محور عرضی که به تناسب هر زمان و مکان از آن گوهر اصلی یا محور طولی پدید می آید و سبب پیدایش اشکال گوناگون و معانی نسبی تازه و ظاهراً متفاوتی از دین می شود. مثلاً از دیدگاه قرآن موسی، عیسی، محمد(ص) و دیگران، همه رسولان یک دین بوده اند. معنای پایه برای دین همان چیزی است که در محور طولی دیده می شود و می تواند در همه زمانها، زبانها و مکانها آن را شناسایی کرد، همچنین وجه مشترک تمامی نحله ها و مذاهبی است که ما آن را ادیان گوناگون می پنداریم. میان هند، مسلمان، مسیحی، یهودی، زرتشتی، معنای مشترک یا گوهر یگان های از دین را می توان نشان داد که برای همه آشنا و خویشاوند خواهد بود، این گوهر یگانه و معنای واحد را به عنوان پایه برای دین تلقی می شود، اما معنای نسبی برای دین عبارت است از وجوه افتراق و تفاوت هایی به ویژه در مناسک و آداب که در میان اقوام و نحله های گوناگون دیده می شود. این تفاوتها زاده زمان و مکان متفاوت و تلقی های گوناگون ناشی از آن بوده و می باشد. این معانی و تلقی های گوناگون و متفاوت را به عنوان محور عرضی دین یا معنای نسبی می توان قلمداد کرد (پیشگر، ۱۳۸۷: ۸۸).

۲-۲- سیر تکامل دین از نظر مردم شناسان و جامعه شناسان و علمای تاریخ ادیان

جامعه شناسان و مردم شناسان غربی و حتی اسلامی مانند امیل دورکیم، اگوست کنت، و برخی مردم شناسان و علمای تاریخ ادیان مانند تیلور و جیمز فrazier دین را فطری بشر نمی دانند و آنها برای دین و ادیان مراحل تکاملی دیگری را بیان می کنند. آنها بیشتر روی ادیان ابتدایی تحقیق نموده اند و گفته اند که به طور کلی دوران زندگی انسان را از نظر تکامل از آغاز تا کنون می توان به چهار مرحله تقسیم نمود:

- مرحله جنگل نشینی
- مرحله غار نشینی
- مرحله چادرنشینی
- مرحله کشاورزی و شهر نشینی

آنها می گویند: جهان بینی انسان در مسیر تکامل خود مراحل زیر را طی نموده است تا به حرکت کنونی رسیده است.

- مرحله ادیان ابتدایی
- مرحله ادیان قدیم و چندخدایی
- مرحله ادیان متکامل و یک خدایی

مقیاس آنها برای این مراحل، همانا سادگی و رشد و تعالی فکری و روحی انسانها می باشد آنها صفات عمومی انسانهای ابتدایی را به گونه زیر ترسیم نموده اند: وابستگی به جامعه و قبیله خود، زودباوری و ساده لوحی، تعصب بیش از حد در مورد آداب و رسوم قومی و قبیله ای، غالباً عقاید و آداب و رسوم آنان از نیازهای جسمانی و روانی آنها سرچشمه می گیرد. از این رو، نیازهای جسمانی و روانی، مانند گرسنگی، عشق، ترس از درد یا مرگ، میل به تعدی و تجاوز به دیگران و غیره در رسوم و آداب آنان مؤثر می باشد. با توجه به این ویژگی ها، محققان مراحل فوق را اینگونه تشریح می کنند: در مرحله ادیان ابتدایی، انسان ما قبل تاریخ که از اواخر مرحله غارنشینی شروع میشود، ابتدا می خواست از راه سحر و جادو بر طبیعت مسلط شود که اشکال بر دیوارهای غارها از جانور افتاده و زخم خورده از این نمونه است.

در دوره چادرنشینی به طبیعت پرستی و تقدیس حیوانات با همان توتمیسم^۱ پرداخت و به یک نیروی نامرئی بنام مانا در طبیعت و موجودات قائل شد و تصور کرد که منشأ همه حرکات و حوادث در طبیعت همان نیروی نامشخص است. توتم کلمه ای

1- Totemism

است از زبان بومیان آمریکا و معنای آن نشانه یا علامت است. این علامت را بومیان آمریکا برای نمایاندن حیوان یا نباتی که خیال می‌کردند روح حامی قبیله در آن سکونت دارد به کار می‌بردند. توتم معمولاً یک جانور قابل خوردن، بی‌آزار و یا خطرناک و هول‌انگیز و به ندرت نیز یک گیاه و یا یکی از قوای طبیعت، مانند باران و آب است که دارای رابطه خاصی با تمام عشیره است.

توتم ابتدا جد اصلی و نخستین قبیله و بعد روح محافظ و کمک کار آن به شمار می‌رود که به آن‌ها حکمت و حل معماها و مشکلات را الهام می‌کند، و در مواقع خطر، کودکان خود را می‌شناسد و آن‌ها را پناه می‌دهد. از این رو، فرزندان یک توتم یا توتم‌ها به عنوان یک وظیفه مقدس باید توتم خود را نکشند و یا در صورتی که حیوان نباشد نابودش نکنند، و از خوردن گوشت آن و یا هر گونه استفاده دیگری اجتناب کنند، در غیر این صورت، توتم، آن‌ها را سخت کیفر خواهد کرد (فضائی، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۰). ما نا یک نیروی روحانی غیبی است که اعتقاد به آن نزد اقوام بدوی عمومیت داشت، البته در هر ناحیه و اقلیم، رسوم و آداب و واکنش‌های خاصی داشته است، همه مردم بدوی معتقدند که یک قدرت ساکت و نامعلوم در هر شیء موجود است و شبیه به یک قوه مافوق طبیعی است که به خودی خود دارای فعالیت و مافوق قوه حیاتی موجود در اشیاء است. از این رو، نسل‌های متوالی این اقوام درباره ما نا به خواص و آثار سحری شگفت‌انگیز معتقد شده‌اند. و سپس در مرحله بعد به فتیشیسم^۱ روی آورد. فتیش شیء یا اشیایی است مانند مهره‌ها، سنگ‌ریزه‌ها، سنگ‌های فرود آمده از آسمان، استخوان‌ها، چوب‌های عجیب و نادر و امثال آن که مورد پرستش بدوی‌ها بوده است، و از همان لحظه که این اشیاء به دست آن‌ها می‌رسد، در آن نیروی عظیمی را مخفی می‌دانند که برای یابنده و دوستانش مفید و برای دشمنانش زیانبخش است.

در مرحله بعد گروه‌هایی از قبایل اولیه به عللی معتقد شدند که همه اشیاء و موجودات مانند انسان دارای روح هستند و در همه جا از آن ارواح آزاد وجود دارد. آنها همه حوادث خوب و بد را به آن ارواح نسبت دادند و شروع کردند به پرستش و تقدیس ارواح که این گونه شیوه پرستش را آنیمیسم^۲ یا جاندارانگاری طبیعت خوانده‌اند. بنابراین نزدامت‌های بدوی یک نوع حس پرستش ارواح متداول بوده است، یعنی معتقد بودند که تمام موجودات، اعم از متحرک یا ساکن، مرده یا زنده، دارای روحی هستند که درون آن‌ها مخفی و مستور است، نزد آنان ارواح دارای شکل و صورت و احساسات و عواطفند و از نیروی اراده و قصد برخوردارند، و اگر به خشم آیند، بی‌اندازه خطرناک خواهند بود، برای جلب توجه آن‌ها باید از در چالپوسی وارد شد و به آن‌ها ابراز وفاداری و اخلاص کرد. لذا انسان اولیه چون اشیای طبیعت را دارای روح می‌دانست، و اشیای طبیعت را مرده احساس نمی‌کرد، میان خود و طبیعت به نوعی اتحاد رسید. و سپس به تابوئیسم^۳ روی آورد. کلمه تابو به معنای ممنوع و حرام است و تقریباً مترادف کلمه عربی حرام عربی می‌باشد. عدد تابوها نزد مردم بدوی از حد شمارش بیرون است تا آن جا که اشیای مختلف و اقدام به بعضی کارها و حتی بر زبان آوردن بعضی کلمات و نام‌ها و قدم نهادن در اماکنی خاص، تابو به حساب می‌آید.

رییس گروه یا بزرگ قبیله، تا وقتی دارای قدرت و رهبری است، غالباً تابو است و به اعتقاد آنان، دست زدن به بدن یا جامه و اثاث او و حتی فرش و جایی که بر آن گام نهاده، خطرناک است. می‌توان گفت تابو، حرام‌هایی است که جنبه مرموزی دارد و علت آن از نظر منطقی و خودآگاهی عقلی و دینی روشن نیست، و این وجه تمایز محرمات ادیان توحیدی با تابو در ادیان بدوی است. و در مرحله بعد به پرستش طبیعت پرداخت که مظاهر گوناگونی داشته است، از جمله سنگ‌پرستی، گیاه‌پرستی، جانورپرستی و پرستش عناصر عالم وجود، مانند خاک، باد، آتش و آب، و لذا انسان وارد مرحله بت‌پرستی شد.

در مرحله چند خدایی و شرک در اثر گسترش و رشد فکری انسان، ذهنش از طبیعت گذشته به خدایان متوجه و معتقد شده و تحول عمیقی در جهان بینی او بوجود آمد. و در مرحله ادیان متکامل یا یک خدایی و توحید، به وسیله ظهور پیامبران همه عقاید دینی درباره خدایان متعدد منسوخ شد و به موازات تکامل بینش دینی بشر، پیامبران دین‌های متکامل و مبتنی بر توحید را تشریح نمودند. به همین جهت نتیجه می‌گیرند: در طول تاریخ بشر، دین از زندگی او جدا نبوده است و لذا دین ریشه‌دارترین عامل در فرهنگ بشری است و دین در آغاز پیدایش حالت ساده و ابتدایی داشته و رفته‌رفته به ادیان پیشرفته مبدل شده است (فضائی، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۰).

۳-۲- مفهوم دین

دین، که به آن کیش و آیین نیز گفته می‌شود، در لغت به معنای راه و روش تعبیر شده که بر این اساس می‌توان آن را به راه و روشی که افراد انسان برای زندگی خود اختیار می‌کنند تعبیر نمود. همچنین دین در اصطلاح، یک جهان‌بینی و مجموعه‌ای از باورها است که می‌کوشد توضیحی برای یک رشته از پرسش‌ها که در طول زندگی بشر برای او مطرح می‌شود، مانند چگونگی پدید آمدن اشیا و جانداران و کیفیت آغاز و پایان احتمالی چیزها، و چگونگی زیستن، ارائه دهد. (ویکی پدیا).

1- Fetishism
2- Animisme
3- Tabuism

تعاریف متعددی از دین وجود دارد. تی یل (۱۸۳۰-۱۹۰۲) میگوید که: در حقیقت دین وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آن را «خشیت» می‌خوانیم. از نظر برادلی (۱۸۶۴-۱۹۲۴) دین بیش از هر چیز کوششی است برای آنکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجوه هستی مان باز نماییم و جیمز مارتینو (۱۹۰۰-۱۸۰۵) مدعی بود که دین اعتقاد به خدایی همیشه زنده است، یعنی اعتقاد به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان است و با نوع بشر مناسبات اخلاقی دارد. روشن است که هر کدام از این تعاریف ویژگی متفاوتی را مورد تأکید قرار می‌دهند. تی یل بر خشیت تکیه می‌زند، برادلی دین را با خیر پیوند می‌دهد، و مارتینو اعتقاد به جنبه‌های اخلاقی یکتاپرستی را مورد توجه قرار می‌دهد. تعاریف دیگر دین ویژگی‌های خاص دیگر را منظور می‌کنند، ویژگی‌هایی نظیر انجام مناسک، دعا و ارتباط با خدایان، به نظر می‌رسد که هر کدام از این تعاریف حظی از اعتبار و معقولیت دارند. ادیان بسیار پیچیده هستند. بنابراین شرط عقل آن است که هیچ وجه منفردی را تعریف کامل دین تلقی نکنیم. برای مثال ادیان ابتدایی، نظیر ادیان شمنی وجود دارند که به نظر میرسد اعمال خضوع آمیزشان ناشی از ترس یا طمع است، نه ناشی از احساس خشیت ناب، بنابراین تعریف تی یل جامع نیست. همچنین ادیان قائل به چند خدایی (نظیر ادیان یونان، مصر باستان) هم وجود دارند که معتقد نیستند جهان فرمانروای الهی واحدی دارد. بنابراین تعریفی که مارتینو عرضه کرده است نمی‌تواند تمام ادیان را در بر بگیرد (پیشگر، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۸).

دین مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان جهت تحصیل سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است. دین در رتبه اول انسان را از توحش حیوانی خارج و او را وارد حریم انسانی می‌کند و با پذیرش حیات انسانی و رعایت قوانین الهی و عمل به آن که از طریق وحی آسمانی در دسترس او قرار گرفته، کمالات عقلی و اغراض فطریش تأمین می‌شود. چنین انسانی که از مرحله حیوانی گذر کرده و به رتبه عقلانی رسیده زمام گفتار و رفتار عقلانی شده، در این حال نظم و امنیت را حاکم می‌کند و به دنبال آن عناصر و عوامل تمدن را در چارچوب برنامه‌ای الهی شکل می‌دهد. در واقع انسان متمدن در این معنا انسان الهی است که در تمام اعمال و رفتار اجتماعی و فردی خود با قانون خدا زندگی می‌کند (پیشگر، ۱۳۸۷: ۹۱).

۲-۴- شبکه‌های اجتماعی^۱

در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در روابط مردم سرتاسر جهان ایفا می‌کنند. به طوری که به جزیی جدایی‌ناپذیر از زندگی بیشتر مردم تبدیل شده‌اند. این در حالی است که اساس پیدایش این شبکه‌ها تسهیل و کوتاه نمودن مسیر ارتباطی میان افراد جامعه تلقی می‌گردد. در ایران نیز این پدیده نه چندان نوظهور روز به روز بر خیل مشتاقان خود می‌افزاید. شاید در گذشته نه چندان دور افراد شناخت کمی نسبت به ماهیت و چگونگی استفاده از این شبکه‌ها داشتند، اما این روزها در زندگی روزمره شاهد آن هستیم که طیف متفاوت مردم راجع به این شبکه‌ها با هم صحبت و تبادل اطلاعات می‌نمایند. طبقات مختلف در جامعه از زن و مرد، جوان و پیر، باسواد و بی‌سواد، از آن حرف می‌زنند. عده‌ای بسیار مخالف آن‌ها بوده، وجودشان را باعث مضرات اجتماعی و فساد اخلاقی برای طبقات جامعه دانسته و مایل به بستن، تعطیل و فیلتر کردن آن‌ها هستند و در مقابل، عده‌ای دیگر آن‌ها را مظاهری از تمدن جدید شمرده، وجود آن‌ها را برای پیوستگی‌های اجتماعی مفید، بلکه لازم می‌دانند. فراگیر شدن استفاده از این پدیده، پیامدهای مثبت و منفی بسیاری را بر زندگی ما القاء نموده و در مواردی نیز تبعات گریزناپذیری را بر ما تحمیل داشته است.

در دنیای ارتباطات علمی، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از بسترهای مؤثر در تولید علم، اشتراک عقاید و رشد فردی و اجتماعی دانست. هدف شبکه اجتماعی این است که با فراهم آوردن امکان ارتباط بین سرمایه‌های فردی و تشکیل سرمایه اجتماعی، به رشد و ارتقای سطح علم کمک (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۵). یک شبکه اجتماعی، یک ساختار متمرکز اجتماعی است که از گره‌هایی، اغلب به عنوان فرد یا سازمان، تشکیل شده است. این گره‌ها، توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصل می‌شوند. مثال‌هایی از وابستگی‌ها شامل؛ اشتراکات، علائق، ایده‌ها، دوستی، خویشاوندی، لینک‌های وب، مسافرت قیمت‌ها، الهامات، ایده‌ها و تبادلات مالی، تجاری، سرایت بیماری‌ها (اپیدمولوژی) یا مسیرهای هواپیمایی است. ساختارهای حاصل از شبکه‌های اجتماعی، اغلب بسیار پیچیده هستند (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۵).

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چی ای بارنز^۲ در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود که یک مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی که شامل مردم و سازمانها که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزشها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط هم چون دوستی‌ها

و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتری واسطه متمرکز است (کفاشی و فلاحی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون^۱، ۲۰۰۷: ۲۱۲). هدف کلی هر شبکه اجتماعی، ایجاد سرمایه اجتماعی و تسهیل ارتباط بین متخصصان، هنرمندان و صاحبان حرفه‌های متعدد است. تبدیل سرمایه فردی به سرمایه اجتماعی، از مسائل مهم و مورد توجه تمامی حوزه‌های علمی است. از این طریق، دانش فردی به دانش جمعی تبدیل و در واقع از دانایی جمعی برای حل مسائل و مشکلات دنیای علم بهره‌برداری می‌شود (کفاشی و فلاحی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

به طور کلی در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. در واقع شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند. به طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد. مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق (که همه اینها اطلاعاتی را در خصوص هویت فرد فراهم می‌آورد) برقراری ارتباط تسهیل می‌گردد. کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمپک^۲ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۸).

۲-۵- شبکه اجتماعی مجازی

انقلاب ارتباطات، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی است به وجود آورده است. از طریق ماهواره، اینترنت و... جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می‌آید. رسانه‌های الکترونیکی مخاطبان وسیع و متکثری دارند که مجموعه‌هایی از حیث محتوای نمادین را به این مخاطبان عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی فضای مجازی شکل می‌گیرد و فرهنگ‌ها همه از طریق واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند و مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف جهان طی چند سال گذشته قدم به دنیای جدیدی گذاشته که ظرف مدت زمان اندکی، به سبب امکان ارتباط تعاملی دوسویه مورد استقبال کاربران فضای سایبری قرار گرفته است (رحمان زاده، ۱۳۸۹: ۵۸).

برخی صاحب‌نظران به جای استفاده از واژه رسانه‌های اجتماعی با توجه به کارکرد شبکه‌ای این دسته از رسانه‌ها، استفاده از واژه شبکه‌های اجتماعی را ترجیح می‌دهند. هلن صدیق بنای معتقد است هرچند شبکه‌های اجتماعی^۳ واژه‌ای است که برای نامیدن گروهی از افراد که در میان خود دارای ارتباطات وسیع‌تر و مستمر هستند و یک حلقه منسجم ارتباطاتی را تشکیل می‌دهند، به کار می‌رود، اما این واژه امروزه عمدتاً برای نامیدن پایگاه‌های اینترنتی به کار می‌رود که افراد با عضویت در آن امکان دستیابی به اطلاعات سایر اعضا، آشنایی با علایق آنها، به اشتراک‌گذاری تولیدات متنی، صوتی و تصویری و نیز تشکیل گروه‌هایی بر اساس علایق مشترک با برخی از دیگر اعضای پایگاه را پیدا می‌کنند (امیرپور و گریوانی، ۱۳۹۲: ۲۶).

شبکه‌های اجتماعی مجازی از قبیل فیس‌بوک، درعین حال که فضاهایی هستند که در آن‌ها افراد دوستان جدیدی پیدا می‌کنند و یا دوستان قدیمی خود را در جریان تغییرات زندگی‌شان قرار می‌دهند. مکان‌هایی برای تبادل نظر هستند که در آن‌ها جوانان، عقاید و نظرات خود را باهم به اشتراک می‌گذارند. این قابلیت، که یک جوان بتواند با جوانان دیگر، در سایر کشورهای جهان، ارتباط برقرار کند، باعث می‌شود تا شبکه‌های اجتماعی مجازی، به مکانی برای معرفی ایده‌های جدید، و بحث پیرامون آن‌ها، مبدل شود. استفاده از سرویس‌های ارائه‌شده توسط شبکه‌های اجتماعی، روز به روز محبوبیت بیشتری پیدا کرده است. هم‌اکنون سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، بعد از پرتال‌های بزرگی مثل یاهو و یا موتورهای جستجو مثل گوگل، تبدیل به پراستفاده‌ترین خدمات اینترنتی شده‌اند (امیرپور و گریوانی، ۱۳۹۲: ۲۶).

1- Boyd & Ellison
2- Pempek
3- Social network

بر اساس گزارشات، جوانان بیشتر از نسل پیش از خود به کسب اخبار از طریق شبکه‌های اجتماعی تمایل دارند. همچنین این قشر از جامعه درصد بیشتری از اخبار مورد نیاز خود را به جای استفاده از موتورهای جستجو از طریق رسانه‌های اجتماعی کسب می‌کنند (کفاشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

منظور از فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، فضای تحت وب یا تحت سیستم عامل‌های تلفن همراه بوده که افراد توسط آنان با یکدیگر ارتباط و تعامل دو سویه برقرار می‌نمایند. از جمله این فضاها سایت فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس، کلوب و... بوده و نیز همچنین مشابه این‌ها در گوشی‌های هوشمند تلفن همراه همچون لاین، تانگو، ویجت، واتس آپ و... می‌باشد (کفاشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب سراچه‌های اینترنتی هستند. در این وب سراچه‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی با هم جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، متناسب با نوع موضوع فعالیتشان امکانات دیگری را از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدیوها و فایل‌های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰). در شبکه‌های اجتماعی افراد به دو صورت دوست محور و یا دنباله محور با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی انواع مختلفی دارند. شبکه‌های اجتماعی عمومی که تعداد زیادی از افراد را همانند فضای عمومی جامعه کنار هم گردآورده است، شبکه‌های اجتماعی تخصصی که بیشتر توسط پژوهشگران، محققان و دانشگاہیان و حول رشته‌های گوناگون شکل می‌گیرد، شبکه‌های اجتماعی فیلم، موسیقی، کتاب، کسب و کار و غیره (کفاشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۰). به اعتقاد صاحب‌نظران ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی باعث شکل‌گیری مفاهیمی همچون صمیمیت و اعتماد در فضای سایبری شده است، مفاهیمی که در گذشته‌ای نه چندان دور دستیابی و تحقق آن در حد یک رویا بود (رحمان زاده، ۱۳۸۹: ۶۰).

۲-۶- ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. دسترسی و وسعت؛
۲. کم‌هزینه بودن؛
۳. چندرسانه‌ای بودن؛
۴. جمع‌گرایی و شبکه‌سازی انسانی؛
۵. تعامل‌گرایی؛
۶. بهره‌گیری بدون نیاز به مهارت و تخصص؛
۷. ارتباط فوری؛
۸. پیوستگی و مداومت (آذر بخش، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

۲-۷- کارکردهای فرهنگی شبکه اجتماعی مجازی

محققان معتقدند در کارکرد فرهنگی شبکه‌های اجتماعی مجازی، دولت‌ها سعی می‌کنند از طریق رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی در بلندمدت الگوهای رفتاری و شیوه تفکر و زندگی ملت‌های موردنظر خود را در جهتی که تأمین‌کننده منافع و خواست‌های آنان باشد دگرگون سازند. بنابراین، این شبکه‌ها می‌توانند با به اشتراک گذاشتن افکار و تأثیر بر نفوذ در ذهن، بر جنبه‌های مختلفی از زندگی افراد تأثیر بگذارند. ارتباط با فیس‌بوک، می‌تواند در حرفه و شغلی که در آن مشغول به کار هستید، نگرشی جدید ایجاد کند و شما را ترغیب و یا دلسرد نماید. فیس‌بوک به واسطه دربرگیری جهانی عظیم، قادر است الگوهای انگیزشی و فرهنگی افراد را تغییر دهد. (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۶).

۱- به اشتراک گذاشتن (تبادل) افکار: رد و بدل و تبادل دوطرفه فکر، عقیده و نظر خود در شبکه‌های اجتماعی مجازی، در بسیاری از مواقع این اشتراک‌گذاری باعث همسو شدن افکار و عقاید می‌شود. اشتراک‌گذاری افکار یعنی، گفتگو، بحث، مشورت، توزیع و انتشار و اشتراک‌گذاری دانش، افکار، تجربیات و عقاید افراد با یکدیگر. (توربان و دیگران، ۲۰۰۲: ۵۹).

۲- انگیزه‌های حرفه‌ای یا شغلی: هرزبرگ در کتاب «کار طبیعت بشر» به عوامل روانی در شغل اشاره می‌کند و معتقد است بشر نیازهای اولیه‌ای مانند حیوانات دارد که باید تأمین و برآورده و ارضاء شوند تا به صورت عوامل بازدارنده ظاهر نشوند و دسته دیگری از عوامل هستند که به عوامل تهییج‌کننده یا انگیزشی مربوط و نامیده می‌شوند. این دسته از عوامل به تکامل بخشی فرد در انجام وظیفه خود کمک می‌کند. این نگرش هرزبرگ تکمیل‌کننده نظریه‌های مازلو است. هرزبرگ وظیفه مدیران را در

این می‌داند که محیط کاری مناسب را برای اظهار خلاقیت و نوآوری کارکنان باید فراهم آورد تا کارکنان بتوانند خود ظهور باشند (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۷).

۳- سرمایه اجتماعی: اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما، نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب: مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) به کار رفته است، که در آن او توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. گلن لوری اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه‌شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد. در دهه ۱۹۸۰ این اصطلاح توسط جیمز کلن جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استقبال قرار گرفت و رابرت پوتنام دانشمند علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور را در مورد سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالات متحده برانگیخت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰). سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی - به ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش - با کارهای افرادی چون جیمز کلن، پیربوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است (وال و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۳۹).

همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی باتوجه به روند جهانی‌شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه‌حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (وارنر، ۱۹۹۹: ۱۲۶). تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - به ویژه در روایت کارکرد گرایانه آن - عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی، به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی، یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها، مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (وال و همکاران، ۱۹۹۸: ۳۰۴).

سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. اما نسبت به فعالیت‌های خصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد (کلن، ۱۳۹۵: ۴۶۲). سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۸).

۴- توسعه فرهنگی: مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد از طرف یونسکو به‌عنوان یک سازمان فرهنگی، در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه چون توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، و توسعه سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیر مادی افراد جامعه دارد. بنابراین فرایندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌ها، قابلیت‌ها رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد. به عبارتی حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا، ۱۳۹۰: ۲۰). اما می‌تواند تعریف "زیرار اگوستین" را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه» (نظیرپور، ۱۳۷۸: ۴۴). سازمان جهانی یونسکو نیز

توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد» (رحمانزاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۳۸). توسعه فرهنگی به معنای به وجود آوردن شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه، ایجاد تفکر توسعه در بین مردم، شناساندن جایگاه آنان، رشد و افزایش آگاهی و دانش آن‌ها، زمینه‌سازی برای تحول و نیز پیشرفت جامعه و بالاخره در مجموع ایجاد زمینه‌هایی فرهنگی برای توسعه است (ادهمی، ۱۳۸۴: ۱۶). در کنفرانس وزیران فرهنگ کشورهای آسیایی که در جاکارتا در سال ۱۹۷۲ برگزار شد اصل 'توسعه فرهنگی' به عنوان عامل هویت و تغییر اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفت و در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دهه جهانی توسعه فرهنگی را (۱۹۸۸-۱۹۹۷) اعلام کرد که چهار هدف اساسی داشت: توجه به ابعاد فرهنگی توسعه؛ تأکید و تقویت هویت‌های فرهنگی؛ تشویق مشارکت در حیات فرهنگی؛ ترویج همکاری‌های بین‌المللی در نتیجه توجه به توسعه فرهنگی به تدریج یک ضرورت تلقی شد، زیرا این اعتقاد وجود داشت که توسعه فرهنگی همگام با توسعه اقتصادی نیست بلکه فراتر از آن است و عامل پویایی و نوآوری است (دوبویی، ۱۳۷۴: ۳۹).

۲-۸- روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از دسته تحقیقات توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است زیرا قصد دارد از یک سو به توصیف رفتارهای واقعی موجود در جامعه پرداخته و از سوی دیگر عوامل موجود این پدیده‌ها و ویژگی‌ها را نیز شناسایی و میزان اثرگذاری آن‌ها را نیز تعیین نماید. هدف از انجام این نوع تحقیق، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است (نادری، سیف نراقی، ۱۳۹۲).

جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل می‌باشند که تعداد آن‌ها ۶۰۰۰ نفر می‌باشد.

در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۱ نفر از این دانشجویان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند، و نمونه‌گیری نیز به صورت کاملاً تصادفی انجام شد.

پرسش نامه یک طرح پژوهشی، مقاله یا پایان نامه می‌تواند به دو صورت باشد. نوع اول پرسش‌نامه استاندارد و نوع دوم از پرسش‌نامه‌ها پرسش نامه محقق ساخته است. پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته است در قالب ۳۳ سؤال طراحی شده است که با طیف ۵ مقیاسی لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزیابی شده است.

۲-۹- یافته‌های پژوهشی

۲-۹-۱- پیش فرض استفاده از آزمونهای آماری پارامتریک

آزمونهایی را که بر طبیعی بودن توزیع متغیر در جامعه استوار هستند، آزمونهای پارامتریک گویند. برای استفاده از این روشها پژوهشگر باید مفروضه‌هایی را رعایت کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱) داده‌های مورد استفاده پیوسته و منظم باشند یا به عبارت دیگر مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای یا نسبی باشد. بر اساس این فرض آزمونهای پارامتریک به مقیاس فاصله‌ای یا نسبی محدود می‌شوند. ۲) متغیر مورد پژوهش دارای توزیع طبیعی باشد (دلاور، ۱۳۸۸، ۴۸۲-۴۸۱).

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به صورت پیوسته و منظم می‌باشد یعنی شرط مقیاس اندازه‌گیری بر قرار می‌باشد. با توجه به شرط نرمال و طبیعی بودن توزیع داده‌های مورد استفاده برای بررسی این پیش فرض از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است که هدف از انجام این آزمون این است که مشخص شود توزیع داده‌ها نرمال است یا خیر.

با توجه به نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف در جدول (۱) می‌توان اظهار نمود که همه متغیرها نرمال می‌باشد، زیرا سطح معناداری کلیه مقادیر Z در هر یک بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که از آزمونهای پارامتریک باید برای تجزیه و تحلیل سوالات و فرضیات تحقیق استفاده کرد.

جدول ۱- نتیجه آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد نمونه	مقدار Z	سطح معناداری
استفاده از فضای مجازی	۳۶۱	-۰.۹۴۷	۰.۳۳۱
دین‌گزینی	۳۶۱	۱.۰۵۶	۰.۲۱۵
دین‌گزیزی	۳۶۱	۱.۰۲۴	۰.۳۶۴
دین‌داری	۳۶۱	۱.۶۴۷	۰.۳۵۴

۲-۱۰- بررسی سؤالات پژوهش

۲-۱۰-۱- سؤالات پژوهش

- ۱- وضعیت دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان چگونه است؟
- ۲- وضعیت دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان چگونه است؟
- ۳- وضعیت دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان چگونه است؟
- ۴- وضعیت گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان چگونه است؟
- ۵- وضعیت استفاده از فضای مجازی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان چگونه است؟

جدول ۲- بررسی سؤالات پژوهش

متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
دین‌گزینی	۲,۸۲	۱,۲۶	۳	-۲,۷۶۱	۳۶۰	۰,۰۰۶
دین‌گزینی	۲,۶۰	۰,۸۸	۳	-۸,۵۸۵	۳۶۰	۰,۰۰۰
دین‌داری	۳,۳۳	۰,۸۵	۳	۷,۴۰۲	۳۶۰	۰,۰۰۰
گرایش به ادیان مختلف	۲,۶۱	۰,۸۵	۳	-۸,۵۸۴	۳۶۰	۰,۰۰۰
استفاده از فضای مجازی	۲,۵۸	۰,۹۰	۳	-۸,۹۳۹	۳۶۰	۰,۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول ۲، میانگین دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان ۲,۸۲ بدست آمده که کمتر از میانگین آماری (۳) است، همچنین انحراف معیار ۱,۲۶ شده است. بنابر این نتیجه می‌گیریم که میزان دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان کمتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین میانگین دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان ۲,۶۰ بدست آمده که کمتر از میانگین آماری (۳) است، همچنین انحراف معیار ۰,۸۸ شده است. بنابر این نتیجه می‌گیریم که میزان دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان کمتر از حد متوسط می‌باشد و میانگین دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان ۳,۳۳ بدست آمده که بیشتر از میانگین آماری (۳) است، همچنین انحراف معیار ۰,۸۵ شده است. بنابر این نتیجه می‌گیریم که میزان دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان بیشتر از حد متوسط می‌باشد و هم‌طور میانگین گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان ۲,۶۱ بدست آمده که کمتر از میانگین آماری (۳) است، همچنین انحراف معیار ۰,۸۵ شده است. بنابر این نتیجه می‌گیریم که میزان گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان کمتر از حد متوسط می‌باشد و میانگین استفاده از فضای مجازی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان ۲,۵۸ بدست آمده که کمتر از میانگین آماری (۳) است، همچنین انحراف معیار ۰,۹۰ شده است. بنابر این نتیجه می‌گیریم که میزان استفاده از فضای مجازی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان کمتر از حد متوسط می‌باشد.

۲-۱۰-۲- بررسی فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین استفاده از فضای مجازی و گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین استفاده از شبکه‌های مجازی با دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین استفاده از شبکه‌های مجازی با دین‌گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین استفاده از شبکه‌های مجازی با میزان دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی استفاده از شبکه‌های مجازی با گرایش به ادیان مختلف

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی R	سطح معناداری
استفاده از شبکه‌های مجازی با گرایش به ادیان مختلف	۳۶۱	۰,۵۷۲	۰,۰۰۰
استفاده از شبکه‌های مجازی با دین‌گزینی	۳۶۱	-۰,۵۱۷	۰,۰۰۰
استفاده از شبکه‌های مجازی با دین‌داری	۳۶۱	۰,۶۹۱	۰,۰۰۹
استفاده از شبکه‌های مجازی با میزان دین‌داری	۳۶۱	-۰,۶۶۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۳، در فرضیه اول چون سطح معناداری ($\text{sig}=0,000$) کوچکتر از ($\alpha = 0.05$) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده بین استفاده از شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان مختلف ($r=0,572$) بزرگتر از r جدول می‌باشد پس با احتمال ۹۵ درصد فرضیه قبول می‌شود و بین استفاده از شبکه‌های مجازی و گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه‌های مجازی گرایش به ادیان

مختلف بیشتر می شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت که ۳۲,۷۲ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه های مجازی می باشد.

با توجه به نتایج فرضیه دوم سطح معناداری ($\text{sig}=0,000$) کوچکتر از ($\alpha = 0.05$) نشان می دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی ($r=-0,517$) بزرگتر از r جدول می باشد پس با احتمال ۹۵ درصد فرضیه قبول می شود و بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی دین گزینی کمتر می شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت که ۲۶,۷۲ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین گزینی در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه های مجازی می باشد.

با توجه به جدول در فرضیه سوم سطح معناداری ($\text{sig}=0,000$) کوچکتر از ($\alpha = 0.05$) نشان می دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی ($r=0,691$) بزرگتر از r جدول می باشد پس با احتمال ۹۵ درصد فرضیه قبول می شود و بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی دین گزینی بیشتر می شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت که ۴۷,۷۵ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین گزینی در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه های مجازی می باشد.

با توجه به جدول در فرضیه چهارم سطح معناداری ($\text{sig}=0,000$) کوچکتر از ($\alpha = 0.05$) نشان می دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده بین استفاده از شبکه های مجازی و میزان دین داری ($r=-0,669$) بزرگتر از r جدول می باشد پس با احتمال ۹۵ درصد فرضیه قبول می شود و بین استفاده از شبکه های مجازی و میزان دین داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی، دین داری کمتر می شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت که ۴۴,۷۶ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین داری در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه های مجازی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان می دهد که بین استفاده از فضای مجازی و گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج نشان می دهد که بین استفاده از شبکه های مجازی و گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معنادار وجود دارد یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی گرایش به ادیان مختلف بیشتر می شود و برعکس. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی گرایش به ادیان مختلف افزایش می یابد و بالعکس.

از نتایج اینگونه برداشت می شود که فضای مجازی با دادن اطلاعات ضد و نقیض ذهن مخاطبان خود را درگیر می کند و با استفاده از برجسته سازی مفاهیم و اندیشه های جدیدی را در ذهن مخاطبان ایجاد می نماید. این درگیری ذهنی و تناقضات بسیار باعث می شود که فرد از مسیر اصلی خارج شود. همچنین تبلیغات موجود در فضای مجازی باعث شده است که افراد جوان بدون پتانسیل فکری مناسب وارد این فضا ها شده و در انتخاب دین خود دچار چالش شوند. نتایج این پژوهش با پژوهش های نتایج این پژوهش با پژوهش های رحمتی و صادقی (۱۳۹۷)، نجاتی حسینی (۱۳۹۱)، جلیلی فیروزی (۱۳۸۵) همسو می باشد.

نتیجه فرضیه: بین استفاده از شبکه های مجازی و گرایش به ادیان مختلف در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معنادار وجود دارد

فرضیه دوم: بین استفاده از شبکه های مجازی با دین گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد. بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه های مجازی دین گزینی کمتر می شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت که ۲۶,۷۲ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین گزینی در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه های مجازی می باشد.

این نتیجه را شاید اینگونه بتوان تفسیر کرد که در فضای مجازی اطلاعات به قدری وسیع و ضد و نقیض های آن بسیار است که فرد را دچار سردرگمی نموده و نمی تواند گزینش درستی از ادیان داشته باشد.

نتایج این پژوهش با پژوهش های رحمتی و صادقی (۱۳۹۷)، نجاتی حسینی (۱۳۹۱)، جلیلی فیروزی (۱۳۸۵) همسو نمی باشد و با نتایج پژوهش های فرهنگی و جامع (۱۳۸۹) همسو می باشد.

نتیجه فرضیه بین استفاده از شبکه های مجازی و دین گزینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه سوم: بین استفاده از شبکه‌های مجازی با دین‌گریزی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد. بین استفاده از شبکه‌های مجازی و دین‌گریزی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه‌های مجازی دین‌گریزی بیشتر می‌شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می‌توان گفت که ۴۷,۷۵ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین‌گریزی در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه‌های مجازی می‌باشد.

از نتایج اینگونه برداشت می‌شود که تبلیغات موجود در فضای مجازی بر ذهن مخاطبان تاثیر زیادی داشته و بیشتر آن‌ها را به سمت نداشتن دین و نداشتن هیچ قید و بندی سوق می‌دهد.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های امینی و همکاران (۱۳۹۱) و جلیلی فیروزی (۱۳۸۵) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه دوم: بین استفاده از شبکه‌های مجازی و دین‌گریزی در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین استفاده از شبکه‌های مجازی با میزان دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه معناداری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های مجازی و میزان دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن استفاده از شبکه‌های مجازی، دین‌داری کمتر می‌شود و برعکس. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی می‌توان گفت که ۴۴,۷۶ درصد (مقدار ضریب همبستگی به توان دو ضربدر صد) از تغییرات دین‌داری در دانشجویان تحت تاثیر استفاده از شبکه‌های مجازی می‌باشد.

نتایج پژوهش را اینگونه می‌توان تفسیر کرد که استفاده از فضای مجازی نگرش دانشجویان را تغییر داده و باعث می‌شود که آن‌ها اینگونه احساس کنند که تقید و پایبندی به دین کاری بیهوده و عبث است. البته در این بحث نقش تبلیغات دینی در فضای مجازی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. تبلیغات دینی و برجسته سازی الگوهای افراد برتر و موفق دنیای مدرن نیز باعث شده است که دانشجویان تمایلی به دین‌داری نداشته باشند؛ زیرا القا شده است که بدون تقید و پایبندی به دین هم می‌توان زندگی خوبی داشت.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های عباسی‌قادی (۱۳۸۶)، نجاتی‌حسینی (۱۳۹۱)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

نتیجه فرضیه: نتایج نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های مجازی و میزان دین‌داری در دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان رابطه منفی وجود دارد.

پیشنهادهای تحقیق

به پژوهشگران موضوعات و زمینه‌های زیر جهت تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود که گروه‌های مذهبی حضور فعالی در شبکه‌های مجازی داشته باشند و به شبهات ایجاد شده پاسخ بدهند.
- با توجه به اینکه تبلیغات در فضای مجازی نقشی اساسی و پر رنگ در برجسته سازی مطالب دینی دارد سازمان تبلیغات اسلامی در این زمینه اهتمام و کوشش بیشتری از خود به نمایش بگذارند.
- با توجه به نظریه کاشت که رسانه‌ها نقش بسیاری در تاثیر پذیری افراد داشته و در شکل پذیری عقاید و افکار روزمره نقش مهمی ایفا می‌نماید؛ باید محتوا، فیلم، عکس و ... با فرهنگ اسلامی ساخته شود.
- نهادهای فرهنگی باید حضور پررنگ تری در شبکه‌های مجازی داشته باشند.
- پیشنهاد می‌شود سازمان محترم صدا و سیما از شخصیت‌های موفق و برجسته دینی فیلم و ... ساخته شود و این چهره‌ها به کل جهان شناسانده شوند.

منابع

- ۱- آذربخش، سید علی محمد. (۱۳۹۱). رویکردی نظری به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر تولید ملی و اشتغال در میان جوانان. فصلنامه مطالعات جوان و رسانه، شماره ۶
- ۲- ادهمی، عبدالرضا، (۱۳۸۴). فرهنگ و فرایند توسعه، فصلنامه یگانه، شماره ۳۶.
- ۳- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ سوم، تهران، نشر کلمه.
- ۴- افشانی، علیرضا، و دیگران (۱۳۹۰). رابطه دین‌داری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف آباد". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۴)، ۲۵۹-۲۸۴

- ۵- امیرپور، مهناز، گریوانی، مریم (۱۳۹۲). تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۱(۳)، صفحات ۳۹-۲۳.
- ۶- آخوندی، محمدباقر، محلاتیان بابکی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند. مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۱۰(۴)، ۷-۳۸.
- ۷- بهار، مهری؛ رحمانی، سحر (۱۳۹۱). بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دین‌داری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید به بعد مناسکی). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۳(۶)، ۹-۳۶.
- ۸- پسند، مریم (۱۳۹۴). بررسی راهکارهای مقابله با گرایش به عرفان‌های نوظهور و گسترش آنها در ایران، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) ۳(۱۴)، ۸۵-۱۰۶.
- ۹- پیشگر، زری (۱۳۸۷). مفهوم شناسی دین، فصلنامه خط اول، سال دوم، شماره ۶، صص ۸۷ تا ۱۰۲.
- ۱۰- جلیلی فیروزی، شقایق. (۱۳۸۵). بازنمایی هویت دینی در فضای مجازی؛ بررسی تأثیر حضور در گروه‌های دینی مجازی بر شکل‌گیری هویت دینی کاربران جوان، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۱- رحمان زاده، سید علی (۱۳۸۹). کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱(۱)، ۷۸-۴۹.
- ۱۲- رحمان زاده، سید علی؛ حقیقی، محمد رضا (۱۳۹۲). عوامل مؤثر در افزایش اثربخشی شبکه‌های اجتماعی مجازی در سازمانهای رسانه ای؛ (مورد مطالعه: انجمن مدیران روابط عمومی ایران)، علمی پژوهشی مطالعات رسانه‌ای، ۸(۲۱)، ۱۴۴-۱۳۳.
- ۱۳- رحمتی، گلاره؛ صادقی، جواد (۱۳۹۷). بررسی رابطه میان مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی دینی: در میان دانشجویان دانشگاههای شهرستان بوکان. فصلنامه مطالعات رسانه‌های جدید، ۲(۱)، ۸۹-۱۰۵.
- ۱۴- دوپویی، گزایوه (۱۳۷۴). فرهنگ و توسعه. ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین‌قلم، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۴.
- ۱۵- عباسی قادی، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران. فصلنامه رسانه، شماره ۱۹.
- ۱۶- عباسی، محمد (۱۳۸۶). عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب،
- ۱۷- فرهنگی، علی‌اکبر و جامع، رقیه (۱۳۸۹). رسانه و دین، پژوهش نامه فرهنگی، سال ۱۱، ش ۱۲.
- ۱۸- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، نشر جامعه ایرانیان
- ۱۹- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطق‌های و بین‌المللی. پرتال سیاست ما، دپلماسی عمومی و رسانه ای.
- ۲۰- قاسمی، وحید؛ عدلی پور، صمد؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۲). دوفصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۱۹ (۲)، ۵-۹۳.
- ۲۱- کفاشی، مجید؛ فلاحی، علی. (۱۳۹۳). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر تهران. دین و ارتباطات ۲۱(۴۶)، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- ۲۲- کلمن، جیمز (۱۳۹۵)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه صبوری، تهران نشر نی.
- ۲۳- نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی). نشر بدر
- ۲۴- نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۱). بازنمایی خدا در بالگفای فارسی (تحلیل الهیات مردم‌پسند مجازی اینترنتی در ایران). فصلنامه دین و ارتباطات، ۱۹، ۱.
- ۲۵- نظیرپور، محمدنقی (۱۳۸۷)، ارزش‌ها و توسعه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 26- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007), "Social network sites: definition, history, and scholarship", Journal of Computer-Mediated Communication, 13(1: 210-230.
- 27- Pempek, Tiffany A., Yermolayeva, Yevdokiya A. Calvert, Sandra L. (2009), "College Students' Social Networking Experiences on Facebook", Journal of Applied Developmental Psychology, 30 : 227-238.
- 28- Wall, E., Gabriele, F., & Frans, S., (1998). Getting The Goods On Social Capital. Rural Sociology, 63 (۲).
- 29- Warner, F. (1999). social capital construction and the Role of Local state. Rural sociology 63.(۳)

بررسی نقش تبلیغات با رویکرد جامعه‌شناسانه شکل‌دهی در کنترل جمعیت ایران بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۵

کد مقاله: ۲۷۷۴۳

شکیبا رحمانی^۱

چکیده

آن‌چه که در مقاله حاضر خواهیم خواند در ابتدا خلاصه‌ای است از تعریف رویکرد جامعه‌شناختی شکل‌دهی و سپس با مطالعه مختصری از تاریخچه کنترل جمعیت در جهان و ایران به بررسی آماری جمعیت در دهه ۶۰ شمسی خواهیم پرداخت. موضوع مهمی که در این مقاله مدنظر قرار گرفته سرشماری جمعیت ایران در ابتدای دهه ۶۰ و فعالیت سازمان‌های مختلف در جهت کنترل جمعیت و در نهایت نتیجه این فعالیت با سرشماری جمعیت ایران در ابتدای دهه ۷۰ است. مقاله پیش‌رو قصد دارد نقش رسانه‌ها را در کاهش میزان زاد و ولد، پس از یک دهه تبلیغات در راستای شعار فرزند کمتر زندگی بهتر، مورد بررسی قرار دهد. غالب پژوهش‌هایی که در مورد جمعیت صورت گرفته، به تغییرات جمعیت در جوامع بشری، ایمن‌سازی فرآیند رشد یا کاهش جمعیت، پدیده‌های جانبی جمعیتی نظیر مهاجرت، باروری، مرگ و میر، بهداشت زنان و مواردی از این قبیل اختصاص یافته است. موضوعی که در این میان کمتر به آن پرداخته شده، نقش و اهمیت رسانه‌ها و تبلیغات در تبیین سیاست‌های جمعیتی در ایران و نتایج جامعه‌شناسانه آن است. از این رو ضرورت مطالعه این موضوع حس می‌شد که با تکیه بر اطلاعات و اسناد آماری ثبت‌شده به آن پرداخته‌ایم. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی، بررسی وضعیت ایران و جهان را از لحاظ آماری و نقش و اهمیت رسانه‌ها و تبلیغات در آگاه‌سازی افکار عمومی، به تحلیل جایگاه رسانه در اجرای سیاست‌های جمعیتی می‌پردازد و تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که آیا در این زمینه موفق عمل کرده یا خیر؟

واژگان کلیدی: رویکرد شکل‌دهی، تبلیغات، کنترل جمعیت، ایران

۱- مقدمه

پیرو تغییرات گسترده‌ای که طی قرن بیستم در ابعاد مختلف از جمله بهداشت و آموزش در جوامع قرن بیستم پدید آمد، جوامع با افزایش امید به زندگی روبه‌رو شدند که خود به افزایش قابل توجه جمعیت انجامید. با این حال منابع طبیعی و منابع دولت‌ها برای تأمین نیازها و سطحی از رفاه جمعیت، دارای محدودیت بود. این امر منجر به جستجوی راه‌حلی برای کنترل جمعیت رو به رشد بسیاری از جوامع شد. به همین دلیل روش‌های گوناگون تنظیم خانواده ابداع و مورد استقبال یا ترویج واقع شد. در ایران نیز پیرو رشد سریع جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۰۰ ه.ش/۱۹۶۶-۱۹۲۱ م از سال ۱۳۴۶ ه.ش/۱۹۲۲ م برنامه تنظیم خانواده در دستور کار قرار گرفت. با این حال در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی این برنامه مسکوت ماند و با سیاست‌های غیرمستقیم افزایش موالید تشویق شد. اما از آنجایی که به‌نظر می‌رسید دشواری‌هایی در تأمین نیازهای جمعیت به‌وجود آمده‌است، از سال ۱۳۶۸ ه.ش/۱۹۸۹ م برنامه تنظیم خانواده مجدداً پیگیری شد. در ادامه به نقش تبلیغات در این مسیر برای کنترل جمعیت خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه تحقیق

در پژوهش‌ها و مقالاتی که در رابطه با موضوع مقاله مطالعه شده‌اند با موضوعات متنوع و دیدگاه‌های متفاوتی مواجه می‌شویم که هر یک یاری‌دهنده نگارنده در این نوشتار بوده‌اند. تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی ایران، عنوان مقاله‌ای است که توسط محمد جلال عباسی شوازی و میمنت حسینی چاوشی به رشته‌تحریر درآمده است. در این مقاله به تحولات چشم‌گیر جمعیت‌شناختی بر مبنای ساختار سنی و جنسی جمعیت پرداخته شده‌است. با عنایت به این که برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در کشور، تحت تأثیر تحولات گذشته و وضعیت موجود و تغییرات آینده جمعیتی قرار دارد از این رو هرگونه برنامه‌ریزی جامع مستلزم مطالعات عمیق اجتماعی است. شوازی و حسینی چاوشی در این مقاله به برخی از پیامدهای تحولات باروری در ایران اشاره و راهکارهایی را برای سیاست‌گذاری جمعیتی پیشنهاد داده‌اند. محمود طالقانی، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی جامعه‌شناسی تحولات جمعیتی ایران در فصل‌نامه مطالعات جغرافیایی به نقش و اهمیت مسائل فرهنگی در تأمین رضایت افراد جامعه اشاره دارد و معتقد است که این رضایت‌مندی با توجه به امکانات موجود کشور ایمن‌سازی نشده‌است. محمود نجابتی حسینی، در ویژه‌نامه امنیت و توسعه معتقد است که در سیاست‌های امنیتی جمعیت، پارامترهای جمعیتی در سیاست‌گذاری ملی و عمومی حیاتی است و بر برنامه‌ریزی مدیران سیاست امنیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در تدوین این سیاست‌های برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. ابراهیم شفیع سروستانی در مقاله بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی، منتقد کاهش جمعیت در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی بوده و آن را ناشی از تغییر سبک زندگی مردم و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه بر جامعه می‌داند. وی خاطرنشان می‌سازد که برای افزایش جمعیت کنونی ایران باید از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز جامعه استفاده کرد تا با درپیش گرفتن راهبردها و سیاست‌ها، رسالت و مسئولیت خود را در جهت تغییر گفتمان در دو دهه گذشته در جامعه و همچنین زاد و ولد دوباره و اصلاح زمینه‌های فرهنگی به‌کارگیرند. علی ملکوتی‌نیا، محقق دیگری است که در مقاله بررسی و نقد اندیشه فرزند کمتر، زندگی بهتر در جامعه معاصر ایران با رویکرد اسلامی، نگاهی منتقدانه رو به کاهش جمعیت در دو دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی در ایران دارد و نظریه مالتوس را با فرهنگ اسلامی ایران مغایر می‌داند. از این رو پیشنهاد می‌کند که دولت با فراهم آوردن بستر اقتصادی مطلوب شرایط را برای افزایش نسل در جامعه کنونی ایران فراهم سازد.

۳- رویکردهای جامعه‌شناسی هنر

در مبحث جامعه‌شناسی، با رویکردهای متفاوتی روبرو هستیم. دو نمونه از این رویکردها که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند عبارتند از رویکرد بازتاب و رویکرد شکل‌دهی. در رویکرد بازتاب، هنرمند دورنمایی از یک فرهنگ یا موضوع خاص از جامعه را در قالب اثر هنری خود انعکاس می‌دهد و در واقع مخاطب می‌تواند با اندیشه در این اثر هنری، آن چیزی را که مدنظر هنرمند بوده دریافت کند. به عبارتی دیگر هنر مانند آینه‌ای جامعه معاصر خود را بازتاب می‌نماید و محتویات هنرها از ارزش‌ها و اعتقادات و جریان‌های موجود در جامعه‌ای که هنر در آن به وجود آمده، نشأت می‌گیرد (ترکاشوند ۱۳۸۷، ۱). نقطه مقابل رویکرد بازتاب، رویکرد شکل‌دهی است که در این روند، هنرمند به منظور ایجاد تفکر یا نگرش خاصی و یا به هدف هدایت افکار عمومی جامعه به سمت و سویی هدفمند، دست به انتشار اثر هنری می‌زند. به عبارتی دیگر، در این رویکرد، اعتقاد بر آن است که تأثیر آثار هنری بر جوامع معاصر خود انکارناپذیر بوده و این آثار به رفتارها، ارزش‌ها و تحولات اجتماعی شکل می‌دهد و می‌تواند ایده‌ها و افکاری را در ذهن مردم جای دهد (Alexander 2003, 35).

به‌طور کلی آثار هنری را می‌توان در مدیوم‌ها و دسته‌بندی‌های متعددی قرارداد از جمله فیلم، نقاشی، موسیقی، هنرهای چندرسانه‌ای، تئاتر، تبلیغات و غیره. در دسته تبلیغات هنرمندان مختلفی مشغول به فعالیت هستند که ملزم به رعایت پروتکل‌های خاص این شاخه از هنر می‌شوند. در وهله اول هنرمندان فعال در حوزه تبلیغات، جهت ایجاد روند رو به رشد و رسیدن به هدف، شروع به تدوین یک کمپین تبلیغاتی می‌کنند که این کمپین شامل موارد متعددی است. از جمله این موارد می‌توان به تولید محتوا، طراحی شعار تبلیغاتی، تعیین بازار هدف، تقسیم‌بندی مدیا با توجه به ضرورت در مقاطع مختلف، انتخاب بسترهای مختلف تبلیغات و غیره اشاره داشت. پس از طراحی کمپین و سنجش همه جانبه این موارد هنرمندان فعالیت عملی خود را آغاز می‌کنند.

باتوجه به رشد جمعیت و بالا رفتن نرخ زاد و ولد در ایران در دهه ۶۰ تا ۷۰ شمسی و احساس خطر از طرف دولت وقت، سازمان‌ها و نهادهای مختلف به یک کارزار مهم تبلیغاتی در جهت کنترل موالید وارد شدند که لازمه آن حضور افراد خبره و کارشناس در جهت هدایت این امر مهم بود. با برگزاری سمینارهای جمعیت‌شناختی و آماری و همچنین بررسی خطرات احتمالی که جامعه را از لحاظ اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، غذایی، مسکن، اجتماعی و غیره تهدید می‌کرد، ضرورت ایجاد این کمپین و تبلیغ در راستای فرزندآوری کمتر، احساس شد. آن‌چه که در رویکرد شکل‌دهی توضیح داده‌شد، هم‌راستا با این اهداف بود که در دهه ۶۰ شمسی به طور ضربتی از طرف دولت به مرحله اجرا درآمد که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

۴- تاریخچه کنترل جمعیت در جهان

بررسی متغیرهای جمعیت و تبیین پدیده‌های کنترل جمعیتی دارای سابقه‌ای طولانی است که به قرون پیشین برمی‌گردد. جان گرانث^۱، [آماردان و جمعیت‌شناس انگلیسی]، در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی و با توجه به میزان مرگ و میر در شهر لندن مطلبی تحت‌عنوان ملاحظات طبیعی و سیاسی بر لیست مرگ و میر، منتشر کرد که می‌توان آن‌را به‌عنوان اولین کار تجربی در زمینه جمعیت‌شناسی به‌شمار آورد. پس از آن رفته‌رفته دانشمندان و صاحب‌نظران معاصر او همچون ویلیام پتی^۲ و ادموند هالی^۳، کاری که گرانث آغاز کرده بود را با جمع‌آوری اطلاعات براساس آمار و ارقام، تحلیل‌های جمعیت و نیز شاخص‌های مدون تکمیل کرده که بعدها این روند جمعیت‌شناسی به‌شکل دقیق‌تر و پیچیده‌تری توسط پژوهش‌گران استمرار پیدا کرد (میرزایی ۱۳۷۵، ۷۰).

با این‌که گرانث در این مسیر پیش‌قدم بود، اما نخستین کسی که رشد سریع جمعیت را به‌عنوان یک خطر در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی مطرح کرد، اقتصاددان و کشیش انگلیسی، توماس روبرت مالتوس^۴ بود. به حساب مالتوس، جمعیت جهان که در سال ۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹هـ.ش، ۲٫۵ میلیارد نفر بود، در سال ۲۰۰۰م/ ۱۳۷۹هـ.ش از مرز ۶ میلیارد نفر خواهدگذشت. وی عقیده داشت که منابع غذایی جهان محدود و میزان آن در حد ثابتی است و باید انسان خود را با آن سازگار کند. به دنبال این پیش‌بینی شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" سر داده‌شد (حسینی طهرانی ۱۳۸۳، ۱۳۶).

یکی از راه‌هایی که مالتوس معتقد بود که از طریق آن می‌توان به کنترل و رشد بی‌رویه جمعیت احاطه پیدا کرد جلوگیری از بارداری بود. اما از آن‌جایی که وی برای رسیدن به این منظور با محدودیت و الزامات مذهبی مواجه می‌شد از رسیدن به راه‌کار مشخص عاجز ماند. به همین جهت شاگردان و طرفداران وی که بعدها نهضت نئومالتوزیانیسم^۵ را به وجود آوردند، وی را مورد انتقاد قرار دادند. نهضت تا جایی پیش رفت که در قرن نوزدهم بحث و جدل‌های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی را برانگیخت و کتاب‌هایشان ممنوع‌الانتشار شد. اما سرانجام در اواخر قرن نوزدهم میلادی این مقاومت کمتر شد و با تعدیل نظرات نئومالتوزین‌ها، کنترل باروری در اروپا شکل گرفت و به کاهش میزان باروری این منطقه انجامید.

۵- تاریخچه کنترل جمعیت در ایران

اولین سرشماری نوین ایران در سال ۱۳۳۵هـ.ش/ ۱۹۵۶م مشخص کرد که جمعیت ایران ۱۸/۹ میلیون نفر بود. بعد از سرشماری سال ۱۳۴۵هـ.ش/ ۱۹۶۶م و رسیدن جمعیت ایران به میزان ۲۶ میلیون نفر، آمار نشان داد که میزان رشد جمعیت ایران افزایش ناگهانی داشته و حکومت سلطنتی ایران که تاکنون مخالف مداخله دولت در امور باروری بود، سیاست کنترل جمعیت را پذیرفت و برنامه تنظیم خانواده ملی را در سال ۱۳۴۶هـ.ش/ ۱۹۶۷م بنیان گذاشت (Rudi 1999). با این‌که در سال ۱۳۴۰هـ.ش/ ۱۹۶۱م، شعار فرزند کمتر زندگی بهتر، همراه با برنامه تنظیم خانواده، به‌عنوان اولین برنامه کنترل جمعیت در ایران، از سوی دولت وقت به سطح رسانه‌ها و جامعه ایران راه یافته و آموزش آن در مراکز دانشگاهی به‌صورت جدی آغاز شده بود، شورای

1 John Graunt

2 William Pettv

3 Edmond Hallev

4 Thomas Robert Malthus

5 Neo-Malthusianism

تنظیم خانواده در سال ۱۳۴۶ هـ.ش/۱۹۶۷ م تأسیس شد و برنامه ملی تنظیم خانواده زیر نظر یکی از معاونت‌های وزارت بهداشت شروع به کار کرد (Deputy of health 2009).

چنانچه ذکر شد اوایل دهه ۱۳۴۰ هـ.ش/۱۹۶۱ م، که اولین مرحله تنظیم خانواده بود بر توانمندسازی زوج در انتخاب تنظیم خانواده و در دسترس قراردادن روش‌های پیشگیری متمرکز بودند. این پروسه که در سه مرحله تعریف شده بود در ادامه و در مرحله دوم و پس از تأسیس شورای تنظیم خانواده دغدغه اصلی دولت، یک برنامه فعال تنظیم خانواده و توزیع روش‌های پیش‌گیرانه از طریق کلینیک‌های عمومی بود. مرحله سوم که به موضوع مقاله حاضر نیز مرتبط است، طراحی و تنظیم یک برنامه تهاجمی بود که مبارزه عظیمی را از طریق تبلیغات و وسایل ارتباط جمعی شروع تنظیم خانواده و اثرات سوء رشد جمعیت بر رشد اقتصاد در اواسط دهه ۱۳۴۹ هـ.ش/۱۹۷۰ م، آغاز کرد (Aghajanian 1989).

طبق آمار رسمی سال ۱۳۵۹ هـ.ش/۱۹۸۰ م هزینه سالیانه دولت ایران در مورد برنامه تنظیم خانواده، دومین مقدار اختصاص داده شده در میان ۱۶ کشور جهان بود (Nortman and Hofstatter 1979). وضعیت جمعیت ایران در دهه آغازین پس از پیروزی انقلاب در طول دهه ۱۳۵۵ هـ.ش/۱۹۷۶ م تا دهه ۱۳۶۵ هـ.ش/۱۹۸۶ م، جمعیت ایران از ۳۳/۷ میلیون نفر به ۴۹/۴ میلیون نفر افزایش یافت که نشان‌دهنده متوسط رشد ۳/۹٪ در طول این سالیان بود. میزان باروری کلی نیز از ۶/۳ در سال ۱۳۵۵ هـ.ش/۱۹۷۶ م، به ۷/۱ در سال ۱۳۶۵ هـ.ش/۱۹۸۶ م، رسید (Statistics Center Of Iran 1998).

یکی از عوامل رشد جمعیت در این سال‌ها تا حدودی حضور پناهندگان افغان و همچنین کاهش مرگ نوزادان در دهه ۱۳۶۰ هـ.ش/۱۹۸۰ م بود. اما یکی از علل اصلی افزایش رشد جمعیت، جنگ هشت ساله ایران و عراق بود که مبحث تنظیم خانواده اولویت خود را از دست داده بود. البته این به معنی قطع کامل خدمات تنظیم خانواده نیست بلکه این خدمات صرفاً از طریق وزارت بهداشت به کلینیک‌های خصوصی و پزشکان محدود گردید. با توجه به این آمار پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ هـ.ش/۱۹۸۸ م، دولت متوجه شد روند رشد جمعیت در کوتاه مدت به انفجار جمعیت خواهد انجامید و به همین دلیل پس از جلب حمایت سه قوه و دیگر سیاست‌مداران سطح بالا، نیاز فوری به یک برنامه کنترل جمعیت در یک سمینار سه روزه تحت عنوان جمعیت توسعه، در شهریور ۱۳۶۸ هـ.ش/۱۹۸۹ م، در مشهد اعلام شد. جمعیت‌شناسان دانشگاهی و متخصصان از وزارتخانه‌هایی مانند کشاورزی، آموزش، اقتصاد و بهداشت از این فرصت برای تأکید بر نیاز یک برنامه‌ریزی قوی برای کنترل جمعیت استفاده کردند (Deputy of health 2009 , Aghajanian 1989).

به دنبال هشدار کارشناسان، سیاست کنترل موالید باز هم در اولویت قرار گرفت و دولت در سال ۱۳۶۸ هـ.ش/۱۹۸۹ م، برنامه‌ای به‌عنوان تنظیم خانواده ابلاغ نمود، که بر اساس آن وزارتخانه‌های بهداشت، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش و نیز صدا و سیما مسئولیت اجرای برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی گوناگونی را به منظور فرهنگ‌سازی برای کنترل جمعیت برعهده گرفتند. این برنامه با سه هدف کلی تدوین گردید: ۱. تشویق فاصله‌گذاری بین تولدها ۲. برحذر داشتن زنان از بارداری در سنین زیر ۱۸ سال و بیشتر از ۲۵ سال ۳. محدود کردن تعداد زایمان بین دو تا سه فرزند.

۶- سیاست دولت در جهت کنترل موالید دهه ۶۰

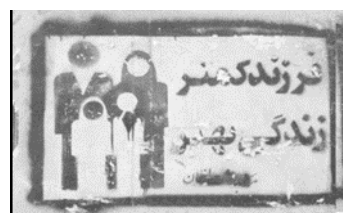
چنانچه پیشتر ذکر شد، رشد بی‌رویه جمعیت همان‌طوری که در سال‌های اخیر قابل مشاهده است، اگر ادامه پیدا می‌کرد جامعه را از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و آموزشی دچار بحران کرده و یک چالش جدی قلمداد می‌شد. بنابراین جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان بر آن شدند که با کسب مجوز از علماء و راضی‌نمودن قوای سه‌گانه و افراد شاخص و طراز اول مملکت طرحی را بر اساس نظریه مالتوس پایه‌ریزی کنند و با تبلیغات گسترده و همه‌جانبه افکار عمومی را به سمت داشتن فرزند کمتر سوق دهند. به این منظور عوامل و مادیوم‌های مختلف و متعددی مدنظر قرار داده شد که بتوان از طریق آنها به این مهم دست‌یافت. یکی از این ابزارها و مادیوم‌ها در این دهه، استفاده از رسانه‌های عمومی بود. دولت وقت در راستای این سیاست با بسیج کردن تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و اجرایی کشور در مدت زمان سال ۱۳۶۵ هـ.ش/۱۹۸۶ م تا ۱۳۷۱ هـ.ش/۱۹۹۲ م، سعی کرد که موضوع انفجار جمعیت را از طریق برنامه‌های گسترده کنترل نماید. در این زمان دولت وارد کارزار بزرگ تبلیغاتی شده، در ابتدا با مشخص نمودن بازار هدف و تعیین و تقسیم اقشار مختلف مردم، آغاز به حرکت در مسیر هدف نمود. برای رسیدن به این منظور از دستگاه‌های مختلف اجرایی و فرهنگی استفاده کرد که عبارت بودند از: سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان پزشکی، کمیته امداد امام خمینی و ...

به‌عنوان مثال می‌توان به برخی از فعالیت‌هایی که این سازمان‌ها انجام دادند اشاره نمود از جمله سازمان صدا و سیما، که با برنامه‌ریزی هدفمند اقدام به تولید و پخش تیزر و فیلم‌های آموزشی با محوریت فرزند کمتر زندگی بهتر نمود (پایگاه تحلیلی و خبری خانواده و زنان ۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش با برگزاری کلاس‌های آموزشی در دبیرستان‌ها برای جلوگیری از ازدواج و فرزندآوری زود هنگام جوانان در این راستا اقدام‌های مثبتی برداشت. وزارت بهداشت و درمان پزشکی، با اعزام نیروهای پزشکی و

مددکاری سیار در روستاها و شهرهای کوچکتر و تأسیس کلینیک‌ها و تأمین مایحتاج درمانگاه‌ها و مطب‌های پزشکان در خصوص آموزش و جلوگیری از باروری نیز به نوبه خود در این مسیر حرکت می‌نمود. از جمله سیاست‌های دیگر می‌توان به اعطای ۵۰ هزار ریال، به عنوان پاداش به خانواده‌های زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی دارای قدرت باروری در صورت توبکتومی یا وازکتومی اشاره نمود. همچنین در اولویت قراردادن این افراد در واگذاری مسکن، وام و هزینه‌های درمان، از سوی دیگر درخواست از روحانیون و کارشناسان بهداشت و درمان و رسانه‌های گروهی جهت ترغیب تنظیم خانواده و التزام به سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، از جمله این سیاست‌های تعدیلی بود (روزنامه خراسان، ۱۳۷۲). دیوار نوشته‌ها، شعارها بر روی بسته‌بندی‌های کالاها و اقلام مصرفی، تابلوهای عمومی در جاهای پرتردد و پربازدید شهرها، از جمله موارد دیگری بودند که در این سیاست سهم به‌سزایی داشتند. در تصاویر شماره ۱ تا ۴ می‌توان چند نمونه از این مثال‌ها را مشاهده کرد.



(تصویر شماره ۲): تابلوی ورودی شهر پیشبر، منبع: اینترنت



(تصویر شماره ۱): دیوارنگاری با رنگ و شابلون، منبع: اینترنت



(تصویر شماره ۴): بسته بندی کالا منبع: اینترنت



(تصویر شماره ۳): بسته بندی محصولات لبنی سپید منبع: اینترنت

در جدول زیر میزان رشد جمعیت و میزان باروری از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۵ را نمایش می‌دهد. این جدول حاکی از آن است که میزان رشد جمعیت قبل و بعد از سیاست کنترل موالید دارای نوسان بوده و نقش تبلیغات را در آن نمودار می‌سازد.

جدول ۱-میزان رشد جمعیت و میزان باروری کلی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
میزان رشد سالانه جمعیت	۲/۷	۳/۹	۱/۵
میزان باروری	۶/۳	۷/۱	۲/۹۸

نتیجه گیری

آنچه که در این مقاله به اختصار توضیح داده شد، روند حرکت رشد جمعیت در دهه ۶۰ شمسی به سمت کاهش آن از آنچه که پیش‌بینی شده بود به سوی تعدیل آن و همچنین عوامل موثر در این سیاست‌گذاری بود. به این معنا که در نهایت با گذشت یک دوره از آخرین سرشماری در ایران و پس از در پیش گرفتن سیاست کنترل موالید در کشور و اقدامات پیش‌گیرانه در تحدید موالید، در ابتدای دهه ۷۰ سرشماری دیگری انجام شد. نتایج این سرشماری حاکی از آن بود که بعد از اجرای سیاست کنترل موالید و ترویج شعار فرزند کمتر زندگی بهتر، نرخ رشد رو به انفجار جمعیت ایران به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. در برنامه اول توسعه مربوط به اواخر دهه ۶۰ هدف سیاست‌های مذکور جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت و کاهش نرخ باروری کل به ۲,۳ فرزند برای هر مادر تا سال ۱۳۹۰ ذکر شده بود که بسیاری از جمعیت‌شناسان براساس تجربه برنامه‌های کاهش باروری در سایر کشورها حصول به این هدف را در بازه زمانی تعیین شده دشوار بلکه غیرممکن می‌دانستند، درحالی که در کمال ناباوری این هدف یک دهه زودتر محقق شد؛ به‌طوری که در سال ۱۳۷۹ ایران به نرخ باروری نزدیک به سطح جایگزینی یعنی ۲,۲ فرزند برای هر

مادر رسید. آن چه که در سرشماری سال ۱۳۷۵ هـ.ش/۱۹۹۶ م آشکار شد این بود که جمعیت ایران با کنترل و هدایت سیستماتیک از سمت دولت به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته‌است و این آمار نشان از آن داشت که شیب تند رشد جمعیت ایران با سازمان‌دهی و حرکت هدف‌مند به کمک تبلیغات و حضور هنرمندان در این عرصه به شیب ملایم تبدیل شده و دولت را به هدف مشخص خود رسانده‌است.

منابع

- ۱- ترکاشوند، نازبانو، (۱۳۸۸)، «اثر هنری و رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴۰.
- 2- Alexander, Victoria 2003. Sociology of the arts exploring fine and popular forms. Melbourne & Berlin: Blackwell publishing
- ۳- میزرای، محمد، (۱۳۷۵)، «متغیرهای جمعیتی و فرهنگ»، ۷۰.
- ۴- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، (۱۳۸۳)، رساله نکاحیه، «کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکره مسلمین»، چ دوم، مشهد: موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف.
- 5- Roudi, F (1997), Surprising decline in Iran's growth rates. Popul Today. 25(11), p.4.
- 6- Deputy of health (2009), History of family planning in Iran. Family Planning Office. Ministry of Health and Medical Education. Tehran, Iran. [in Persian]
- 7- Aghajanian, A (1989), population policy, fertility and family planning in Iran.
- 8- Nortman, D and Hofstatter, E., (1979). Population and family Planning Programs: Supplementary Tablets to the ninth edition of Fack-book, New York: Population Council (Working Paper, Special Series, and No.2).
- 9- Statistins Center of Iran (1998), Populating Indexes of Iran 1956-1996 .
- ۱۰- روزنامه خراسان، ۵ شهریور، (۱۳۷۲)، کتابخانه ملی ایران. تاریخ مراجعه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸.
- ۱۱- پایگاه تحلیلی و خبری خانواده و زنان، ۲ اسفند ۱۳۹۰. تاریخ دسترسی ۲۰ خرداد ۱۳۹۸.
- ۱۲- عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی چاوشی، میمنت، (۱۳۸۱)، «تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی ایران»، معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰.
- ۱۳- طالقانی، محمود، (۱۳۷۱)، «بررسی جامعه‌شناسی تحولات جمعیتی ایران»، فصل‌نامه مطالعات جغرافیایی، شماره ۲۷.
- ۱۴- نجابتی حسینی، محمود، (۱۳۸۸)، ویژه‌نامه امنیت و توسعه، ۳۰ آذر.
- ۱۵- شفیع سروستانی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی»، فصل‌نامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹.
- ۱۶- ملکوتی‌نیا، علی، (۱۳۹۷)، «بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی»، فصل‌نامه معرفت، سال بیست و هفتم، شماره ۲۴۵.

قشربندی و نابرابری اجتماعی: بررسی دیدگاه ماکس وبر در رابطه با قشربندی اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۲

کد مقاله: ۸۱۶۵۲

محمدعلی امیرپورسعید^۱

چکیده

یکی از مفاهیم اساسی که لازم است در توصیف ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای بررسی و تحلیل شود، نظام قشربندی اجتماعی آن جامعه است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مروری-اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد که یافته‌های آن با مراجعه به منابع مختلف جمع‌آوری و طبق اهداف تحقیق دسته‌بندی شده است. جامعه‌شناسان برای توصیف نابرابری‌هایی که در جوامع بشری میان افراد و گروه‌ها وجود دارد، از قشربندی اجتماعی سخن می‌گویند. ما غالباً وقتی به قشربندی فکر می‌کنیم؛ چیزهایی مثل دارایی‌ها یا مالکیت را در نظر داریم اما قشربندی می‌تواند بر پایه ویژگی‌های دیگری مثل جنسیت، سن، اعتقاد دینی یا درجه نظامی نیز شکل بگیرد، از همین رو در این تحقیق سعی شده تا قشربندی و نابرابری اجتماعی از دیدگاه ماکس وبر شرح داده شود. کوشش عمده وبر این بود که تبیین جدیدی از نظام سرمایه‌داری معاصر در مقابل تحلیل اقتصادی مارکس که حاکی از تسلط ساخت زیربنا بر ساخت روبنا، سیاسی و فرهنگی است پیشنهاد کند. رویکرد وبر به قشربندی اجتماعی بر مبنای تحلیلی که مارکس پرورانید بنا می‌شود، ولی او این تحلیل را شرح و بسط داد. یکی از جنبه‌های مهم تحلیل وبر این است که قشربندی را به عوامل اقتصادی تقلیل نمی‌دهد بلکه آن را چند بُعدی می‌بیند.

واژگان کلیدی: قشربندی اجتماعی، ماکس وبر، طبقه، منزلت، حزب

۱- کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

نابرابری یکی از مانوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی است. در عین حال؛ نابرابری اجتماعی مسئله‌ای نیست که به سادگی حل یا تبیین گردد. در عوض این قلمرو بحث‌های طولانی و پیچیده‌ای را در مورد این پرسش برانگیخته است که آیا نابرابری در جوامع خوب است یا بد، طبیعی است یا طرح‌ریزی شده، پایدار است یا گذرا (گرب، ۱۳۷۳: ۹). یکی از مفاهیم اساسی که لازم است در توصیف ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای بررسی و تحلیل شود، نظام قشربندی اجتماعی آن جامعه است و مهم‌ترین تفاوت‌ها آن‌هایی هستند که به تعبیر جامعه‌شناسی، ساختاری^۱ شده‌اند و جزء لازم کنش متقابل اجتماعی و مستمر افراد هستند (انصاری، ۱۳۷۸). قشربندی اجتماعی یا نابرابری اجتماعی در ابتدا دارای چهار جنبه^۲ اساسی است: تفاوت گذاری^۳، رتبه‌بندی^۴، ارزیابی^۵ و پاداش‌دهی^۶ (همان).

اصطلاح قشربندی اجتماعی^۷ و نابرابری اجتماعی^۸ با کمی اغماض، دو واژه مترادف هستند و بسیاری از جامعه‌شناسان این دو را به جای هم به کار می‌برند. اصطلاح قشربندی از زمین‌شناسی گرفته شده است و عبارت است از دسته‌بندی ترتیبی انسان‌ها بر اساس تمایزات در وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به عبارت دیگر رتبه‌بندی افراد بر حسب شمار کیفیت‌های مطلوبی است که این افراد مشترکاً دارا هستند (همان). جامعه‌شناسان برای توصیف نابرابری‌هایی که در جوامع بشری میان افراد و گروه‌ها وجود دارد، از قشربندی/اجتماعی سخن می‌گویند. ما غالباً وقتی به قشربندی فکر می‌کنیم؛ چیزهایی مثل دارایی‌ها یا مالکیت را در نظر داریم اما قشربندی می‌تواند بر پایه ویژگی‌های دیگری مثل جنسیت، سن، اعتقاد دینی یا درجه نظامی نیز شکل بگیرد. افراد و گروه‌ها بر مبنای موقعیتی که در نظام قشربندی دارند، دسترسی متفاوتی (نابرابر) به پاداش‌ها و مواهب موجود در جامعه دارند. از این رو؛ قشربندی را به ساده‌ترین شکل می‌توان چنین تعریف کرد که نابرابری‌های ساخت‌یافته^۹ میان گروه‌بندی‌های مختلف مردم است. خالی از فایده نیست که قشربندی اجتماعی را چیزی شبیه لایه‌های زمین‌شناختی سنگ‌ها و صخره‌ها در پوسته زمین در نظر بگیریم. جوامع بشری را می‌توان مرکب از قشرهایی تصور کرد که به صورت سلسله مراتبی روی هم قرار گرفته‌اند و به قسمتی که بر خوردارترها در بالا و نا برخوردارها در پایین‌ترین لایه‌ها قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۰۸).

از آنجا که نابرابری اجتماعی پدیده‌ای جهانی است، اهمیت و درک آن به فهمیدن آداب و رسوم خاصی پایان نمی‌پذیرد بلکه این پدیده‌ای است که بر همه روابط اجتماعی میان انسان‌ها اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، به دلیل گسترده بودن نمودارهایی که به پراکنش نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌نمایند واکاوی این پدیده مسئله اجتماعی شناخته شده‌ای است و کوشش در جهت رفع آن نیز چندان آسان نمی‌نماید. پدیده نابرابری‌های اجتماعی در مراکز دانشگاهی موضوع بحث و درگیری‌های علمی بسیاری اندیشمندان جامعه‌شناس بوده است. اندیشمندان امروزی، به ویژه در مورد طبیعی یا غیرطبیعی بودن نابرابری‌های اجتماعی در جوامع مختلف؛ نظریه‌های فراوانی ارائه داده‌اند که تا اندازه‌ای با یکدیگر اختلاف دارند (کمالي، ۱۳۹۲: ۵). به لحاظ تاریخی چهار نظام اساسی قشربندی در جوامع بشری وجود داشته است: برده‌داری، نظام کاستی، نظام رسته‌ای و نظام طبقاتی (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۰۸).

برده‌داری^{۱۰} شکل افراطی نابرابری است که در آن بعضی از افراد به طور رسمی تحت مالکیت دیگران قرار دارند و مایملک آن‌ها محسوب می‌شوند. برده‌داری به مثابه یک نهاد رسمی تدریجاً از میان رفته است و امروز تقریباً به طور کامل از صحنه گیتی محو شده است. نظام کاستی^۹ عمدتاً به فرهنگ‌های شبه قاره هند و عقیده هندوها به تولد دوباره مربوط می‌شود. عقیده آن‌ها بر این است که افرادی که از پیروی مناسک و انجام وظایف کاست خود کوتاهی کنند، در تناسخ بعدی خود در موقعیت پایین تری متولد خواهند شد. نظام‌های کاستی به نوع تماس و معاشرتی که می‌تواند بین اعضای پایه‌های مختلف وجود داشته باشد ساخت می‌دهند (همان).

نظام رسته‌ای^۲ در تمدن‌های سنتی زیادی وجود داشته است؛ از جمله در فتودالیسم اروپایی رسته‌های فتودالی قشرهایی را تشکیل می‌دادند که وظایف و تعهدات متفاوت و نیز حقوق متفاوتی در قبال یکدیگر داشتند. در اروپا بلندپایه ترین رسته از اشراف سالاران و نجیب زادگان تشکیل میشد، روحانیون رسته دیگری را تشکیل می‌دادند و رعایا (سرف‌ها، کسبه و پیشه‌وران) رسته سوم را تشکیل می‌دادند. نظام‌های طبقاتی^{۱۰} از جهات بسیاری با برده‌داری، کاست و رسته‌ها تفاوت دارند. در تعریف طبقه می‌توانیم بگوییم که طبقه گروه بندی بزرگی از کسانی است که در منابع و امکانات اقتصادی مشترکی سهیم اند و این تأثیر زیادی بر

1 Structured
2 Differentiation
3 Ranking
4 Evaluation
5 Rewarding
6 Social Stratification
7 Social inequality
8 Slavery
9 Caste System
10 Class Systems

نوع سبک زندگی آنها می‌گذارد. مالکیت ثروت، همراه با شغل پایه‌های اصلی تفاوت‌های طبقاتی‌اند. طبقه‌ها از چند جهت با شکل‌های پیشین قشربندی اجتماعی تفاوت دارند:

- طبقه‌ها برخلاف سایر انواع قشرها، براساس امتیازهای حقوقی یا دینی یا نمی‌گیرند؛ عضویت در طبقه بر مبنای موقعیت موروثی که به صورت قانونی یا بر اساس رسم و سنت تعیین می‌شود، شکل نمی‌گیرد. نظام‌های طبقاتی نوعاً انعطاف‌پذیرتر از سایر انواع قشربندی‌اند و مرزهای میان طبقه‌ها هرگز روشن و قطعی نیست. هیچگونه ممنوعیت رسمی برای پیوند زناشویی میان افراد طبقه‌های مختلف وجود ندارد.
- طبقه هر فرد دست کم تا حدی اکتسابی است نه اینکه مثل آنچه در سایر انواع نظام‌های قشربندی عموماً دیده می‌شود؛ صرفاً به هنگام تولد معلوم باشد. تحرک اجتماعی^۱، بیش از سایر انواع نظام‌های قشربندی عمومیت دارد.
- طبقه‌ها به تفاوت‌های اقتصادی بین گروه‌بندی‌های افراد-نابرابری در مالکیت و کنترل منابع و امکانات مادی-بستگی دارند. در سایر انواع نظام‌های قشربندی، عوامل غیراقتصادی عموماً اهمیت بیشتری دارند.
- در سایر انواع نظام‌های قشربندی، نابرابری‌ها اساساً در روابط شخصی مبتنی بر وظیفه یا اجبار نمود میابند؛ مثل روابط شخصی بین ارباب و رعیت، خواجه و برده یا افراد کاست‌های بالاتر و پایین‌تر. در مقابل، نظام‌های طبقاتی عمدتاً بر مبنای پیوندهای کلان غیرشخصی عمل می‌کنند. برای نمونه؛ یکی از پایه‌های عمده تفاوت‌های طبقاتی در نابرابری دستمزدها و شرایط کار است، این نابرابری‌ها بر همه کسانی که در مقوله‌های شغلی معینی قرار دارند تأثیر می‌گذارد؛ تأثیری که نتیجه اوضاع و شرایط اقتصادی حاکم بر کل اقتصاد است(همان).

همانطور که می‌دانیم، قشربندی اجتماعی را می‌توان تقسیم کردن جامعه به لایه‌های مختلف دانست. زمانی که از قشربندی اجتماعی صحبت می‌کنیم؛ منظور موقعیت‌های نابرابری است که توسط افراد در جوامع مختلف اشغال می‌شوند. قشربندی و نابرابری در زمینه‌های مختلفی وجود دارد؛ مثل قشربندی براساس جنسیت یا سن که این دو مورد تقریباً در تمامی جوامع وجود دارد. تفکرات کارل مارکس و ماکس وبر، پیش درآمد اکثر تحلیل‌هایی است که از این موضوع(طبقه و قشر) می‌شود. جامعه‌شناسانی که در سنت مارکسیسم کار می‌کنند اندیشه‌های مارکس را اشاعه می‌دهند و دیگران نیز تلاش می‌کنند تا تفکرات و مفاهیم وبر را بسط دهند.

با توجه به مقدمات گفته شده در باب طبقه، نابرابری و قشربندی اجتماعی، در این تحقیق سعی شده است تا قشربندی و نابرابری اجتماعی را از دیدگاه ماکس وبر شرح دهیم. تحلیل ما در مورد افکار وبر بر این فرض استوار است که سهم عمده او در نظریه نابرابری اجتماعی، مرهون تلاش وی در ارائه نقدی مثبت و سازنده از عقاید مارکس، خاصه تفسیر مارکسیست‌های هم عصر خود از این عقاید است. وبر در بخشی از آثار خود، آراء مارکس را جرح و تعدیل کرد. اگر در تمام انتقادهای او مضمون مشترکی وجود داشته باشد؛ آن مضمون این است که توصیف و تبیین دقیق نابرابری و دیگر پدیده‌های اجتماعی، برخلاف عقیده بعضی از مارکسیست‌ها بسیار پیچیده تر و متنوع تر به نظر می‌رسد(گرب، ۱۳۷۳).

۲- دیدگاه برخوردی-غیرانتقادی و نظریه نابرابری اجتماعی ماکس وبر

نظریه‌های نابرابری اجتماعی وبر در جامعه‌شناسی، نظریه‌هایی تناوبی هستند که وبر در پاسخ به مارکس ارائه کرده است. اگرچه هدف نخستین وبر گسترش نظریه‌های مارکس بوده است، او با تفسیری که اندیشمندان پیرو دیدگاه کارکردی-غیرانتقادی درباره نابرابری اجتماعی ارائه داده بودند هم عقیده نبوده و نظر وی این بود که نظریه‌های جامعه‌شناسانه را از حالت جبرگرایی و یگانگی آنها رهایی بخشد و گانه‌های تازه‌تری به آنها اضافه نماید. بدین سبب، نظریه‌های وبر و آنانی که از شیوه او پیروی کرده‌اند به نظریه‌های چندگانگی^۲ معروفند(کمالی، ۱۳۹۲: ۹۷). نویسندگان گوناگون دیگر از جمله کائوتسکی، رابرتسون، سوروکین، آرون، برنشتاین، گرت و میلز، مارکوزه، پارسونز بندیکس و گولدرنر همه متفق القول‌اند که کوشش عمده وبر این بود که تبیین جدیدی از نظام سرمایه‌داری معاصر در مقابل تحلیل اقتصادی مارکس که حاکی از تسلط ساخت زیربنا بر ساخت روبنا، سیاسی و فرهنگی است پیشنهاد کند(انصاری به نقل از فرانک، ۱۳۷۸: ۲۴).

اگرچه همسانی فراوانی میان نظریه‌های نابرابری اجتماعی مارکس و وبر دیده می‌شود-شاید بدیهی‌ترین وجه تشابه مارکس و وبر استفاده از روش تاریخی در بررسی خاستگاه‌ها و رشد جامعه سرمایه‌داری جدید است(گرب، ۱۳۷۳: ۵۵)- تفاوت‌های میان این دو بیشتر از آن است که بتوان آنها را نادیده گرفت و نزدیک هم در یک رده گنجانید. بدون تردید بسیاری از نظریه‌های وبر از نظریه‌های مارکس بهره گرفته‌اند، ولی این امری طبیعی است چون سرچشمه نظریه‌های مارکس نیز نظریه‌های دیگران بود که مارکس تفسیر جدیدی برای آنها ارائه نمود و یا از آنها برای بررسی نکته‌های دیگر استفاده کرد. به همین ترتیب،

وبر نیز با دید تازه تری به بررسی نابرابری های اجتماعی پرداخت. بدون تردید آنچه وبر به جامعه‌شناسی ارائه کرده است کم اهمیت تر از نفوذ مارکس در جامعه‌شناسی نیست (کمالی، ۱۳۹۲: ۹۷).

ماکس وبر همانند همسانان خود بر برخورد میان نفع های گروهی در رابطه با شکل پذیری جامعه ها نیز تأکید فراوان داشته است و به همین سبب نظریه های وبر را نیز می توان نظریه های برخوردی نامید. ولی برخوردی که او از آن سخن می گوید با برخوردی که مارکس به تفسیر آن پرداخته است تفاوت بسیار دارد. درحالی که می توان گفت مارکس پژوهشگر روشن بینی بوده است و به بهبود جامعه بشری در آینده در شرایط سوسیالیستی امید فراوان داشته است، چنین خوش باوری را نمی توان در نوشته های وبر پیدا کرد. ماکس وبر بدینی ویژه ای داشت و جنبه بدینی نظریه هایش بیشتر متوجه زندگی اجتماعی در شرایط گسترش تأثیر سازمان های اجتماعی بوده است. وی بر این باور بود که تخمین هایی که ما از امکانات بشری در خصوص برابری اجتماعی و آزادی می زنیم، جملگی ناقصند و گویا نمی باشند. بنابراین بدینی وبر متوجه تأثیری است که دیوانسالاری بر زندگی انسان ها می گذارد؛ انسانی که در لایه لای تار و پود آن به زندگی ادامه می دهد (همان: ۹۸). گاه تفاوت بین وبر و مارکس بر سر مسائل محتوایی در جامعه‌شناسی نیست، بلکه بیشتر در مورد موضع سیاسی و عقاید متمایز آن ها نسبت به احتمال وقوع و ارزش انقلاب سوسیالیستی است. به علاوه اغلب تفاوت هایی که عده ای ادعا می کنند بین وبر و مارکس وجود دارد، در حقیقت اختلاف نظرهایی است که وبر با برخی از مارکسیست های هم عصر خود داشته است؛ یعنی پیروان مارکس که نظریه های او را تفسیر می کردند و برای تحقق اهداف خود به کار می گرفتند. حتی در این مورد منصفانه است که بگوییم قسمت عمده ای از آثار وبر، انتقاد مثبتی از مارکس و مارکسیسم است؛ یعنی کشمکش مفید با ماتریالیسم تاریخی (گرب، ۱۳۷۳: ۵۶).

تأثیر وبر بر گسترش نظریه های جامعه‌شناسانه و همچنین دیگر دانش ها را نمیتوان انکار کرد. بسیاری از جامعه‌شناسان امروز که خود را پیرو شیوه تفسیر مارکس و یا دیدگاه کارکردی می دانند، ناخودآگاه از روش وبر و تأکید آن بر چندگانگی بودن پدیده های اجتماعی یاری جسته و آن را سرمشق بررسی های خود قرار داده اند.^۱ برای نمونه پارسونز که از جمله رهبران دیدگاه کارکردی-غیرانتقادی به شمار می رود، با استفاده از بُعد پایگاه اجتماعی وبر در بررسی های خود نظریه نظام اجتماعی را پایه گذاری کرده است.^۲ همچنین برداشت و تفسیر وبر از طبقه های اجتماعی نیز مورد استفاده بسیاری از پیروان دیدگاه کارکردی قرار گرفته است و به همین دلیل آنان توانستند نظریه طبقه های گسسته مارکس را رد کرده، به طبقه های اجتماعی حالتی تدامی بخشند. این امر به این معنی است که جامعه‌شناسان پیرو دیدگاه کارکردی، طبقه های اجتماعی همجوار را به گونه ای می بینند که دارای توانایی ارائه گروه هایی هستند که ویژگی های هر دو طبقه را در برگیرد. بدین سبب جامعه‌شناسان کارکردی طبقه های اجتماعی را متداوم می بینند، با این تفاوت که آنان پایگاه اجتماعی را در رتبه های شغلی جستجو کرده؛ در حالی که تأکید وبر بر پایگاه اجتماعی جهان شمول تر است. تفسیری که وبر از نابرابری های اجتماعی ارائه می دهد، خرده گیری خوشبینانه از نظریه مارکس است. اشاره وبر بر پیچیدگی و چندگانگی بودن نابرابری اجتماعی دارای اهمیت دیدگاهی است و کاربرد فراوانی دارد (کمالی، ۱۳۹۲: ۳۲ و ۱۳۳).

۳- پیچیدگی و چندگانگی در نابرابری های اجتماعی

آشکار است که آراء بدیل وبر در مورد ساختار اجتماعی تا اندازه ای ناشی از عکس العمل او نسبت به مارکسیسم بیش از حد ساده شده یا عوامانه است. بنابراین ویژگی پایدار جامعه‌شناسی وبر، اعتقاد او به این امر است که فرایندها و نیروهای اجتماعی همیشه پیچیده اند و آن ها را به ندرت می توان به سادگی تبیین کرد (گرب، ۱۳۷۳: ۶۴). نکته بارز در بررسی های نابرابری اجتماعی از دیدگاهی که وبر با آن برخورد مینماید این است که انگارش وی در مورد وجود چنین پدیده ای در جامعه از زاویه های گوناگون سرچشمه گرفته است. به دیگر سخن، وبر بر این باور بود که نابرابری های اجتماعی تنها بر پایه های اقتصادی استوار نیستند و شاخص آنها را می توان در زمینه های دیگر همچون سیاست، مذهب و دیگر پدیده های اجتماعی که در روند نابرابری اجتماعی نقش مهمی دارند جستجو نمود. بنابراین آنچه را ریشه غیراقتصادی داشته باشد نمی توان از جمله سازه های دومی دانست و یا آنها را بازتابی از پدیده های اقتصادی شمرد؛ زیرا این نیروها خود به صورتی پویا و بی واسطه در جامعه کاربرد دارند. وبر بر این باور بود نیروهای غیراقتصادی گهگاه بر پدیده های اقتصادی نیز چیره گشته، حتی آنها را رهنمون می گردند (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۰۰ و ۹۹).

فهمیدن تفسیر وبر از نابرابری های اجتماعی نیاز به فهمیدن شیوه بررسی های او در زمینه های نظری دارد. کوشش وبر در روشن ساختن پایه های نظری اندیشه های خود او در تفسیری که وی در مورد رابطه های اجتماعی و طبیعت پدیده های اجتماعی ارائه می دهد به خوبی دیده می شود. بنابراین پیش از اینکه به آنچه وبر درباره نابرابری های اجتماعی نوشته است بپردازیم، لازم

۱- برای نمونه می‌توان از گرت، میلز و پارسونز نام برد.

2. Parsons, Talcott (1951)

است اندکی به بررسی پایه های اندیشه ای او در این زمینه بپردازیم. برای روشن شدن این نکته، چند مورد باید ذکر گردد. نخستین اشاره وبر به تفاوت میان رابطه های احتمالی^۱ و رابطه های علی چندانگانه^۲ است. دیگر اینکه وبر پافشاری ویژه ای بر رابطه میان جنبه های ذهنی^۳ و جنبه های حقیقی (عینی)^۴ در زندگی اجتماعی دارد. نکته سوم همان چندانگانه بودن ریشه هایی است که به پیدایش نابرابری اجتماعی می انجامد. این امر به ویژه در جوامع سرمایه داری پدیده هایی از جمله طبقه و پایگاه اجتماعی^۵ و دسته بندی های گوناگون را در بر می گیرد. بر پایه آنچه در بالا آمده است، درهم آمیختن چنین چارچوب فکری با یکدیگر، بر پیچیدگی تفسیر اجتماعی از نابرابری های اجتماعی می افزاید و از آنجایی که هر برآیندی از این درهم آمیزی به دسته و یا طبقه اجتماعی ویژه ای با میزان قدرت و نیروی چیره شدن بر دیگران می انجامد، ساخت های اجتماعی بر پایه روابط اجتماعی میان طبقه ها پیچیده تر از آن می شود که بتوان آنها را تنها به پایه های اقتصادی محدود نمود. از اینجاست که وبر چیرگی بر رابطه های اقتصادی را تنها یکی از رکن های طبقه بندی اجتماعی می دانسته است (همان: ۱۰۰ و ۱۰۱).

۴- وبر: طبقه^۵، منزلت^۶ و حزب^۷

تفاوت عمده وبر با مارکس در این است که وی معتقد بود در ساختار طبقاتی، بیش از دو طبقه مهم وجود دارد. این نظر در مورد ساختار طبقاتی، فقط یکی از عناصر تحلیل کلی تر وبر از نابرابری اجتماعی به مثابه پدیده ای کثرت گراست. به عقیده وبر در تحلیل نابرابری طبقاتی باید دو مقوله دیگر را نیز در نظر گرفت: منزلت و حزب. این دو مقوله به لحاظ مفهومی با طبقه متفاوت اند ولی میتوانند در جوامع حقیقی، با تمایزهای طبقاتی به طور متقاطع برخورد کنند (گرب، ۱۳۷۳: ۷۷).

طبقه در تلقی مارکسی اش به عنوان یک پدیده همبسته با سازمان اجتماعی مورد نظر است ولی در مطالعات وبر [به این شکل] مورد بحث قرار نمی گیرد. آنچه بیشتر در تعریف مارکس مورد توجه است، قبول جبر اقتصادی در برخی جنبه های رفتار طبقاتی^۸ است (ریزمن و ماریانو اف، ۱۳۸۳: ۳۸). به عقیده وبر، طبقه دسته هایی از افراد هستند که از لحاظ نفوذ اقتصادی و قدرت فروش کالا و مهارت در نظام اقتصادی مشخص، متفاوتند (گرب، ۱۳۷۳: ۷۸). وی طبقه را نوع خاصی از قشر بندی بر اساس مالکیت اقتصادی و وضعیت ظاهری زندگی و حالت ذهنی تعریف کرده است (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۵). طبقه عبارت خواهد بود از هر نوع گروه متشکل از اشخاص دارای موقعیت طبقاتی همانند تشکیل طبقه نه موکول به اینکه طبقه مذکور دارای ساخت یا وحدت خاصی باشد. این ها ممکن و یا حتی محتمل است تأثیر داشته باشند ولی به هیچ وجه برای تشکیل طبقه واجب نیستند. برای تشکیل طبقه کافی است که تعدادی از افراد پراکنده یا مجموعه ای از افراد که تعلق آنان را نمی توان به دقت تعیین کرد، در موقعیت طبقاتی واحدی قرار گیرند (همان به نقل از گوروچ). وبر طبقه های اجتماعی را به مثابه طبقه هایی اقتصادی قلمداد می کند که اعضاء آنها حس آگاهی گروهی و ذهنی نسبت به پایگاه طبقاتی مشترکشان دارند و البته همه اعضاء به طور یکسان از این حس آگاهی برخوردار نیستند؛ ولی آگاهی ذهنی عنصر اساسی گروه منزلتی است. در اینجا تفاوت عمده این است که گروه های منزلتی بر اساس آبروی اجتماعی از یکدیگر متمایز می گردند نه بر اساس عوامل اقتصادی. با وجود این هرگاه قدرت اقتصادی بنیانی برای آبروی اجتماعی و آگاهی ذهنی باشد، طبقه اجتماعی همان گروه منزلتی خواهد بود. بنابراین وبر معتقد بود که گروه منزلتی، نزدیک ترین چیز به طبقه اجتماعی است (گرب، ۱۳۷۳: ۷۸). در نظریه وبر، منزلت به معنای تفاوت در میزان احترام یا شأن اجتماعی است که دیگران به افراد و گروه ها نسبت می دهند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۱۳).

از رابطه ای که بین طبقه اجتماعی و گروه منزلتی وجود دارد، آشکار است که وبر نمی خواهد نظام های اقتصادی و اجتماعی در جوامع واقعی را جدا از یکدیگر ترسیم کند. در واقع افراد می توانند رتبه مشابهی در هر دو نظام داشته باشند و این امری است که اغلب رخ می دهد (گرب، ۱۳۷۳: ۷۸). وبر میان منزلت اجتماعی و طبقه اقتصادی هم تمایز قائل است. به نظر او طبقات براساس روابطی که با تولید و دستیابی به کالاها دارند قشر بندی می شوند، حال آنکه گروه های منزلت براساس اصول مصرف آن کالاها چنانکه در شیوه های زندگی خاص متجلی میشود، قشر بندی می گردند (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۶). وبر به طور مفصل دو بُعد "منزلت" و "حزب" را مورد بحث قرار داده است؛ اولی [منزلت] مرتبط با احترام اجتماعی یا پرستیژ و دومی مرتبط با قدرت اجتماعی^۹ است. غالباً سه وجه از واقعیت باهم درآمیخته بودند، هم ملاکی که آنها را مشخص می کرد و هم شکل های اجتماعی که نوعاً بروز می کردند. در عین حال با پافشاری بر این سه بخش جدا از هم، وبر قادر به تبیین رفتار در یک زنجیره بی واسطه متصل به هم شد. لازمه تبیین مارکس، غالباً جذابیت گمراه کننده ای بود که به عوامل اقتصادی، صرفاً به عنوان یگانه علت تبیین مسائل اجتماعی

- 1 Causal pluralism
- 2 Subjective aspects
- 3 Objective aspects
- 4 Social status
- 5 Class
- 6 Status
- 7 Party
- 8 Class behavior
- 9 Social power

نگاه می‌کرد. شرح و بسط آگاهانه و بر از مفهوم مارکسی طبقه، با معنی و مفهوم گسترده تری منجر به تحلیل طبقه شد. ساختار غیرقابل تغییر سیستم قشربندی می‌تواند همچون جریان‌های پویایی که متصل به هم هستند، قلمداد شده و نیز می‌تواند به وسیله تحلیل ویر آسان‌تر از تحلیل مارکس مورد بررسی قرار گیرد. دیدگاه ویر از یک نظر می‌تواند به عنوان مقیاس دو حد افراط و تفریط یک تئوری «عینی» و «ذهنی» مورد توجه قرار گیرد. مارکس نمایندهٔ اولی [عینی] است. بر این اساس، افراد به وسیلهٔ نیروهای اجتماعی و اقتصادی مربوطه به درون طبقات رانده می‌شوند. در این دیدگاه تأکید نسبتاً کمی بر دیدگاه ذهنی می‌شود؛ دیدگاهی که متکی بر درک و دریافت افراد از خود و چگونگی وضعیت‌شان است. از دیدگاه «ذهنی» طبقات نهایتاً تنها در آگاهی و شعور افراد به وجود می‌آید. هیچکدام به تنهایی دارای ارزش نمی‌باشند. از جنبهٔ ذهنی، او معتقد بود که ارزیابی و تعبیر فرد از موقعیت طبقاتی‌اش بر اساس جلوهٔ این خودفهمی‌ها^۱ در رفتار فرد تجلی یافته و اعتبار می‌یابد. هرچند غالب اوقات او اذعان می‌نمود که اهداف و تعابیر شخصی فرد به لحاظ واقع‌نگری همیشه مورد استناد نیست. البته بارها اتفاق افتاده است که در تعیین طبقه، نیروهای قوی‌تر اجتماعی به طور عینی، بدون توجه به باور اشخاص نقش داشته‌اند. این تمایزات جزئی به طور سیستماتیک توسط ویر مورد بازشناسی قرار گرفته و مبنای دیدگاه کلی‌اش از سازمان اجتماعی قرار داشت. درحالی که طبقه به طور عینی به وسیلهٔ فرایندهای اقتصادی عقلایی بازار تعیین می‌شود. منزلت و حزب بیشتر بازتاب دهندهٔ امور ذهنی است و توسط هنجارها و وفاق اجتماعی جمع‌گونه تعیین می‌شوند (ریزمن و ماریانو اف، ۱۳۸۳: ۳۹ و ۴۰). به زبان ویر، احزاب «انجمن‌هایی» داوطلبانه‌اند و به طور منظم برای پیگیری منافع جمعی سازماندهی می‌شوند (گرب، ۱۳۷۳: ۸۰). همانند اعضای گروه‌های منزلتی و طبقه‌های اجتماعی، اعضای احزاب دارای حس آگاهی گروهی و همبستگی هستند. در حقیقت گروه‌های منزلتی یا طبقه‌های اجتماعی، در شرایط خاص می‌توانند احزاب نیز باشند؛ مشروط بر اینکه آنها ساختاری عقلانی و سازمان رسمی و کادری اداری را بسط دهند. این مشخصه‌های سازمانی، آن چیزی است که در واقع حزب را از دو مفهوم دیگر جدا می‌سازد (همان: ۸۰ و ۸۱). احزاب همچون طبقه‌های اجتماعی و گروه‌های منزلتی، جنبه‌های متمایزی از ترکیب پیچیده نیروهایی هستند که در ساختار اجتماعی عمل می‌کنند و آن را شکل می‌دهند (همان) حزب‌ها همواره ساختارهای مبارزه برای سلطه‌اند (ریترز به نقل از گرث و میلز، ۱۳۹۵: ۱۸۴) بنابراین حزب سازمان یافته‌ترین عنصر نظام قشربندی ویر است. ویر احزاب را به مفهوم بسیار وسیعی نه تنها شامل آنهایی که در دولت‌اند بلکه شامل آنهایی که در محافل اجتماعی‌اند نیز در نظر می‌گیرد. احزاب معمولاً ولو نه همیشه نمایندهٔ طبقات و گروه‌های منزلتی‌اند (همان).

در مقایسه با مارکسیست‌هایی که بر قدرت اقتصادی به مثابهٔ تنها نیروی مؤثر در مطالعهٔ نابرابری تأکید می‌کنند، ویر به سه بنیان اصلی قدرت توجه می‌کند؛ بنیان‌هایی که مجموعه‌ای از منافع را بوجود می‌آورند و ماهیت و میزان نابرابری را تعیین می‌کنند (گرب، ۱۳۷۳: ۸۰). به طور خلاصه ویر برای قشربندی اجتماعی سه بُعد اقتصادی، منزلت و قدرت را در حالی که در کنش متقابل هستند ولی به صورت مجزا بررسی می‌کند. طبقه و گروه‌های منزلت به اقتصاد و نظم اجتماعی و توزیع قدرت سیاسی به حزب تعلق دارد. مثلث وبری "منزلت، ثروت و قدرت" برای مطالعه نابرابری اجتماعی و ساخت طبقاتی امری اجتناب‌ناپذیر است (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۶).

۵- طبقات چندگانه و نابرابری اجتماعی در نظام سرمایه داری، عقلانیت و نظام بوروکراسی

با درنظر گرفتن دو عنصر اضافی یعنی آگاهی ذهنی و تعداد زیادی طبقهٔ اقتصادی که به عقیدهٔ ویر در نظام سرمایه داری وجود دارند، در هم ادغام میشوند و تبدیل به مجموعه‌ای محدود می‌گردند که متشکل از چهار طبقه است (گرب، ۱۳۷۳: ۷۵) ویر بر این باور بود که طبقه‌های اجتماعی را برعکس آنچه مارکس به آن ایمان داشت، نمی‌توان تنها بر پایه‌های اقتصادی آنها به دو دسته داراها (مالکان وسایل تولید) و ندارها (آنانکه فاقد مالکیت وسایل تولید هستند) تقسیم نمود (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) در واقع تمایزی که ویر و مارکس بین صاحبان دارایی و آنهایی که دارایی ندارند قائل می‌شوند، با افزودن دو طبقهٔ دیگر کامل‌گشت (گرب، ۱۳۷۳: ۷۵) این امر بدین معنی است که نخست بورژوازی به دو طبقه تقسیم می‌شود که یکی دارایی بسیار زیادی را کنترل می‌کند، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و دیگری دارایی تولیدی تقریباً کمی در اختیار دارد، یعنی خرده بورژوازی. ویر تهی‌دستان را نیز به دو دسته تقسیم کرد: آنها که مهارت دارند و آنرا برای فروش به بازار عرضه میکنند و آنها که به جز نیروی کار، هیچ در اختیار ندارند (همان) در اینجا تفاوت‌ها بیشتر بر پایهٔ مهارت و کاردانی افراد است که خدمات خود را در بازار کار به فروش می‌رسانند (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۱۳) وجه تمایز اصلی در اینجا، بین طبقهٔ کارگر است؛ یعنی آن عده‌ای که فقط نیروی کار در اختیار دارند و عده‌ای دیگر که مهارت‌های با ارزشی در مقام متخصص‌ها و تکنسین‌ها و کارمندان اداری یا یقه‌سپیدها و کارمندان دولت برای فروش در بازار دارند (همان).

1 Self-conceptions

2 The Rational Economic processes of the market

یکی از هدفهای اصلی جامعه‌شناسی ماکس وبر، فهم علمی از منشأ و ماهیت جامعه سرمایه داری و بررسی بوروکراسی به عنوان یکی از عناصر اصلی جوامع نوین بوده است. به نظر ماکس وبر چند سازه و پدیده تاریخی مهم سبب گسترش سرمایه داری در اروپای غربی شدند. این سازه‌ها عبارت بودند از: (لهسایی زاده، ۱۳۷۷: ۳۵) ۱- فرآیند صنعتی شدن با جایگزینی شکل های نوین کارمایه (انرژی) به جای نیروی عضلانی انسان. ۲- پیدایش نیروی کار آزادی به ناچار بود یا در بنگاه های تجاری به کار بپردازد یا گرسنگی بکشد. ۳- افزایش به کارگیری شیوه های محاسباتی عقلایی در فعالیت های صنعتی. ۴- پیدایش بازار آزادی که محدودیت های غیرمنطقی، دست و پاگیر آن نبود. ۵- تحمیل تدریجی و مشروعیت یک نظام قانونی قابل اعتماد. ۶- افزایش تجارت پیشگی زندگی اقتصادی، با استفاده از اوراق سهام و دیگر ابزارهای کاغذی. ۷- پیدایش روحیه سرمایه داری.

وبر با پرداختن به یک واقعیت تجربی نسبتاً ساده یعنی پیدایش تفاوت های میان پروتستان ها و کاتولیک ها در اروپای سده نوزدهم، تأکید داشت که حتی با فرض پیدایش منحصر به فرد برخی از پدیدارهای مهم (مانند کار آزاد، قانون عقلایی، استقلال سیاسی شهرها و صنعتی شدن اولیه)، مهم ترین سازه مفروض مهم در پیدایش سرمایه داری به عنوان یک نظام اقتصادی، رواج و گسترش آداب و رسوم نوین فرهنگی است که وبر آن را روحیه سرمایه داری ۱ نام نهاد (همان). وبر پس از اینکه چگونگی پیدایش نظام سرمایه داری در یک جامعه صنعتی را به نمایش درآورد، به جستجوی یکی از مهم ترین بازتاب های پیدایش این نظام در جوامع نوین پرداخت. از دید او، نظام بوروکراسی مهم ترین جنبه نظام سرمایه داری صنعتی است (همان) وبر معتقد بود که در توسعه تاریخی جوامع، کنش اجتماعی به طور فزاینده ای عقلایی می شود- یعنی به طور منطقی و حساب شده و عقلانی متوجه کسب منافع خاصی است. به عقیده وبر، گرایش پایدار به سوی کنشهایی که انگیزه های عقلانی دارند و در نتیجه به سوی ساختارهایی اجتماعی که سازماندهی عقلانی دارند، وجود دارد. این امر را می توان به واضح ترین شکل در قلمرو اقتصادی نظام سرمایه داری مشاهده کرد (گرب، ۱۳۷۳: ۸۶). به نظر وبر، بوروکراسی های عقلانی شده بازیگران اصلی در مبارزه برای دستیابی به قدرت اند. آنها شامل مشاغل یا مقام هایی اند که وظایف مشخصی را انجام می دهند و در قالب سلسله مراتبی براساس اقتدار یا قدرت تصمیم گیری قرار گرفته اند؛ مدیریت سازمان مبتنی بر مدارک کتبی یا پرونده هاست و فعالیت های سازمان طبق مجموعه ای از مقررات یا قوانین اداری صریح انجام می گیرد (همان: ۸۷). وبر بر این باور بود که چنین کارکردی از توجیه عقلایی ویژه ای برخوردار است که سبب کارکرد روان آن سازمان میگردد (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). چنین سازمانی تقریباً شبیه ماشین عمل میکند و عقلانی ترین و کارترین ابزاری است که تا به حال برای اداره کردن فعالیت های اجتماعی به وجود آمده است (گرب، ۱۳۷۳: ۸۷). اما وبر معتقد است که بوروکراسی در جوامع کنونی به صورت قفس آهنین انسانها درآمده، آزادی را از آنها گرفته و آنها را به موجوداتی از خود بیگانه تبدیل کرده است. در آغاز سده بیستم، وبر به روشنی می دید که در آینده یک نظام عقلایی و قانونی به نام بوروکراسی در حال رشد است که چیرگی خود بر جنبه های زندگی اجتماعی را گسترش خواهد داد (همان).

۶- دیدگاه ماکس وبر در زمینه قشربندی اجتماعی

تئوری قشربندی اجتماعی وبر، حول دو محور اساسی شکل گرفته بود که به وسیله این دو محور مشخص میشد. نخست این که قشربندی تجسم توزیع نابرابر قدرت ۲ است. به بیان دیگر وضعیت در هریک از مراتب اجتماعی به وسیله قدرت تثبیت می شود؛ که این وضعیت تثبیت شده می تواند در مقایسه با دیگر وضعیت ها قرار گیرد. وبر قدرت را به عنوان شانس یک فرد یا تعدادی از افراد در اعمال خواسته های خود در کنش جمعی با وجود مقاومت دیگران تعریف می کند. در تعریف قدرت، عملی بودن اعمال قدرت به تنهایی کافی نیست...؛ تأکید بر قدرت به طور جالب توجهی مبتنی بر معنای تئوری قشربندی وبر است که غالباً در نگاه بسیاری از جامعه شناسان مورد غفلت قرار گرفته است (ریزمن و ماریانو اف، ۱۳۸۳: ۴۰). رویکرد وبر به قشربندی اجتماعی بر مبنای تحلیلی که مارکس پرورانیید بنا میشود، ولی او این تحلیل را شرح و بسط داد و تعدیل کرد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۱۲) یکی از جنبه های مهم تحلیل وبر این است که قشربندی را به عوامل اقتصادی تقلیل نمی دهد بلکه آن را چند بُعدی می بیند (ریترز، ۱۳۹۵: ۱۸۲). جامعه شناسی قشربندی اجتماعی وبر واکنشی به جامعه شناسی مارکس است؛ اما تکمیل کننده آن نیز میباشد. وی نابرابری های اجتماعی را بصورت تضاد و برخورد می دید البته نه بدین معنی که تضاد موجود میان مالکان وسایل تولید و کارگران، تنها تضاد یا مهم ترین تضاد جوامع نوین است. به نظر او، گروه های متفاوت یا افرادی با منافع گوناگون می توانند پایه ایجاد تضادها و برخوردهای اجتماعی باشند. همچنین در باور وبر، پایه روابط متضاد می تواند در تفاوت های اجتماعی، مادی، سیاسی و... نهفته باشد. در رابطه با این تفاوت ها، مسائل سیاسی و سازمانی مهمتر از بقیه به نظر می رسد (لهسایی زاده، ۱۳۷۷: ۳۴).

از نظر وبر، قشربندی اجتماعی صرفاً به طبقه مربوط نمی شود بلکه از دو وجه دیگر نیز تشکیل می شود: منزلت و حزب. این سه عنصر همپوشان قشربندی اجتماعی می توانند به تعداد زیادی از موقعیت های ممکن در جامعه منجر شوند، نه فقط مدل دو

قطبی خشک و انعطاف ناپذیری که مارکس مطرح می‌کرد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۱۳). هرچند که وبر این دیدگاه مارکس را پذیرفت که طبقه بر مبنای شرایط اقتصادی عینی بنا می‌شود، اما مجموعه متنوعی از عوامل اقتصادی گوناگون را در شکل‌گیری طبقه دخیل می‌دانست؛ عواملی که مارکس آنها را به حساب نیاورده بود. طبق نظر وبر، تقسیم بندی های طبقاتی نه فقط از کنترل یا فقدان کنترل ابزارهای تولید بلکه از آن تفاوت های اقتصادی نیز نشئت می‌گیرد که هیچ ارتباط مستقیمی با دارایی ها ندارند (همان). به نظر وبر، باید بین «موقعیت طبقاتی» و «طبقه» تفکیک قائل شد و میان آنها فرق گذاشت. همچنین پیشنهاد می‌کند تا سه نوع طبقه را از هم تفکیک کرد: (گورویچ، ۱۳۵۷: ۱۴۴ و ۱۴۵).

الف) طبقاتی که بنیاد تعریف آنها تملک ثروت است و موقعیت طبقاتی آنها قبل از هر چیز از نظر مالکیت مشخص می‌گردد؛ ب) طبقاتی که بنیاد تعریف آنها شیوه های دسترسی است و شانس های افراد در استفاده از اموال و کالاهای موجود در بازار، قبل از هر چیز موقعیت طبقاتی آنها را تعیین می‌کند؛ ج) طبقات اجتماعی که بر مجموعه موقعیت های طبقاتی مبتنی هستند و بین آنها مبادلات است و در عمل نیز مبادلاتی چه از نظر اشخاص و چه از نظر جانشینی نسل ها انجام می‌پذیرد.

دیدگاه وبر، نقطه رویارویی دیدگاه دورکیم درباره قشربندی اجتماعی نیز هست؛ اما همانند نظر دورکیم، غیرانتقادی می‌باشد. برای نمونه، وبر تأکید نمی‌کند که افراد چیره در راستای یکپارچگی گروهی رفتار می‌کنند بلکه بر این باور است افراد، در چارچوب منافع مادی و آرمانی خویش زندگی می‌کنند. علاوه بر این، وبر با تمرکز بر روی یکپارچگی و کارکرد کل، تقسیمات و عناصر جداگانه جوامع انسانی را از نظر دور نداشته است. در واقع ماکس وبر، نظریه ای ترکیبی را به خدمت می‌گیرد که جامعه را بصورت گروه های حاکم و محکوم در مجموعه ای پیچیده در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، دیدگاه او از قشربندی اجتماعی چند بُعد دارد. این پیچیدگی و چند بُعد بودن نظریه وبر، به دلایل گسترش نظام سرمایه داری و چارچوب های بوروکراسی در جوامع نوین برمیگردد (لهسای زاده، ۱۳۷۷: ۳۵).

جامعه شناسی قشربندی اجتماعی ماکس وبر، از یکسو نمود "جامعه شناسی سلطه" است که در آن، از توزیع قدرت بحث به میان می‌آید. از سوی دیگر نیز نتیجه واکاوی وی از طبقه ها و گروه های هم پایگاه در جوامع نوین است. وبر کار خود را با اصطلاح «اجتماع سیاسی»، یعنی دولت های ملی نوین آغاز می‌کند. در درون این اجتماعات، طبقه ها و گروه های هم پایگاه برای دستیابی به کالاهای و خدمات به رقابت می‌پردازند. در برخی موارد، طبقه ها می‌توانند به عنوان ترکیبی از کسانی تعریف شوند که موقعیت های اقتصادی یکسانی در جامعه دارند؛ در صورتی که گروه های هم پایگاه، از افرادی تشکیل شده که سطوح یکسانی از موقعیت اجتماعی را دارا می‌باشند (همان: ۳۷).

قشربندی اجتماعی در دانش اقتصادی-اجتماعی ماکس وبر مبتنی بر توزیع نابرابر قدرت است، قدرت احتمال واقیبت بخشیدن به خواست های یک یا چند نفر در شبکه اعمال اجتماعی، در برابری یک یا چند نفر دیگر است که حتی ممکن است علی رغم مقاومت آنان به انجام رسد (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۵). وبر قدرت را "توانایی مردم برای دستیابی به اهداف خویش (با وجود مقاومت دیگران)" تعریف می‌کند. پس قدرت در بردارنده زورگویی برخی به دیگر است. در همه جوامع نیز برخی افراد، در جستجوی قدرت برای خود و یا گروه خویش هستند. در طرح کلی وبر، نظام چیرگی با دو عنصر مربوط به هم تعریف می‌شود:

الف. باورهایی درباره مشروعیت اقتدار ب. وجود دستگاهی اجرایی

در جوامع پیشرفته صنعتی امروز، اقتدار مبتنی بر قانون یا سلطه قانونی-عقلایی است. بنا به تعبیر وبر، چیرگی قانونی با برتری مقام و پایگاه بوجود می‌آید. در درون یک نظام اقتداری و قانونی عقلایی، احزاب سیاسی سازمانهایی هستند که در آن طبقه ها و گروه های هم پایگاه، برای قدرت مبارزه می‌کنند. همانگونه که وبر میگوید: "یک حزب سیاسی.. به قصد جنگیدن برای چیرگی است که وجود دارد؛ بدین خاطر که منافع طبقاتی و پایگاهی گروهی را که نماینده آن است به پیش ببرد. اما این امر در پرتو یک نظام قانونی انجام می‌شود" (لهسای زاده به نقل از وبر، ۱۳۷۷: ۳۷).

وبر در طرح کلی نابرابری و قشربندی اجتماعی، دو نمونه آرمانی را یادآور میشود: طبقه های اجتماعی و گروههای هم پایگاه. به نظر وی: "یک طبقه تشکیل شده است از افرادی که دارای تواناییهای مشابه برای بدست آوردن موقعیت های اجتماعی، کالاهای و خدمات برای خودشان و التذاذ از آنها از طریق شیوه مناسب زندگی هستند" (همان: ۳۸).

در نظریه های وبر، طبقه ها بیش از گروه ها مجموعه های آماری هستند. در واکاوی وبر، طبقه ها اساساً پدیدارهایی اقتصادی هستند که می‌توانند در یک بازار پولی منظم قانونی، یعنی جایی که درآمد و سود، هدف است وجود داشته باشند. وبر همچون مارکس، بحث طبقه ها را با تمایز میان افراد مالک و غیرمالک آغاز کرد. در باور وی، بود و نبود مالکیت مسئله اساسی همه شرایط طبقاتی است. به دلیل داشتن و یا نداشتن درآمد تولیدی (و یا سرمایه)، شیوه های گوناگون زندگی بوجود می‌آید. در نتیجه تفاوت در شیوه زندگی، کلید تمایز پایگاه ها در جوامع نوین است. کسانی که مالک درآمد تولیدی خویش هستند، به نسبت استفاده ای که از دارایی خود می‌برند، با یکدیگر نیز تفاوت دارند. برای نمونه: یک سهامدار ممکن است به طبقه اجاره دهندگان و یا کارفرمایان

تعلق داشته باشد. اجاره دهندگان یا طبقه مالکان کسانی هستند که از درآمد ثابت ناشی از سرمایه گذاری ها یا سپرده های اعتباری، به دور هستند؛ افرادی که زمین ها را در کنترل خود داشته و درآمد خویش را از کشاورزان اجاره نشین (که در آن زمین ها کار می کنند) دریافت می دارند. در باور وبر، کسانی مانند تاجران، صاحبان کشتی و بانکداران؛ یعنی همان کسانی که صاحب مال التجاره بوده و فعالیت تجاری انجام می دهند، کارفرمایان نامیده می شوند. وبر اینان را طبقه تجاری ۲ می خواند زیرا آنان فقط دارایی خود را برای بدست آوردن سود به کار میگیرند. در نتیجه، اعضای این طبقه اغلب از قدرت اقتصادی بیشتری نسبت به طبقه اجاره دهندگان برخوردار هستند (لهسای زاده، ۱۳۷۷: ۳۸).

از دید وبر، طبقه های نادارایانی که حق امتیاز کمتری دارند، از افرادی تشکیل یافته که امروزه "کارگران یقه آبی" نامیده میشوند؛ زیرا مهارت های آنان به گونه ای ابتدایی، دربر گیرنده کار بدنی است. وبر بدون هیچ توضیح بیشتری بیان داشته که اینگونه افراد می توانند به ۳ گروه تقسیم شوند: کارگران ماهر، نیمه ماهر و بدون مهارت (همان به نقل از وبر: ۳۹).

ماکس وبر، در طرح مفهومی خود از ساختار طبقاتی از دسته دیگری به نام "طبقه های اجتماعی" ۳ سخن به میان آورده است (همان) او طبقه های اجتماعی را شامل گروه هایی از مردم می داند که از فرصت های اجتماعی ویژه ای در زندگی خود برخوردارند (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۰۹) وبر دریافت کسانی که درآمد تولیدی ندارند، با وجود در دست نداشتن وسایل تولیدی، از منابع مهم سیاسی و اقتصادی برخوردار بوده و به گونه ای می توانند در برخی از طبقه ها جای گیرند. سنجه مهمی که وبر در تمایز طبقاتی میان ناداران ارائه می دهد، ارزش خدمات و سطح مهارت های آنهاست. در طرح طبقاتی وبر، این طبقه ها را "طبقه های میانه یا متوسط" نیز می خوانند. این طبقه از افرادی تشکیل یافته که امروزه "کارگران یقه سفید" نامیده می شوند؛ زیرا مهارت هایی که آنها به فروش می رسانند دربردارنده کار بدنی نیست: صاحب منصبان دولتی مانند سیاستمداران، مجریان و مدیران تجارتخانه ها، اعضای مشاغل همچون پزشکان، حقوقدانان، معلمان و روشنفکران و متخصصان (در هر نوع) مانند تکنسین ها، کارمندان یقه سفید پایین و کارکنان دولت. چون در جامعه، تقاضا برای مهارت های این افراد زیاد می باشد، قدرت سیاسی و اقتصادی آنها، بیشتر از کسانی است که کارهای بدنی میکنند (لهسای زاده، ۱۳۷۷: ۳۹).

وبر در واکاوی طبقه های بدون مالکیت و دارایی احساس می کرد که افراد بدون مالکیت، عموماً در شناخت منافع مشترک و همگانی خود ناتوان و درمانده هستند. در نتیجه؛ کنش مبتنی بر یک موقعیت طبقاتی یکسان، اغلب در نقطه آغاز خود باقی می مانده و در حد واکنش های توده ای پایان می پذیرد. با این حال وجود تفاوت هایی در فرصت های زندگی به مبارزه های طبقاتی می انجامید. وبر، برای مبارزه طبقاتی به شناسایی برخی از متغیرهایی پرداخت که مارکس آنها را بررسی کرده بود. این متغیرها عبارتند از: (همان) الف - تعداد زیادی از افراد، باید خود را در شرایط طبقاتی یکسانی در نظر گیرند؛ ب - از نظر محیطی، آنها باید تمرکز داده شوند؛ پ - اعداف مورد نظر، باید به وسیله روشنفکران به روشنی بازگو شود؛ ت - مخالفان، باید به روشنی شناسایی شوند.

در دیدگاه ماکس وبر، پایگاه اجتماعی به ارزیابی مردم از یکدیگر اشاره می کند. یک گروه هم پایگاه نیز دربرگیرنده افرادی است که ارزیابی مثبت یا منفی کسانی از موقعیت اجتماعی خویش دارند. وبر، مفاهیم پایگاه و گروه های هم پایگاه را برای تشخیص و تمایز موقعیت اجتماعی از موقعیت مالی به کار می برد. تفاوت قطعی میان طبقه و پایگاه اجتماعی، ناشی از دو مسئله است؛ از سویی به دلیل اینکه درآمد به دست آمده از حرفه شخص، توانایی خرید کالا و لذت بردن از آن را فراهم می آورد. بنابراین عضویت طبقاتی بطور عینی بر مبنای محاسبه پولی ساده ای تعیین می شود. از سوی دیگر بدان دلیل که پایگاه و موقعیت اجتماعی بر مبنای ارزیابی های شخصی مردم از یکدیگر استوار است؛ لذا عضویت فرد در یک گروه اجتماعی همیشه به طور ذهنی تعیین میشود. در مجموع؛ از نظر وبر، کنش انسان ها پیش از آنکه رفتاری برحسب منافع اقتصادی آنها باشد، متضمن رفتار آنها به عنوان اعضای یک گروه یا کسانی است که در یک شیوه زندگی و سطحی از موقعیت اجتماعی همکاری دارند. ماکس وبر چند اصل نظری مهم درباره قشر بندی اجتماعی اجتماعی جوامع غربی نوین ارائه کرده است. این موارد عبارتند از: (همان: ۴۰)

۱- هرچه تفاوت های پایگاهی بیشتر بر اساس سنجه های نسبی استوار بوده و هر اندازه اینگونه معیارها برجسته تر باشد، گستره و شدت تبعیض نسبت به کسانی که شیوه زندگی دیگری دارند، بیشتر خواهد بود.

۲- در یک نظام اجتماعی هرچه میدان تغییر تکنولوژیکی کمتر باشد، نظم قشر بندی ثبات بیشتری داشته و سطح یگانگی اجتماعی نیز پایین تر خواهد بود.

پس؛ از دید وبر مردم به گونه ای رفتار می کنند که شیوه زندگی خود را از دخالت و دست درازی دیگران، در مراتب پایین تر اجتماعی در امان نگه دارند. همچنین، وی بر این باور بود که پیشرفت تکنولوژی، تکمیل کننده انتقال نظام قشر بندی از تملک بر زمین به مالکیت سرمایه است. به طور کلی، نظریه های وبر در پیرامون قشر بندی اجتماعی اگرچه در راستای رد اندیشه های مارکس است؛ اما تأیید نظر مارکس در مورد شرایطی است که در آن افراد بدون مالکیت به پراکندگی ناعادلانه منابع در یک جامعه

به عنوان اقدامی ناپسند نگرسته و کوشش خواهند کرد که آنرا تغییر دهند. ریشه‌ها و باورهای ماکس وبر درباره قشربندی به دلیل ویژگی ترکیبی آن، تأثیر زیادی بر نظریه‌های امروزی قشربندی اجتماعی گذاشته است. کارکردگرایان؛ بیشتر بُعد پایگاه اجتماعی را از ماکس وبر گرفته‌اند؛ در حالی که برخوردگرایان امروزی بیشتر از باورهای وبر در زمینه تضاد در نظام‌های بوروکراسی بهره‌جسته‌اند. دیدگاه ماکس وبر، در واقع انتقاد مثبتی از نظریه‌های مارکس بوده است. وبر بر پیچیدگی و دوقطبی بودن ماهیت نابرابری در جوامع امروزی تأکید داشت. وی این نکته را در مفهوم بندی طبقه‌ها بر چند اساس اما در هر گروه به صورت قطبی، نشان داده است. در ساختار جوامع امروزی، مسئله بوروکراسی و بوروکراتها برای وی مهم است. او دید انتقادی به بوروکراسی امروزی دارد. در مجموع؛ دیدگاه وبر دیدگاه غیرانتقادی-برخوردی است و در واقع ترکیبی می‌باشد. نظریه‌های ماکس وبر نیز به شدت بر جامعه‌شناسی قشربندی اجتماعی امروزی اثر گذاشته است، به گونه‌ای که امروزه تعداد زیادی از جامعه‌شناسان بر پایه نظریه‌های وی، دیدگاه ترکیبی یا تلفیقی در قشربندی اجتماعی برپا داشته‌اند(همان).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر کوششی بود برای بررسی آراء و نظرات ماکس وبر؛ جامعه‌شناس آلمانی در خصوص قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. همانطور که مشاهده شد، وبر همانند مارکس دیدگاهی تکاملی-تاریخی دارد. رویکرد وبر به قشربندی اجتماعی بر مبنای تحلیلی که مارکس پروراند بنا میشود، ولی او این تحلیل را شرح و بسط داد. یکی از جنبه‌های مهم تحلیل وبر این است که قشربندی را به عوامل اقتصادی تقلیل نمی‌دهد بلکه آن را چند بُعدی می‌بیند. وبر برخلاف مارکس سعی کرده تا از جبر اقتصادی و تحلیل تک بعدی فاصله بگیرد و ابعاد چندگانه قشربندی اجتماعی را جدا کند. او معتقد بود که میتوان منزلت اجتماعی را از موقعیت طبقاتی فرد و موقعیت سیاسی را نیز از پایگاه اقتصادی تفکیک کرد. وبر همچون مارکس عقیده داشت که مالکیت اموال و ثروت یکی از ملاک‌های اساسی در تفکیک طبقه اجتماعی می‌باشد، اما این وضعیت را یک وضعیت احتمالی و نه وضعیتی جبری و حتمی میدانست. جامعه‌شناسی قشربندی اجتماعی وبر واکنشی به جامعه‌شناسی مارکس است؛ اما تکمیل‌کننده آن نیز میباشد. وی نابرابری‌های اجتماعی را بصورت تضاد و برخورد می‌دید البته نه بدین معنی که تضاد موجود میان مالکان وسایل تولید و کارگران، تنها تضاد یا مهم‌ترین تضاد جوامع نوین است. وبر تفکیک طبقاتی را غیرطبیعی و ناشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سازمان‌زدگانی بشر میداند و نه ناشی از خصوصیات طبیعی، جسمی، ذهنی و... . وبر سه نوع ترتیب برای درجه بندی گروه‌ها و اشخاص قائل است؛ نخست ترتیب اجتماعی که عبارت است از منزلت‌های مختلف که به تفاوت در امتیازات اجتماعی مبتنی است. دوم نظام اقتصادی است که به بهره‌مندی ناشی از تفاوت در مالکیت یا عدم مالکیت اشاره دارد. سوم ترتیب قانونی یا سیاسی یعنی اختلاف در قدرت سیاسی و قانونی می‌باشد. به عقیده وبر قشربندی یک خصوصیت غیرقابل اجتناب جامعه است و معتقد است رقابت که از خصوصیات بازار اقتصادی است، موقعیت‌های مختلف برای اقشار پدید می‌آورد و چون همه نمی‌توانند یک اندازه توفیق یابند، به ناچار اختلاف طبقاتی پیش خواهد آمد. همچنین اختلاف در قدرت سیاسی و پرستیژ به ناچار به اختلاف در مرتبه و منزلت اجتماعی می‌انجامد.

منابع

- ۱- انصاری؛ ابراهیم(۱۳۷۸) نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان
- ۲- ریتزر؛ جورج(۱۳۹۵) نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی
- ۳- ریزمن؛ لئونارد و انگویتا؛ ماریانو اف(۱۳۸۳) جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی: کلاسیک و مدرن، ترجمه محمد قلی پور، انتشارات آوای کلک
- ۴- کمالی؛ علی(۱۳۹۲) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، چاپ ششم، انتشارات سمت
- ۵- غرب؛ ادوارد(۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد، چاپ اول، انتشارات معاصر
- ۶- گورویچ؛ ژرژ(۱۳۵۷) مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، نشر جامعه و اقتصاد
- ۷- گیدنز؛ آنتونی(۱۳۹۳) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ نهم، نشر نی
- ۸- لهسایی زاده؛ عبدالعلی(۱۳۷۷) نابرابری و قشربندی اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹
۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

ISSN: 2645-4475

